



خدا تو را برانگیخت تا انگشتی نبوت، بی خاتم نماند و سلسله انبیاء به انجامی این سان شگفت ببالد. تو برخاستی تا نشستگان برخیزند و در همیشه تاریخ با ظلم و کفر بستیزند. ظهور نام تو، در شب سیاه ستمکاری، طلوع آفتابی بی غروب بود که در باغ های گل محمدی خندید و عطر خنده اش مشام جهان را تازه کرد.

گزارشی از ضیافت «روز قلم» در هتل لاله تهران

ساده و صمیمی با اهل کتاب و فرهنگ



مراسم بزرگداشت روز قلم و ضیافت اهالی فرهنگ همزمان با ۱۵ تیرماه با حضور بهمن دری، معاون امور فرهنگی، یحیی طالبیان، قائم مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور شعر و ادب، دکتر محسن پرویز، معاون سابق امور فرهنگی وزارت ارشاد،

کتابخانه

شنبه ۱۹ تیر ۱۳۸۹
۲۷ رجب ۱۴۳۱، ۱۰ جولای ۲۰۱۰
شماره ۲۳۹، پیاپی ۸۹۰
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: علی آقاغفار
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواجeh نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



لوکلزیو: زندگی
سرشار از
دیوانگی هاست

۲۱



حجاب
در آینه کتاب های
جامعه شناسی

۱۱



مرغ اندیشه
گرفتار معلولیت
نمی شود

۹

سرآغاز

سنت حسنه گفت وگو

گفت وگو، شاید بهترین راه شناخت و ایجاد تعامل و همدلی باشد. هفته گذشته، جمعی از اهالی قلم، در هتل لاله تهران میهمان خانه کتاب بودند تا ضمن تجدید دیدار با یکدیگر، نخستین نشست صمیمی و غیررسمی خود را نیز با معاون جدید امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار کنند؛ نشستی که واقعا صمیمی بود؛ دو معاون پیشین و جدید امور فرهنگی ارشاد (محسن پرویز و بهمن دری) همان طور که انتظار می رفت، کنار یکدیگر نشستند، گپ زدند و به دغدغه های اهل فرهنگ گوش سپردند. چند نفر از اهل قلم نیز، سفره دل گشودند و حتی وقتی یوسف علیخانی، نوشته اش را خواند، نوشته ای که پرسشگر بود، دری، با او رویوسی کرد و کتاب های اهدایی علیخانی را پذیرفت.

گفت وگو، شاید بهترین راه شناخت، ایجاد تعامل و همدلی باشد، به ویژه این که در فضایی صمیمی، بدون پیش داوری و بدون صدور حکم در «خوب» و «بد» آدمیان صورت بگیرد. همه اهل قلم، می توانند و می توانیم این سنت حسنه را بی هیچ «اما» و «اگر»ی، محترم بشماریم.

معاون امور فرهنگی وزیر ارشاد در حاشیه مراسم روز قلم:

چشم اندازی روشن پیش روی معاونت فرهنگی است

بهمن دری، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، چشم انداز آینده معاونت فرهنگی را چشم اندازی روشن و امیدوارکننده توصیف کرد.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه برگزاری آیین پاسداشت روز قلم در گفت وگویی کوتاه با «کتاب هفته» در پاسخ به این سوال که نخستین هفته کاری تان را در معاونت فرهنگی چگونه ارزیابی می کنید؟ گفت: «با وجود مشکلاتی که وجود دارد می توان چشم انداز خوبی را برای این عرصه متصور شد و امیدوارم خداوند توفیق دهد تا بتوانیم خدمتگزاری کنیم.»

دری در نخستین هفته کاری خود، روز سه شنبه پانزدهم تیرماه با حضور در مراسمی که به مناسبت پاسداشت روز قلم از سوی خانه کتاب در هتل لاله برگزار شده بود، با نویسندگان و اهالی قلم از نزدیک دیدار و گفت وگو کرد.

حضور در دومین نشست ستاد برگزاری هجدهمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، دیدار با جمعی از ائمه جماعات تهران، بازدید از دفتر توسعه مشارکت های فرهنگی هنری و تشریح اولویت های کاری معاونت فرهنگی در دیدار با جمعی از بسیجیان و رزمندگان از دیگر اقدامات دری در هفته گذشته بودند.



معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمعه یازدهم تیرماه نیز در دیدار با جمعی از ائمه جماعات تهران بر استفاده از تمام ظرفیت های نهادهای فرهنگی کشور برای تحقق و اجرای صحیح، شفاف و بدون انحراف و مماشات با دغدغه های فرهنگی مقام معظم رهبری و دولت ولایتمدار دهم تاکید کرد. دری همچنین شامگاه جمعه یازدهم تیرماه با حضور در جمع رزمندگان و بسیجیان، در جلسه پرسش و پاسخ آنان شرکت کرد و به دغدغه های جدی نظام در عرصه فرهنگ و تبیین تحول آفرینی سریع و گسترده در حوزه نشر پرداخت.

ادامه در صفحه ۲

۲

• نشست ناشران
باریس جمهور قبل از
ماه مبارک رمضان

• دیدار

وزیران فرهنگ
ایران و آذربایجان

۳

• رمانی از یاسمینا
رضابه ایران می آید

• نویسنده منتقد

چینی قبل از چاپ
کتابش دستگیر شد

ع

رویکرد جدید
نمایشگاه قرآن در
عرضه آثار خارجی

با استفاده از امکانات سخت افزاری و نرم افزاری از جمله تاریخ و فرهنگ جذاب و پرفراز و نشیب ایران، می توان فاصله زیاد وضع موجود با وضع مطلوب را کاهش داد و پر کرد. در هر داستان و سرگذشتی، در چالش خیر و شر، انگیزه های سالم موجود برای مبارزه با جریان شر نیز، هنرمندانه به تصویر کشیده شود تا فضای واقعی جامعه در ذهن مخاطب ترسیم گردد.

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از هنرمندان ۱۳۸۹/۴/۱۲

«لطایف قرآنی»

از نگاه امام خمینی (ره)



ایکنا: مجموعه هفت جلدی «لطایف قرآنی» مشتمل بر تفسیر آیات مورد توجه حضرت امام خمینی (ره) در قالب سخنرانی های ایشان به کوشش مجید زمان پور منتشر شد.

به گفته زمان پور این مجموعه شامل دو بخش کلی با موضوع آشنایی با قرآن و نیز تفسیر است که در بخش آشنایی با قرآن، نویسنده مقدمه ای بر جایگاه و شأن قرآن در کلام حضرت امام خمینی (ره) ارائه کرده است و در ادامه و در شش جلد به بررسی تفسیری و موضوعی آیاتی پرداخته که مدنظر حضرت امام (ره) بوده است و در این بیان تفسیری سعی شده تا زبان و فهم مخاطب عام مورد توجه قرار بگیرد. زمان پور از عناوین «توصیف قرآن»، «روش یادگیری قرآن»، «کتاب دعوت به حق و سعادت»، «مقصد مهم قرآن»، «قصه های انبیاء»، «تکرار مطالب در قرآن» و «بیان احوال کفار و منافقان» به عنوان مهم ترین بخش های به کاررفته در فصول این مجموعه یاد کرد و افزود: موضوعات متنوعی از جمله «شرح و بیان معاد»، «سلوک و تذهیب از منظر قرآن کریم» و «تفاوت قرآن کریم با سایر کتاب ها» نیز از جمله سرفصل های مهمی اند که در این مجموعه مورد توجه قرار گرفته اند. مجموعه هفت جلدی لطایف قرآنی در شمارگان دو هزار نسخه و با قیمت ۱۷۰۰ تومان از سوی موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) به چاپ رسیده است.

چشم اندازی روشن پیش روی معاونت فرهنگی است

ادامه از صفحه اول

معاون فرهنگی وزارت ارشاد درباره غلبه گفتمان سکولاریستی، اومانیستی و غربگرا در حوزه فرهنگ گفت: «با دولت آقای احمدی نژاد، این گفتمان ضعیف و محدود شده است و اگر گفتمان انقلاب اسلامی در فضای ناشی از آن مورد حمایت جدی و هوشمندانه قرار نگیرد و در این عرصه ضعیف عمل کنیم، به افزایش تهاجم فرهنگی دامن زده ایم.»

دری دوازدهم تیر نیز طی بازدیدی یک ساعته از بخش های مختلف دفتر توسعه و مشارکت های فرهنگی هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خواستار تسریع در صدور مجوز برای موسسات فرهنگی و تکریم ارباب رجوع شد.

وی همچنین برای تسریع امور مراجعه کنندگان از همه کارکنان این دفتر خواست تا از هرگونه رفتار غیراصولی و غیرکاری پرهیز کرده و بر ضابطه مند شدن فعالیت های این دفتر تاکید کرد.

اجرای طرح ترجمه آثار مهم ایرانی به زبان های خارجی

رویکرد جدید انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به عرصه ترجمه

به معنای عام آن پیردازیم، بدین معنا که نه فقط در حوزه علوم انسانی و کلام و فلسفه و شعر بلکه آثار فرهنگی را در دیگر حوزه ها نظیر حوزه نشر، بازنویسی و بازنسازسی نیز مورد توجه و حمایت قرار دهیم.

وی در ادامه از انتشار پنج اثر تالیفی جدید با عناوین «آرام نامه»، «تحفه سامی»، «حکایت بلوچ»، «فهرست توصیفی مقالات جشن نامه ها و یادنامه ها» و «نام آوران آذربایجان در سده ۱۴» در آینده ای نزدیک خبر داد.

به گفته دکتر ادبی، پنج کتاب مذکور در حال حاضر مراحل پایانی نشر را سپری می کنند و در آینده ای نزدیک روی پیشخان کتابفروشی ها قرار می گیرند.

وی همچنین یادآور شد: «آرام نامه» مجموعه ای از مقالات علمی و ادبی تقدیم شده به استاد احمد آرام است که به اهتمام دکتر مهدی محقق فراهم آمده است. «تحفه سامی» اثری تالیفی (نسخه خطی) از سام میرزاسفوی با تصحیح و تعلیقات فاطمه انگورانی، «حکایت بلوچ» (جلد ششم) اثر دکتر محمود زند مقدم، «فهرست توصیفی مقالات جشن نامه ها و یادنامه ها» (جلد چهارم) تالیف و تدوین محمد گلبن و احمد شکیب آذر و «نام آوران آذربایجان در سده ۱۴» نیز اثری تالیفی به قلم غلامرضا طباطبایی مجد است.



عرضه کنند.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی همچنین درباره برنامه های راهبردی در دور جدید کاری این انجمن اظهار داشت: «برآنیم تا در دوره جدید با همکاری پژوهشگران، نخبگان، نسخه شناسان، مصححان، شارحان بزرگ و استادان مختلف در حوزه های علوم انسانی و غیر از آن به آثار فرهنگی

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در دور جدید کار خود، طرح ترجمه آثار مهم فلسفی، حکمی و تاریخی ایران را به زبان های روز دنیا به اجرا درمی آورد. ریاست انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را - پس از مهدی محقق - عهده دار شده، در گفت و گو با کتاب هفته با بیان این مطلب، از رویکرد متفاوت این انجمن به عرصه ترجمه در این دور جدید کاری خبر داد و گفت: «در حال حاضر در عرصه ترجمه با بهره گیری از کارشناسان در سطوح بالا، طرحی را به طور جدی دنبال می کنیم که این طرح عبارت است از ترجمه آثار گراندقدر و گراندسنگ فلسفی، حکمی و تاریخی کشورمان به زبان های روز دنیا.»

وی با تاکید بر ضرورت آشنایی کامل مترجمان با مبانی و فرهنگ زبان مبدا و زبان مقصد، ناآشنایی مترجمان با هر یک از این دو مقوله را مانعی جدی بر سر راه ترجمه دانست و درباره راهکار جدید انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در این باره اظهار داشت: «سعی ما بر این است تا در سفارش ترجمه به مترجمان مختلف، توجه مان را به کسانی معطوف کنیم که در حال حاضر خارج از مرزهای کشور زندگی می کنند و در عین این که با فرهنگ ایرانی - اسلامی و حکمی ما آشنا هستند، می توانند با ایده و نگرشی که زبان مقصد در آن غالب است، ترجمه های متفاوتی را

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با وزیر فرهنگ آذربایجان دیدار کرد

در دیدار سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با ابوالفضل قزایف وزیر فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان، بر توسعه روابط و همکاری های فرهنگی میان دو کشور تاکید شد.

در این دیدار که سه شنبه ۱۵ تیر در محل وزارت فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان انجام گرفت، قزایف از سفر حسینی به باکو، اظهار خوشوقتی و ابراز امیدواری کرد که این سفر زمینه توسعه هرچه بیشتر روابط و همکاری های فرهنگی دو کشور را فراهم کند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این دیدار با اشاره به ملاقات خود با الهام علی اف رئیس جمهوری آذربایجان، گفت وگوهای انجام شده با وی را درباره گسترش همکاری های دو کشور در عرصه های فرهنگی، مهم ارزیابی کرد.

وزرای فرهنگ دو کشور در این دیدار با اشاره به تفاهم های انجام شده در زمینه همکاری های فرهنگی، بر لزوم پیگیری این تفاهم ها از طریق سفارتخانه و نهاد های ذی ربط تاکید و نقش نهادهای فرهنگی را در توسعه مناسبات، مهم ارزیابی کردند و مقرر شد همکاری های دو کشور در بخش فرهنگی از طریق برگزاری متقابل هفته های فرهنگی تداوم یابد.

در پایان این دیدار، یک تفاهمنامه در زمینه همکاری های فرهنگی میان دو کشور از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان امضا شد.

برگزاری ضیافت شاعران و معاون امور فرهنگی در باغ زیبا

مصطفی امیدی، دبیر اجرایی جشنواره بین المللی شعر فجر، از برگزاری مراسمی با حضور جمعی از شاعران و معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین قائم مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور شعر و ادب در باغ زیبای قلهک تهران خبر داد. این نشست عصر دوشنبه ۲۱ تیر برگزار می شود. امیدی درباره اهداف این نشست گفت: «یکی از اهداف برگزاری این نشست، آشنایی بیشتر شاعران کشور با دیدگاه های آقای طالبیان، قائم مقام وزیر

فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور شعر و ادب است. مدیر کل دفتر مطالعات فرهنگی و کتابخوانی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت: «این ضیافت شام فرصتی برای ارتباط مستقیم شاعران با معاون جدید امور فرهنگی، آقای دری است تا مسایلی حوزه شعر را با ایشان در میان بگذارند.» این برنامه از ساعت ۸ شب دوشنبه در مجتمع فرهنگی تفریحی باغ زیبا در منطقه قلهک تهران که به تازگی افتتاح شده، برگزار خواهد شد.

مجموعه ۱۲ جلدی عکس دفاع مقدس منتشر شد

دفاع مقدس است که از جمله آنها می توان به حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، محمد ابراهیم همت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و مهدی زین الدین، فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) اشاره کرد. همچنین تصاویری از شهدایی که در زمان تدفین لبخند زده اند، در میان عکس فرماندهان جنگ تحمیلی، جای داده شده اند.

عکس هایی از حضور شهید احمد کاظمی در کنار مقام معظم رهبری در جبهه ها، از تصاویری اند که برای نخستین بار منتشر می شوند و به جذابیت این کتاب افزوده اند.

مجموعه ۱۲ جلدی «کتاب عکس» در قطع رحلی و با شمارگان پنج هزار نسخه، به همت انتشارات یازهر (س) منتشر شده است.

مجموعه ۱۲ جلدی «کتاب عکس» شامل تصاویری از رزمندگان و شهدای دوران دفاع مقدس و همچنین عکس هایی از حضور شخصیت های سیاسی و مذهبی در جبهه های نبرد حق علیه باطل توسط انتشارات «یازهر» (س) وارد بازار نشر شده است.

عکس هایی از امام خمینی (ره) و اقامت ایشان در فرانسه و تصاویری از ابراز احساسات مردم نسبت به امام (ره) در جماران و تصاویری از دوران جوانی و ریاست جمهوری آیت الله سیدعلی خامنه ای، سخنرانی ایشان در خطبه های نماز جمعه و حضورشان در جبهه های دفاع مقدس و سخنرانی ایشان برای رزمندگان در مجلدهای مختلف این کتاب گنجانده شده اند.

همچنین مجموعه «کتاب عکس» شامل تصاویری از چند فرمانده شهید دوران

رمانی از یاسمینا رضا به ایران می آید



دانشگاه «نانتس» و «اکول ژاک لوکوک» تحصیل کرده است.

یاسمینا رضا بیش از رمان نویسی برای نمایشنامه هایش به شهرت رسیده. او در آثار نمایشی اش با زبانی ساده، مسائل پیچیده و پدیده های روانی و اجتماعی را می کاود و در مقابل خواننده

رمان «آدم هابریبرگ»، اثر یاسمینا رضا، نویسنده فرانسوی که به فارسی ترجمه شده، در ایران منتشر می شود. این رمان را آرزو فکری ارشاد به فارسی ترجمه کرده و ترجمه او از سوی موسسه انتشاراتی «ماهی» روانه بازار کتاب ایران می شود.

«آدم هابریبرگ» سومین رمان این نویسنده فرانسوی است. وی در این کتاب که در سال ۲۰۰۳ میلادی با نام «Adam Haberberg» منتشر شده داستان تباهی نویسنده ای ۴۷ ساله به نام «آدم هابریبرگ» را تعریف می کند که بینایی اش دچار اختلال شده و به سمت کوری تدریجی می رود. همسر آدم زنی است که دوست دارد بتواند به مرد زندگی اش تکیه کند و بعد از بیماری آدم علاقه اش را به او از دست داده و نسبت به وی بی توجه می شود. کتاب های آدم با شکست مواجه شده اند و تمام زندگی اش رو به اضمحلال است. داستان هنگامی به اوج می رسد که او در باغ وحش یک دوست قدیمی رما ملاقات می کند و دوستش رازی ناگفته از سی سال پیش را برایش آشکار می سازد. یاسمینا رضا (متولد ۱۹۵۹ در پاریس) نمایشنامه نویس، بازیگر، رمان نویس و فیلمنامه نویس فرانسوی است. او از پدری ایرانی و مادری اهل مجارستان متولد شده و در مدرسه «سنت کلود»،

ویلیام استنلی مروین ملک الشعرای آمریکا شد

ویلیام استنلی مروین در ۸۲ سالگی لقب ملک الشعرای آمریکا را گرفت.

به گزارش خبرگزاری «ایسنا»، این شاعر که تاکنون دو بار جایزه پولیتزر را در سال های ۱۹۷۱ و ۲۰۰۹ کسب کرده، هفدهمین فردی است که توانسته عنوان ملک الشعرای آمریکا را به خود اختصاص دهد. لقب ملک الشعرای آمریکا از سال ۱۹۸۵ میلادی به عنوان عالی ترین لقب شاعری با حمایت کتابخانه کنگره آمریکا ثبت و به شاعران برجسته این کشور اعطا می شود.

استنلی مروین بعد از دریافت این لقب به نیویورک تایمز گفته است: «احساس نزدیکی و علاقه مندی فراوانی با مردم بومی و زبان و ادبیات آنها دارم.»



او در ادامه صحبت هایش با اشاره به نگرانی اش درباره محیط زیست در طول حیات هنری اش، عنوان می کند: «من چشم به راه این هستم که گویای بخشی از فرهنگ عمومی باشم.»

استنلی مروین ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۲۷ در شهر نیویورک به دنیا آمده است. پدرش کشیش کلیسای پروتستان بود و به این دلیل، در پنج سالگی سرودهای روحانی را رونویسی می کرد. این شاعر در جوانی به اروپا رفت و با عشق به گستره زبان، به ترجمه آثار ادبی پرداخت. او بعدها از زبانی مفید به اصول و قواعد قدیمی به زبانی ساده تر و البته دورتر از زبان رایج آمریکا رسید.

مروین در فاصله سال های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ در کمبریج و ماساچوست نمایشنامه می نوشت. وی در دهه ۶۰، همپای شاعرانی چون رابرت بلائی، آدرین ریچ، دنیس لور توف، رابرت لاول و آلن گینزبرگ در زمره شاعران ضد جنگ درآمد.

دبلیواس مروین اکنون در هاوایی در جزیره مائوئه زندگی می کند، می نویسد و باغبانی می کند.

قرار می دهد.

این نمایشنامه نویس، نخستین نمایشنامه خود را در سال ۱۹۸۷، با نام «گفت و گوهای پس از خاکسپاری» نوشت که با موفقیت مواجه شد و جایزه مولیر را برای نویسنده اش به ارمغان آورد. او سپس رمان «مسخ» اثر فرانتس کافکا را برای اجرا توسط رومن پولانسکی ترجمه و برای بار دوم جایزه مولیر را از آن خود کرد. رضا در سال ۱۹۹۴ با انتشار نمایشنامه «هنر» به اوج شهرت رسید و در سال ۱۹۹۸ جایزه «تونی» را به دست آورد.

دغدغه این نویسنده در آثارش، روابط انسانی است که همواره با تنش های دراماتیک همراهند. شخصیت های اکثر آثار رضا، نگران خودشانند. منتقدان، یاسمینا رضا را یکی از موفق ترین نمایشنامه نویسان دهه پایانی قرن بیستم فرانسه می دانند.

از رضا تاکنون آثاری چون «خدای کشتار»، «حرمان»، «اندوهی ژرف»، «هنر»، «بازیگاه تو، گرداب من» و «سه روایت از زندگی» به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده اند. برخی از آثار نمایشی این نویسنده هم توسط گروه های مختلف تئاتری در ایران روی صحنه رفته اند.

موراکامی برای ادامه دادن رمان «Q841» مردد است



هاروکی موراکامی نویسنده ژاپنی در گفت و گو با فصلنامه «کانگائو هیتو» (متفکر) عنوان کرد که تصمیمی برای نوشتن ادامه رمان پر فروش «Q841» ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از سایت ژاپن تودی، این نویسنده ۶۱ ساله گفت: «اکنون برای من دشوار است که بگویم جلد چهارم این رمان را خواهم نوشت یا نه. چه می توانم بگویم در حالی که بیش از این هم نمی دانستم پس از جلد اول، رمان «Q841» را ادامه خواهم داد.»

رمان «Q841»، که حکایت آن در فصول مختلف به تناوب به دو شخصیت زن و مرد به نام های «آومیم» و «تنگو» می پردازد، در دو جلد نخست عنوان پر فروش ترین کتاب سال ژاپن را از آن خود کند و تاکنون میلیون ها نسخه از سه جلد آن به فروش رفته است. موفقیت این رمان همچنین باعث فروش آثار قبلی موراکامی و استقبال از لوح فشرده موسیقی ای شده که در رمان از آن یاد می شود. موسیقی در آثار داستانی موراکامی نقشی کلیدی دارند و حتی داستان برخی از رمان های او از جمله رمان «کافکا در ساحل» بر اساس قطعه ای از یک موسیقی شکل گرفته اند.

آثار داستانی و غیر داستانی این نویسنده مورد تحسین منتقدان قرار گرفته و تاکنون جوایز بسیاری از جمله جایزه فرانتس کافکا را به دست آورده است. آثار موراکامی به بیش از ۴۰ زبان برگردانده شده است. وی را در رده نویسندگان مهم ادبیات پست مدرن می شناسند و از او به عنوان یکی از نامزدهای دریافت جایزه نوبل ادبیات یاد می کنند. نشریه گاردین نیز این نویسنده را به عنوان یکی از بزرگ ترین داستان نویسان زنده دنیا معرفی کرده است. از این نویسنده مجموعه داستان «کجا ممکن است پیدایش کنم» و رمان های «کافکا در ساحل» (با نام «کافکا در کرانه» هم ترجمه شده) و «پس از تاریکی» به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده اند.

نویسنده منتقد چینی قبل از چاپ کتابش دستگیر شد

لیو شیابو، منتقد سرسخت دولت چین در حال گذراندن دوران محکومیت ۱۱ ساله خود به جرم تلاش برای براندازی دولت است.

یو که دولت چین از چاپ کتاب هایش جلوگیری کرده، گفته است که از تصمیمش برای انتشار کتابی که سیاست های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی نخست وزیر را نقد می کند، کوتاه نخواهد آمد. او این کتاب را به زودی در هنگ کنگ منتشر خواهد کرد.

این نویسنده می گوید برای پذیرفتن تمامی پیامدهای چاپ کتابش آماده است.

یو یکی از حامیان مالی مرکز مستقل «PEN» در چین است که برای آزادی بیان و نشر مبارزه می کند. وی همچنین حامی مسیحیان بومی است و در این راه بارها با مقامات حکومتی به خاطر سخنرانی هایش برای دفاع از مذهب در مقابل بی دینی مورد پسند دولت کمونیست چین، درافتاده است.

پلیس چین یک نویسنده معروف و منتقد سیاست های دولت این کشور را دستگیر و تهدید کرد در صورتی که از تصمیم خود برای انتشار یک کتاب انتقادی از نخست وزیر چین منصرف نشود، به زندان خواهد افتاد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از آسوشیتدپرس، «یوجی» نویسنده منتقد حزب کمونیسم چین ادعا می کند که دوشنبه قبل، از سوی پلیس این کشور تهدید به زندان شده است. یو گفته که پلیس او را دستگیر و به ایستگاهی نزدیک محل اقامتش منتقل کرد و نیروهای امنیتی و پلیس مخفی او را به مدت چهار ساعت بازجویی کردند.

یو به آسوشیتدپرس گفت: «نیروهای امنیتی گفتند که نخست وزیر یک شهروند معمولی نیست و انتقاد از او به منافع ملی و امنیت ملی ضربه خواهد زد. آنها مرا تهدید کردند که یک دوره طولانی زندان مانند لیو شیابو برایم تدارک خواهند دید.»

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

با داوران جایزه قلم زرین

مراسم اختتامیه جشنواره قلم زرین عصر دوشنبه هفته گذشته (۱۴ تیر)، در سالن اجتماعات انجمن قلم ایران برگزار شد. در آیین پایانی این جایزه علی اکبر ولایتی، یحیی طالبیان و محسن مومنی حضور داشتند. قلم زرین در هفتمین دوره برگزاری خود در بخش داستان، هیچ اثری را به عنوان اثر برگزیده اعلام نکرد. خیرگزاری کتاب مصاحبه هایی را با برخی داوران و برگزیدگان این جایزه منتشر کرده است.

رضا اسماعیلی سرداور بخش شعر این جایزه در گفت و گو با «ایبنا» روند داوری کتاب های شعر در این جایزه را تشریح کرده و گفته است: «دو محور اساسی محتوا و ساختار در داوری بخش شعر مد نظر بوده اند. بر همین اساس کتاب هایی که از نظر محتوا و مضمون در حوزه ارزش ها و آرمان های ایرانی - اسلامی بودند و در این چارچوب ها قرار می گرفتند، انتخاب شدند.»

محمدجعفر یاحقی، مولف کتاب «از پاژ تا دروازه رزان» که برای این اثر موفق به دریافت جایزه قلم زرین شده نیز در مصاحبه با «ایبنا»، با توضیح ویژگی های اثر خود، گفته است: «جشنواره ها و جایزه های ادبی سبب جنب و جوش در حوزه کتاب و کتابخوانی می شوند و فضای توجه به آثار مکتوب و شناخته شدن پدیدآورندگان این آثار را در پی دارند. اهالی قلم با برپایی این جشنواره ها و جایزه های ادبی مطمئن می شوند که آثارشان دیده می شود و محلی برای قدردانی از تلاش آنها وجود دارد.»

«ایبنا» همچنین بیانیه هیات داوران بخش های مختلف جایزه قلم زرین را منتشر کرده است. در پایان بیانیه هیات داوران بخش داستان این جایزه که به قلم راضیه تبار، سرداور این بخش، نگارش شده، آمده است: «دادن جایزه به یک اثر، دلیل بر کم ارزش بودن بسیاری از آثاری که فرازهای درخشانی در دل خود دارند نیست. امید است که برگزاری این گونه مراسم و اهدای جوایز به برگزیدگان، حیات را در رگ های پیکره ادبیات داستانی متعهد کشور جاری سازد.»

متن کامل این بیانیه ها و مصاحبه با برگزیدگان و داوران این جایزه را در «ایبنا» بخوانید.

رونمایی کوچه نقاش ها

آیین رونمایی کتاب «کوچه نقاش ها»، عصر دوشنبه ۱۴ تیر، با حضور حجت الاسلام مهدی خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، مرتضی سرهنگی، مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری، سید ابوالفضل کاظمی، راوی کتاب «کوچه نقاش ها» و راحله صبوری، نویسنده آن و جمعی از همزمان سید ابوالفضل کاظمی در سالن مهر حوزه هنری برگزار شد. مرتضی سرهنگی، مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری در این مراسم با تاکید بر این که «کوچه نقاش ها» بیانگر حقیقت محض است، گفت: «سید ابوالفضل کاظمی، روایتی دارد که ما به لحن آن اعتماد می کنیم و اطمینان داریم. وی در کلامش دروغ نمی گوید و این موضوع رکنی اساسی در خاطرات شفاهی و وقایع تاریخی است.»

گزارش برپایی این مراسم همراه یک گزارش تصویری از آن در خبرگزاری کتاب منتشر شده است.

■ **عباس کریمی**، مدیر اجرایی و کیفی پروژه نگارش مجموعه ۱۰ جلدی «رمان های دفاع مقدس ارتش» از رونمایی این آثار در هفته دفاع مقدس امسال خبر داد.

■ جشنواره ادبی «آیات آسمانی» در آستانه فرارسیدن ماه مبارک رمضان با محوریت آیات قرآن کریم به همت فرهنگسرای شفق برگزار می شود و داستان نویسان کشور تا چهارم شهریور مهلت دارند داستان های کوتاه خود را که با الهام از آیات قرآن مجید نوشته اند به دبیرخانه این جشنواره ارسال کنند.

■ جایزه ادبی «طهران» هیچ یک از کاندیداها را به عنوان برنده اعلام نکرد و آثار پریسا مرتضوی از شیراز، سعید شریف زاده از تهران و مریم حقیقت از جهرم را شایسته تقدیر دانست.

■ «زندگی نامه آریا برلین» که عبدالله کوثری اخیرا و پس از یک سال و نیم، کار ترجمه آن را به پایان رسانده، توسط نشر ماهی زیر چاپ رفت.

■ نخستین همایش ملی نشر که قرار بود ۲۸ تیرماه برگزار شود با تعویق چند ماهه، آبان ماه سال جاری برگزار خواهد شد.

■ رییس کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی از چاپ فهرست ۳۲۰ هزار نسخه خطی موجود در ایران در ۱۲ مجلد تا ماه آینده خبر داد.

■ نخستین نمایشگاه موضوعی کتاب با عنوان «معرفی برخی از شاعران معاصر» همزمان با روز قلم از ۱۴ تا ۲۱ تیرماه در کتابخانه عمومی حسینیه ارشاد برگزار می شود.

سرای اهل قلم در این هفته

برنامه سرای دائمی اهل قلم به این شرح است:
دوشنبه، ۲۱ تیرماه: کارگاه داستان نویسی با حضور فیروز زوزی جلالی از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۶:۳۰.
سه شنبه، ۲۲ تیرماه: جلسه شاهنامه خوانی با مشارکت بنیاد فردوسی و برخوانی مرجان صادقی نائینی از ساعت ۱۷ تا ۱۹.
چهارشنبه، ۲۳ تیرماه: جلسه شعر خوانی با حضور جمعی از شاعران از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰.
 سرای دائمی اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده است.

تازه های کتاب ماه منتشر شد

آکوئیناس، هنرمند و هستی

جدیدترین شماره های ماهنامه های تخصصی و اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب ماه فلسفه، ادبیات، هنر، دین، علوم اجتماعی، کودک و نوجوان، کلیات، تاریخ و جغرافیا و علوم و فنون از سوی خانه کتاب منتشر شد. سی و چهارمین شماره **کتاب ماه فلسفه** (تیر ۸۹) علاوه بر اختصاص بخش پرونده این مجله به توماس آکوئیناس، مباحثی نظیر نظریه استحقاق در اخلاقیات معتزله، تاملی دیگر در هنر استدلال، بررسی نقدهای کتاب حسن بصری و نقدی بر عیار نقد را مورد بازکاوی قرار داده است.

کتاب ماه ادبیات نیز در سی و هشتمین شماره به موضوعاتی نظیر ریشه شناسی فعل های زبان ایرانی، رسالت ادبیات، شعر، نقد و شعر اجتماعی، پرداخته است.

از جمله مباحث ارائه شده در صد و چهل و دومین شماره **کتاب ماه هنر** نیز می توان به این موارد اشاره کرد: مارسل امه، هنرمند و هستی، ویژگی های پست مدرن در هنر چند رسانه ای، معماری اسلامی، گذرگاه هنر و تمدن، صد و پنجاه و دومین شماره **کتاب ماه دین** نیز با زیرعنوان: «پرونده: جامعه شناسی دین ۱» موضوعاتی نظیر، وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی، بررسی آثار قرآن پژوهی ایزوتسو، جامعه شناسی دین، منظری جامعه شناختی به دین و زمین در بوته نقد را مورد بررسی قرار داده است.

بیست و هفتمین شماره **کتاب ماه علوم اجتماعی** نیز ویژه روش های تحقیق به پنجمین گام خود در حوزه بررسی روش های تحقیق رسیده است.

کودک و کودکی در آثار مولوی، مردگانی که زنده ترند، نقد و نظریه معاصر ادبیات کودک و برندگان نوبل کوچک نیز از جمله مباحث صد و پنجاه و دومین شماره **کتاب ماه کودک** هستند.

کتاب ماه کلیات نیز در صد و پنجاهمین شماره مباحثی از جمله تاریخ و شناسنامه مطبوعات فارس، طراحی پایگاه وب دستگاه های دولتی و راهبردهای افزایش ترافیک وب سایت کتابخانه ای را مورد کنکاش قرار داده است. برخی از عناوین صد و چهل و ششمین شماره **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا** نیز عبارتند از توصیف، تبیین و تفسیر در تحقیقات تاریخی، پژوهش تاریخی، بحران روش و مآخذشناسی روش پژوهش در تاریخ.

کتاب ماه علوم و فنون نیز در سی و هشتمین شماره خود به مباحثی از این دست پرداخته است؛ تغذیه و تغذیه درمانی، فناوری نانو: نگرش هزاره سوم، اصول پرورش ماهیان گرم آبی، بررسی وضعیت سلامت روانی جهان، احکام نجوم و بررسی چند کتاب از دنیای ورزش و پزشکی.

عضو شورای برنامه ریزی نمایشگاه قرآن خبر داد

رویکرد جدید نمایشگاه قرآن در عرضه آثار خارجی

امر در نمایشگاه شانزدهم در بخش پژوهش محقق شد و آثار اصلی و مرجع جهان اسلام به زبان های مختلف، البته فقط برای مطالعه در ایام نمایشگاه و استفاده پژوهشگران از محتوای آن، عرضه شدند. «فرگاه افزود: «اما اتفاقی که امسال افتاده این است که بخش لاتین و عربی نسبت به سال گذشته توسعه بیشتری پیدا کرده و از حیث عناوین حاضر افزایش یافته و کتاب های این دو بخش در معرض فروش نیز قرار می گیرند.»



فرگاه در پاسخ به این سوال که روند ارزیابی آثار در حال حاضر در چه مرحله ای است؟ گفت: «اکنون استادان در حال بررسی عناوین و محتوای آثارند و نهایتا کتاب هایی که مورد تایید کارشناسان باشند، اجازه عرضه و فروش در نمایشگاه امسال را خواهند یافت که غالب این آثار نیز منابع مرجع و دایره المعارف هایی اند که عمده رویکردشان قرآنی است.»

عضو شورای برنامه ریزی هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم با اشاره به پیشینه ارائه آثار خارجی در نمایشگاه قرآن در سال های گذشته و مقایسه آن با برنامه های تدارک دیده شده برای امسال، یادآور شد: «در شانزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن به پیشنهاد مقام معظم رهبری مجموعه ای به نام کتابخانه جهان اسلام شکل گرفت. ایشان پیش از نمایشگاه شانزدهم فرموده بودند که مجموعه ای از کتب فاخر از جهان اسلام جمع آوری شود که این

در هجدهمین دوره از نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، کتاب های لاتین و عربی برای نخستین بار در بخش نشر مکتوب عرضه می شوند. صالح فرگاه، مشاور رییس هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم و عضو شورای برنامه ریزی این نمایشگاه در گفت و گو با «کتاب هفته» با بیان این مطلب، از رویکرد جدید شورای برنامه ریزی نمایشگاه قرآن در عرضه آثار بین المللی خبر داد. وی با اشاره به این که رویکرد جدید سیاستگذاران نمایشگاه قرآن امسال بر تسری ابعاد بین المللی به همه بخش های این نمایشگاه تمرکز یافته، یادآور شد: «در سال های گذشته بخشی به طور مجزا به نام بخش بین المللی در نمایشگاه وجود داشت که مهمانان این بخش نیز غالبا هنرمندانی از کشورهای دیگر بودند؛ اما امسال تصمیم گرفته شده که آثار بین المللی از زبان های مختلف در نمایشگاه عرضه شوند و امیدواریم در سال های بعد بتوانیم تعداد بیشتری از آثار تخصصی را از زبان های دیگر دنیا از جمله زبان های کشورهای اسلامی نظیر اندونزی، مالزی و بنگلادش در نمایشگاه ارائه دهیم.»

مشاور رییس هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم درباره روند اجرای این برنامه اظهار داشت: «طی مذاکراتی که با انجمن فرهنگی ناشران بین المللی داشتیم، فراخوانی را از طریق این انجمن برای ناشران زبان های لاتین و عربی ارائه دادیم تا فهرست کتاب هایشان را در اختیار ما قرار دهند تا در مرحله بعد، کارشناسان ما که جمعی از استادان تهران و قم هستند، به ارزیابی فهرست ارائه شده بپردازند.»

«خاطره شیشه ای» اسماعیل پور منتشر می شود



صفحه دارد. ویژگی این شعرها که همگی بدون عنوانند، یک صفحه ای بودن آنها و پیوستگی شان، از نظر موضوعی است.»

وی به تفاوت زبان و محتوای شعرهای این مجموعه در مقایسه با دفتر قبلی اش اشاره و تصریح کرد: «به طور کلی سروده های این دفتر ساختار جدیدی دارند و موضوع آنها خاطرات روزمره من در فضای سوررئال و اسطوره ای است.»

این شاعر با تاکید بر نوعی گره خوردگی اسطوره و تاریخ در این شعرها افزود: «زمان این سروده ها در حرکت است و دائما زمان معاصر و فضا و درد های اجتماعی روز به دوران کودکی راوی (من) می رود.»

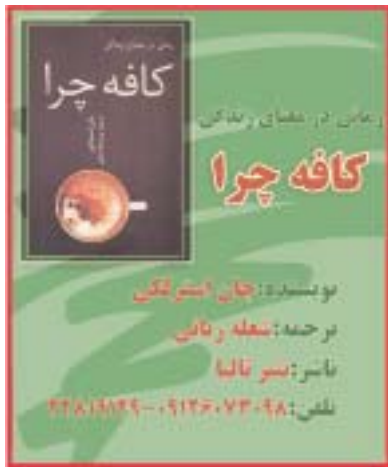
وی در پایان یادآور شد: «این شعرها در قالب سپید سروده شده اند اما از وزن و آهنگی که لازمه این نوع قالب شعری است نیز برخوردارند؛ چرا که در تعریف صحیح، شعر سپید، به شعری گفته می شود که وزن هجایی دارد اما در اشعار ما گاه به اشتباه این شعر را شعری کاملا بی وزن می دانند.»

ابوالقاسم اسماعیل پور، اسطوره پژوه، مترجم و شاعر متولد ۱۳۳۳ در بابل و فارغ التحصیل دکترای فرهنگ و زبان های باستانی از دانشگاه تهران است.

نخستین اثر او با عنوان «شلی و دفاع نامه گیاهخواری» سال ۱۳۵۴ در تهران منتشر شد.

از آثار تالیفی او می توان به کتاب های «اسطوره آفرینش در آیین مانی»، «اسطوره بیان نمادین»، «ادبیات مانوی» (با همکاری مهرداد بهار)، «سرود های روشنایی» (شعر ایران باستان و میانه و سرود های مانوی) و «Imanichaeen Gnosis» اشاره کرد. اسماعیل پور همچنین ۱۶ کتاب در زمینه اسطوره و شعر ترجمه کرده است.

«بر سنگفرش بی بازگشت»، «هر دانه شن» و «تا کنار درخت گیلان» عناوین مجموعه شعرهای پیشین این شاعرند.





جشنواره‌ای که به ادبیات متعهد می‌اندیشد



هفتمین دوره جشنواره ادبی قلم زرین نیز در حالی برگزار شد که مانند دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل، برگزیده‌ای را در بخش داستان معرفی نکرد. این دوره از جایزه قلم زرین که عصر دوشنبه (۴ تیر) به مناسبت روز ملی قلم، در تالار اجتماعات انجمن قلم ایران به کار خود پایان داد؛ در بخش پژوهش هم برگزیده‌ای نداشت.

در اختتامیه این مراسم، دکتر علی اکبر ولایتی، یحیی طالبیان، محسن مومنی و جمعی از نویسندگان و اهالی قلم حضور داشتند که ابتدا، احمد شاکری، دبیر هفتمین جشنواره قلم زرین، درباره دیدگاه‌ها و انگیزه‌های این جشنواره در راستای ادبیات متعهد و نقش آن در جریان ادبیات معاصر سخن گفت.

گزینش‌هایی متفاوت با دیگر جشنواره‌ها
شاکری درباره نحوه داوری‌های هفتمین دوره جشنواره قلم زرین گفت: «مشکل داوری‌ها در قلم زرین، تکراری بودن یا نبودن داوری هاست. ضمن آن که داوران این جایزه در عمل، به گزینش صحیح می‌اندیشند و ملاک‌شان انتخاب‌های جشنواره‌های دیگر نیست.»

وی این جشنواره را به لحاظ حجم کار، پرکارتر از دوره‌های گذشته دانست و درباره تفاوت این جایزه با دیگر جشنواره‌های ادبی گفت: «در جوایز دیگر، ناشران و نویسندگان آثارشان را به دبیرخانه جشنواره می‌فرستند، اما «قلم زرین» تقریباً اکثر آثار را بر اساس فهرست دقیق و رسمی خانه کتاب شناسایی و تهیه می‌کند. در این دوره پس از ریزش اولیه، در بخش داستان ۱۲۰ کتاب، در بخش شعر ۲۰۰ عنوان کتاب و در بخش پژوهش ۶۰ عنوان کتاب در اختیار داوران قرار گرفتند.»

این نویسنده، دیگر تفاوت‌های قلم زرین را با دیگر جوایز ادبی، این گونه برشمرد: «از حدود ۵۰ جشنواره ادبی که سالانه در کشور برپا می‌شود، جشنواره‌های کم‌تعدادی نیز برپا می‌شوند که بدون استقلال فکری، متأثر از تفکر ترجمه‌ای غربند؛ ولی جایزه قلم زرین با همفکری بیش از ۲۰۰ نویسنده یا گرفته که مهمترین وظیفه آن، حمایت از ادبیات متعهد است. در شرایطی که ادبیات داستانی ما متأثر از نظریه‌های وارداتی غرب است؛ حمایت از ادبیات متعهد امری ضروری است.»

برگزیده شعر: هم کلاسیک، هم سپید
رضا اسماعیلی، سرداور بخش شعر در این مراسم گزارشی از روند داوری‌های حوزه شعر این جشنواره قرائت کرد و گفت: «در مرحله نخست داوری‌ها، متجاوز از ۲۰۰۰ عنوان کتاب در فهرست خانه کتاب بررسی شد. برخی کتاب‌ها طبق ضوابط در گرونده داوری قرار نمی‌گرفتند و بعضی از آنها برگزیده شعر بودند. گروهی از کتاب‌ها نیز چاپ اول ناشر بودند و قبلاً توسط ناشران دیگری به چاپ رسیده بودند اما در مجموع ۲۰۰ عنوان کتاب شعر منتشر شده در سال ۸۸ خریداری شدند و در اختیار انجمن قلم قرار گرفتند.»

اسماعیلی اضافه کرد: «در نهایت ۵۰ عنوان کتاب به مرحله نیمه نهایی راه یافتند و مورد مطالعه جدی قرار گرفتند. در پایان به هشت کتاب رسیدیم و در داوری نهایی یک مجموعه در حوزه کلاسیک و یک مجموعه در حوزه نیمایی و سپید مورد گزینش قرار گرفتند.»

کامران پارسی‌نژاد، سرداور بخش پژوهش و نقد ادبی نیز گزارشی را از روند داوری آثار ارایه کرد و گفت: «توانمندی صاحبان قلم، تحلیلگران و پژوهشگران آثار ادبی یقیناً فراتر از آثاری است که در جشنواره قلم زرین مورد سنجش قرار گرفتند، لذا

نامزدهای بخش تحقیق پژوهش ادبی هفتمین دوره قلم زرین کتاب‌هایی چون «تاریخ تحلیلی داستان نویسی افغانستان» نوشته محمدحسین محمدی، «آئینه‌های کیهانی» (واکوی و بازنمایی شبکه‌های نمادپردازی در غزلیات شمس) اثر حسینعلی قبادی و حجت عباسی و کتاب «جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر» اثر شهریار زرشناس بودند که با اعلام بدون برگزیده بودن این بخش، کتاب «از پاژ تا دروازه رزان» (مجموعه مقاله درباره فردوسی) نوشته محمدجعفر یاحقی، به عنوان کتاب شایسته تقدیر این بخش شناخته شد.

این بخش را نویسندگان و منتقدانی چون کامران پارسی‌نژاد (سرداور)، سیدعلی کاشفی خوانساری، ابراهیم خدایار و علی اکبر ولایتی داوری کردند.

نامزدهای بخش داستان جایزه «قلم زرین»، رمان‌های «روز گراز» نوشته محمد ایوبی، «سفرکرده‌ها» نوشته حسین نوش آذر و رمان «مامور» اثر علی مودنی بودند که این بخش نیز در این دوره از قلم زرین برگزیده‌ای نداشت و تنها رمان «مامور» به عنوان اثر شایسته تقدیر این دوره از قلم زرین معرفی شد. داوری این بخش را نیز سمیرا اصلانیور (سرداور)، حسین فتاحی و راضیه تجار بر عهده داشتند. همچنین داوران بخش شعر که دو اثر را شایسته انتخاب دانستند، رضا اسماعیلی (سرداور)، عباس براتی‌پور و حسین اسرافیلی بودند.

داستانی گفت: «داستان مدرن ما همواره متأثر از اندیشه‌های داستان نویسان غرب بوده و قلم زرین معتقد است که رویکردهای مادی گرایانه و دوری از ادبیات دینی، در اندیشه و تألیف آثار داستانی بیشترین آسیب را به ادبیات داستانی وارد کرده است.»

تعالی ادبیات بدون حمایت میسر نیست
علی اکبر ولایتی، رئیس هیات مدیره انجمن قلم ایران، که سخنران دیگر این مراسم بود نیز در ابتدا با تشکر از فعالیت‌های انجمن قلم ایران گفت: «لازم است از همه اعضای انجمن قلم که از سر دلسوزی برای برپایی و هدایت آن تلاش کرده‌اند و کسانی که همواره در ایجاد نوآوری‌های بدون اغراق از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند، تشکر کنم.»

وی افزود: «هدف ما در این انجمن حمایت از اهل قلم متعهد به ارزش‌های انقلاب است. در طول تاریخ ایران و اسلام هم برهه‌ای سراغ نداریم که اصحاب قلم بدون حمایت دست‌اندرکاران امور

امید می‌رود در آینده نه چندان دور شاهد ظهور ذهنیت‌های نو و باطن آثار یافته‌تر با حفظ چارچوب‌های معتبر باشیم.»

پرهیز از رویکردهایی مادی‌گرایانه
راضیه تجار، داور حوزه داستان هفتمین قلم زرین نیز به نحوه داوری‌های بخش داستان اشاره کرد و گفت: «در مرحله قبل از داوری، بسیاری از آثار به دلیل فقر محتوایی حذف و در نهایت ۱۲۰ اثر انتخاب شدند که براساس آیین‌نامه، در چهار مرحله مورد داوری قرار گرفتند.»

وی در ادامه به عنوان‌های امتیاز آور در بررسی آثار داستانی نویسندگان پرداخت و تصریح کرد: «ادبیات داستانی معاصر با وجود قابلیت‌های فرهنگی، منابع انسان‌ساز اسلامی و وقایع عظیم دوران حاضر چون انقلاب و دفاع مقدس در یافتن ایده‌های نو و دارای قابلیت‌های روایی کم‌رنگ‌نشان می‌دهد.»

تجار افزود: «از عوامل مهم در ارزشیابی آثار داستانی، موقعیت شخصیت در داستان است. هیات داوران با اذعان به اهمیت شخصیت به عنوان رکن تغییر ناپذیر داستان، استفاده از کنش‌های جذاب و به کارگیری کشمکش‌های متنوع در داستان و توجه به ابعاد روحی و معنوی حرکت شخصیت را میزان شناسایی اثر برتر در نظر گرفت.»

وی تصریح کرد که براساس آیین‌نامه جشنواره قلم زرین، اثر برگزیده به عنوان کتاب سال باید حداقل میانگین ۸۵ امتیاز را کسب کند. در صورت عدم دستیابی آثار به این میانگین، داوران فقط می‌توانند اثر برگزیده سال را مورد تقدیر قرار دهند.

این داستان‌نویس در ادامه توضیحاتش از نحوه داوری و ویژگی‌های ساختاری و محتوایی آثار

بتوانند کار بهینه‌ای انجام دهند.»
بخش دیگری از این برنامه به سخنان محسن مومنی، رئیس حوزه هنری اختصاص داشت. وی نیز ابتدا درباره بنیان‌های ادبیات و هنر متعالی سخن گفت و توضیح داد: «جامعه اسلامی در رویارویی با دنیای غرب، باید بتواند ادبیات و هنر متعالی خود را به دنیا معرفی کند اما تحقق و دفاع از این ادبیات بیش از نشان دادن نمونه‌ای اخلاق، با تبیین نظریه ادبیات و هنر دینی امکان‌پذیر است؛ چرا که ادبیات بدون مبنا و نظریه، اساساً قابل تعریف و تبیین و نه قابل دفاع است.»

وی افزود: «اینکه ما بعد از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، هنوز از جهت نظریه ادبی تابع بیگانگان باشیم، ضعف بزرگی است؛ وضعی که نه نشانه فقر فرهنگی، بلکه نشان کاهلی و بی‌توجهی ماست.»

وی اضافه کرد: «نظریه‌های جدید وارداتی چونان موجی بنیان‌کن و ویرانگر، نسل‌بی‌شماری از جوانان هنرمند و اخلاق را با خود همراه کرد و به بیراهه برد؛ بیراهه‌ای که مصداق آن را در دهه‌های مختلف به فراوانی تجربه کرده‌ایم.»

مومنی تصریح کرد: «برای دفاع از ادبیات آیینی و مقدس ایرانی، باید مقاومت کرد و برای تبیین و ترویج این ادبیات باید در تداوم مبانی و رویکردهای آن کوشید.»

وی همچنین دیدگاه‌هایش را در حوزه داستان معاصر این گونه بیان کرد: «در داستان امروز، انسان معرف انقلاب اسلامی، به علت محدودیت ساختاری که ملهم از جهان بینی پدید آورندگان آن است، جایگاهی ندارد لذا تا زمانی که این انسان معرفی نشود، ادبیات انقلاب اسلامی معرفی نخواهد شد و جایگاهی در خور ادبیات جهانی نخواهیم داشت.»

ادامه این مراسم به تقدیر از دکتر محسن پرویز، عضو هیات موسس و هیات ریسه انجمن قلم ایران و معاون سابق فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اختصاص داشت.

وی درباره دوره مسوولیتش در وزارت ارشاد، گفت: «مسوولیت داشتن در جمهوری اسلامی به معنای واقعی مسوولیت است؛ نه ریاست و مدیریت. طبیعتاً کسانی که با نگاه مسوولیت به مناصب دولتی نگاه می‌کنند، باید از همه توان خود برای بهتر شدن امور بهره‌گیرند و من سعی کردم بدون زیر پا گذاشتن انصاف، در این دوران از نظریات مختلف در پیشبرد کارها بهره بگیرم.»

در پایان این مراسم، برگزیدگان و شایستگان تقدیر هفتمین دوره قلم زرین جوایز خود را که شامل تندیس قلم زرین، لوح یادبود و چهار سکه بهار آزادی بود، از دست علی اکبر ولایتی، محسن پرویز، یحیی طالبیان و محمدرضا سرشار دریافت کردند.

نشر آبرنگ
نشر برگزیده بیست و سومین
دانشگاه بین‌المللی کتاب تهران
کنکور کارشناسی ارشد
رشته آموزش زبان انگلیسی
زبان هلمس، آزمون ساتی، اصول و روش تدریس
تالیف، امیر هوشنگ اقبال پور
دوره ۱۴ جلدی به انضمام
سؤالات کنکور سراسری ۸۹ تا ۹۴ / ۳۶۰۰۰۰ ریال
مرکز پیش: تهران - انقلاب - ۱۴ فروردین
مجمع کتاب فروردین - طبقه همکف
۶۶۴۹۴۰۴۶ - ۷

خانه کتاب منتشر کرد
خیابان انقلاب بین فلسطین و صیبا
جنوبی شماره ۱۱۷۸



سایر محمدی

«خاطرات عارف قزوینی» و «من و آزادی» دو عنوان از جدیدترین کتاب‌های مهدی نورمحمدی اند که اخیراً از سوی انتشارات سخن منتشر شده‌اند. انتشارات خاطرات عارف قزوینی یکی از اتفاقات ادبی است که با به دست آمدن ۹ دسته از نوشته‌های سرگذشت‌واره این شاعر رقم خورد. عارف در این نوشته‌های تازه یاب، آنچه را مربوط به تاریخ زندگی به قلم آورده، تاریخ آزادی خواهی خود نام می‌دهد. کتاب «من و آزادی» نیز خاطرات میرزا حسن خیاط از دوستان عارف قزوینی و میرزا کوچک خان جنگلی است که انتشار آن زوایای تاریک و پنهان جنبش جنگل را در صحنه تاریخ معاصر آفتابی می‌کند. مهدی نورمحمدی محقق و پژوهشگر تاریخ معاصر متولد ۱۳۵۱ قزوین، دارای مدرک لیسانس علوم سیاسی است و در کارنامه‌اش دوازده عنوان کتاب منتشر شده مانند «فرهنگ واژگان قرآنی»، «خاطراتی از موسیقی دانان» و «قزوین در انقلاب مشروطیت»، «حکایت‌ها و حکمت‌ها» شامل مجموعه داستان‌هایی از آثار استاد مظهری و «ترور در بهارستان» روایتی از ترور میرزایحیی واعظ قزوینی شاعر و روزنامه‌نگار را دارد. نورمحمدی اکنون کامل‌ترین دیوان عارف قزوینی را به همراه اشعار منتشر نشده وی با عنوان «دیوان عارف قزوینی» توسط انتشارات سخن و مجموعه‌نامه‌های منتشر شده و نشده عارف را به نام «نامه‌های عارف قزوینی» توسط انتشارات نیلوفر زیر چاپ دارد.

گفت و گو با مهدی نور محمدی

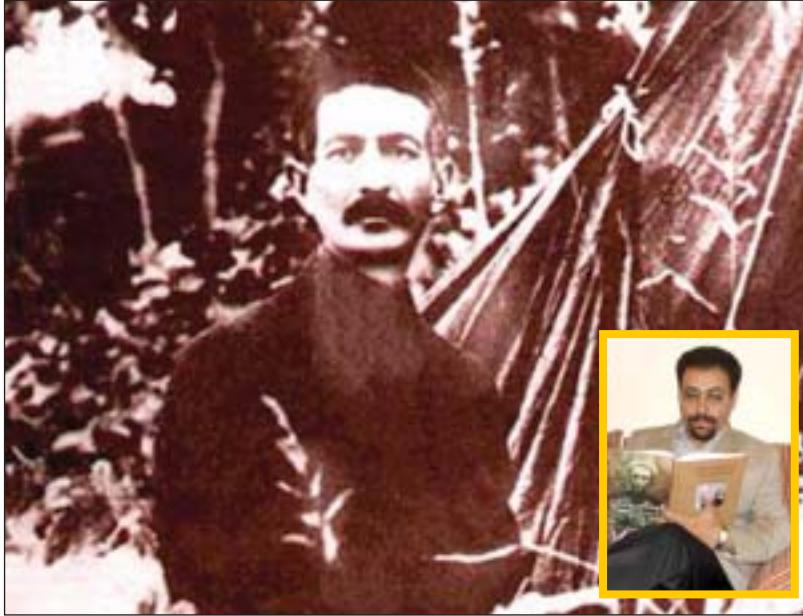
به جنبه‌های مختلف زندگی عارف توجه کرده‌ام

عارف در این رابطه می‌گوید، این فرماندهان برای منافع شخصی خود به لرستان آمدند و ادعا می‌کنند برای تامین امنیت مردم لرستان است. کشتار بیرحمانه‌ای که در جریان این حمله اتفاق می‌افتد در روحیه حساس و شاعرانه عارف تأثیر بسیار منفی به جامی گذارد. عارف معترض است که مردم لر از اقوام قدیم مردم ایران هستند و از نژاد گیو و گودرزند، شما چرا این مردم را قتل عام می‌کنید؟ از همان زمان بدبینی و کینه عارف نسبت به رضاخان میرپنج شدت پیدا می‌کند.

در مجموع، خاطرات عارف از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است. یعنی یک مورد که در ارتباط با موسیقیدانان و تاریخ ادبیات مشروطه است و مورد دیگر اینکه در این خاطرات مطالبی مطرح می‌شود که در لرستان پژوهی اهمیت فراوانی دارد. مثلاً به شرح و توصیف مواردی می‌پردازد که خود شاهد آن بوده است. خیلی خوب جغرافیای منطقه لرستان را توصیف می‌کند. اخلاق مردم، صفات مردم، نژاد آنها و... همه را به بهترین شکل ترسیم می‌کند. عنوان یکی از دستنوشته‌هایش «مسافرت ده روزه من به خرم‌آباد» است و در این جزوه می‌گوید: «من در خرم‌آباد یک دل خرم ندیدم. با توجه به آن حمله ارتش رضاخان و کشتاری که صورت گرفت.»

مورد سوم درباره اهمیت این خاطرات، این است که با مطالعه آن متوجه می‌شویم روابط عارف با رضاشاه چه فرآیندی داشت؟ یعنی دیدگاه عارف را نسبت به رضاشاه کشف می‌کنیم. قبلاً در این رابطه اطلاعات موثقی در دست نداشتیم ولی با انتشار این خاطرات می‌بینیم عارف نسبت به حکومت رضاشاه چه موضعی داشت. در این نوشته‌ها می‌بینیم علیه او قلمفرسایی کرده و شعر گفته و سلطنت را هجو می‌کند. در نهایت سرودن همین اشعار سبب تبعید عارف شده و او مجبور به اقامت اجباری در همدان شد. مورد چهارم این است که در این کتاب از رجال قزوین مانند ملامحمدتقی برغانی و ملاصالح برغانی، میرزا حسن شیخ الاسلام و میرزا محمود امینی سخن می‌گوید که از لحاظ قزوین پژوهی دارای ارزش بسیار است. مثلاً در این خاطرات، عارف مطرح می‌کند که خانه ما نزدیک آرامگاه عبدالله مستوفی بود و زمانی که بچه بودم، دزدان شبانه آرامگاه مستوفی را تخریب می‌کنند و کاشی‌های قیمتی آن را به بیغما می‌برند که ما اطلاعی از این موضوع نداشتیم. مهم‌ترین قسمت این خاطرات مطالبی است که عارف درباره اشرف الدین حسینی، مدیر روزنامه «نسیم شمال» گفته است.

اشرف الدین حسینی شخصیتی است که اطلاعات کاملی از او و زندگی‌اش نداریم. عده‌ای او را گیلانی و عده‌ای دیگر قزوینی‌اش می‌دانند. در این خاطرات عارف حدود هفت-هشت صفحه راجع به نسیم شمال می‌نویسد و می‌گوید که نسیم شمال اصلاً سید نیست و فقط از طرف جد مادری



باعث می‌شد که شعری مثل وحید دستگردی و عباس اقبال این عنوان را برای عارف قبول نداشته باشند و خودشان را شاعر ملی می‌دانستند. به خاطر همین همیشه با یکدیگر مجادلات قلمی داشتند. یک بخش از این کتاب به همین مجادلات لفظی و قلمی اختصاص دارد که عارف در این کتاب دلیل این اختلافات را توضیح می‌دهد. در این کتاب از ادبا و شعرای فراوانی سخن به میان می‌آید، از بهار، از اشرف الدین حسینی، از رشیدالدین یاسمی، عبدالعظیم خان قریب و... از موسیقیدانان بزرگ هم می‌گوید. از جمله از شکرالله خان قهرمانی، کلنل علیقلی خان وزیری، اتفاقاً عارف در این اثر درباره موسیقی دوره مشروطه هم نظرات بسیار جالبی ارائه می‌دهد. عارف این نوشته‌ها را عمدتاً در لرستان در روستای گل‌زرد و سره‌بند و دهکرد روی کاغذ آورده است. در آن تاریخ که عارف در لرستان بوده، مصادف می‌شود با لشکرکشی و قشون‌کشی ارتش رضاخان میرپنج به منطقه لرستان که سپهبد امیراحمدی و سرلشکر خرابی در حمله به لرستان به عنوان فرماندهان لشکر حضور داشتند.

این زندگی‌نامه از تولد عارف شروع می‌شود و تا روز وفاتش را دربرمی‌گیرد. زندگی‌نامه عارف در این جا ریزه‌کاری‌های فراوانی دارد. این زندگی‌نامه طوری است که می‌خواهند به عنوان مدخل وارد دایرةالمعارف کنند

کتاب را قبل از چاپ نزد ایشان بردم، پس از توروک اصرار فراوان داشتند که حتماً به دست چاپ بسپارم. **عکس‌های مربوط به عارف که در صفحات پایانی کتاب چاپ شده از کجا به دست آمد؟** من نزدیک به یک دهه است که درباره عارف تحقیق و جست‌وجوی کنم و در این یک دهه اسناد بسیاری جمع‌آوری کرده‌ام. یعنی هیچ‌کس به اندازه من راجع به عارف کار نکرده است. آنهایی که راجع به عارف کار و دیوان اشعارش را منتشر کرده‌اند هیچ نکته تازه‌ای در شناخت عارف اضافه نکرده‌اند و هرچه نوشته‌اند و منتشر کرده‌اند براساس چیزهایی اضافه کردم شامل اسناد و مدارک و عکس و دستخط که از منابع گوناگون به دست آوردم. دو قطعه عکس هم از عارف در این کتاب چاپ شده که برای نخستین بار است منتشر می‌شوند. این عکس‌ها در تبریز در سال ۱۳۰۳ گرفته شده‌اند. **عارف در این دستنوشته‌ها که با عنوان «خاطرات عارف قزوینی» چاپ شده به چه مسائلی می‌پردازد؟ این یافته‌ها ارزش ادبی دارند یا ارزش تاریخی و سیاسی؟**

مطالب عارف در کتاب خاطرات، هم واجد ارزش‌های ادبی‌اند، هم ارزش‌های تاریخی، هم ارزش سیاسی. در این خاطرات به خیلی از مسائل اشاره شده که اگر بخوایم به صورت خلاصه به آنها اشاره کنم، از یک جهت این یافته‌ها برای تاریخ ادبیات مشروطه خیلی مهم است. استاد ایرج افشار در مقدمه این کتاب اشاره کرده: «ما در این کتاب مجادلات قلمی عارف را با بعضی از شعرای هم‌دوره‌اش می‌خوانیم. مثل وحید دستگردی و ملک‌الشعرا بهار، یا اشرف الدین حسینی، مدیر نشریه نسیم شمال». شعرای دوره مشروطه با یکدیگر رقابت تنگاتنگی داشتند، به خصوص که عارف هم از سوی مردم به شاعر ملی ملقب بود. همین موضوع

شما «دیوان عارف قزوینی» را اخیراً چاپ و منتشر کرده‌اید. این دیوان با دیوان عارف که توسط دیگران تدوین و منتشر شده، چقدر تفاوت دارد و چه حجم از اشعار منتشر نشده عارف را در این دیوان آورده‌اید؟

«دیوان عارف»ی که من تنظیم و تدوین کرده‌ام در مقایسه با دیگر دیوان‌های عارف حدود سی‌الی چهل غزل و مثنوی، قطعه و تک‌بیت اضافه تر دارد. این اشعار تا چند سال پیش نزد یکی از دوستان عارف به نام حسن اقبالی در همدان نگهداری می‌شد. عارف در همدان همسایه اقبالی بود و حشرونشر فراوانی با این خانواده داشت. بعد از فوت عارف این دستنوشته‌ها نزد این خانواده ماند. حسن اقبالی وقتی در سال ۱۳۷۷ از دنیا رفت، این میراث ادبی به برادرش دکتر علی اقبالی که الان حدود ۹۰ سال دارد، منتقل شد. من با ایشان آشنا شدم و وقتی اهداف و برنامه‌هایم را برای ایشان توضیح دادم، این دستنوشته‌ها را برای چاپ در اختیار من گذاشت که از این دستنوشته‌ها، بخشی را که شامل نامه‌ها و یادداشت‌ها می‌شود، در کتاب خاطرات عارف قزوینی آورده‌ام. ویژگی دیگر «دیوان عارف»ی که من تدوین و چاپ کرده‌ام، این است که براساس نظم خاصی تقسیم‌بندی شده است و با تمام دیوان‌های قبلی عارف فرق می‌کند. **نامه‌های عارف را هم به صورت کتابی مستقل زیر چاپ دارید. آیا این نامه‌ها قبلاً چاپ شده بودند؟**

قبلاً چاپ شده بودند، البته به شکل پراکنده، یا در مجلاتی منتشر شده‌اند که امروز به هیچ وجه در دسترس نیستند. تعدادی از این نامه‌ها هم هرگز چاپ نشده بودند. کتاب «نامه‌های عارف» شامل ۵۴ نامه است که حدود شش نامه برای نخستین بار است که به چاپ می‌رسند و حدود ۱۵ نامه هم در کتابی به اسم «آلوس نامه هزار» در شیراز منتشر شده بود. این کتاب در سال ۱۳۱۴ یعنی تقریباً ۷۵ سال پیش منتشر شده که امروز نایاب است. من این نامه‌ها را از منابع مختلف استخراج و گردآوری کرده‌ام.

در مورد کتاب «خاطرات عارف قزوینی» بفرمایید. کتاب «خاطرات عارف قزوینی» شامل ده جزوه دستنویس بود که نزد خانواده دکتر اقبالی در همدان مانده بود و من از این طریق به این جزوه‌ها دسترسی پیدا کردم و حدود چهار سال روی این دستنوشته‌ها کار کردم. چون دستخط عارف، خط تحریری شکسته است، من در بخش پایانی کتاب نمونه‌هایی از این دستنوشته‌ها را آوردم تا خواننده ببیند که خواندن این دستخط و استخراج آن چه کار مشکلی است. من در کتاب «خاطرات عارف قزوینی» نزدیک به ۱۵۰ صفحه توضیحات نوشته‌ام که در فصل آخر کتاب آمده است. البته این کتاب مورد توجه استادان، ادیبان و صاحب‌نظران بسیاری قرار گرفته است. یک روز که استاد شفیع کدکنی و استاد ایرج افشار به قزوین آمده بودند، من این

شروع می شود و تا سال ۱۳۰۵ را دربرمی گیرد. یعنی از دوران محمد علی شاه تا اوایل حکومت پهلوی را شامل می شود.

اهمیت این خاطرات هم در این است که میرزا حسن خیاط سفیر میرزا کوچک خان جنگلی بود. یعنی میرزا کوچک خان با هر سیاستمداری - چه ایرانی و چه خارجی - مذاکره داشت و ایشان را به عنوان نماینده خود اعزام می کرد. پنج سال تمام هم در جنگل کسما با میرزا کوچک خان بود. ابراهیم فخرایی هم در کتاب خود «سردار جنگل» از او نام می برد. او رییس مجمع مشورتی جنگل بود و نکته بسیار مهم دیگر این کتاب این است که میرزا کوچک خان اگر چه در گیلان به دنیا آمد اما اصلیتش متعلق به ایل رشوند رودبار الموت است. پروفیسور شاپوررواسانی هم معترف است که اطلاعات متوقی از خانواده و نژاد کوچک جنگلی نداشتیم در این کتاب به روشنی راجع به میرزا کوچک خان و اصالت او سخن می گوید. اخیراً ماخذ دیگری هم پیدا کردیم. کتاب «خاطرات عین السلطنه» که استاد ایرج افشار در ده جلد آن را تصحیح و منتشر کرده است.

عین السلطنه ۹۰ سال پیش حاکم الموت قزوین و برادرزاده ناصرالدین شاه بود. عین السلطنه در جلد هفتم خاطراتش تاکید می کند که میرزا کوچک خان از ایل رشوند است. میرزا حسن خیاط، استاد واعظ قزوینی هم بود. واعظ قزوینی در بهارستان ترور شده بود و هنگام ترور، واعظ همراه میرزا حسن بود. به همین دلیل اطلاعات منحصر به فردی از ترور واعظ می دهد که در هیچ کتاب تاریخی پیدانمی کنید و چون میرزا حسن این خاطرات را در دوران رضاشاه می نویسد از کنار برخی رویدادها می گذرد چون واعظ را شهربانی رضاشاه ترور کرده بود. این کتاب روایت های دست اولی از برخی رویدادهای تاریخ معاصر به دست می دهد که برای هر علاقه مندی می تواند جذاب باشد.

«به همراه اشعار چاپ نشده». آیا این اشعار در دیوان عارف که منتشر کرده اید، آمده است؟

این اشعار نویافته همراه با نثر است. یعنی عارف هنگامی که مطلب و موضوعی را می نوشته، ناگهان قلمش طغیان می کند و به نوشتن شعر می پردازد. من این اشعار را از نثر جدا کرده ام و در دیوان اشعار عارف آورده ام. اما در کتاب خاطرات شعر و نثر را توأمان همان گونه که عارف نوشته بود چاپ کردم. اما من در دیوان عارف برای هر یک از این اشعار، علت سروده شدنش را هم نوشته ام و متذکر شده ام که فلان شعر در چه شرایط و به چه مناسبتی سروده شده است. علاوه بر این اشعار من در پی جست و جوهایم اشعار منتشر نشده دیگری هم به دست آوردم که در دیوان شاعر چاپ شده است. کتاب «من و آزادی» خاطرات میرزا حسن خیاط از یاران نزدیک میرزا کوچک خان جنگلی و عارف قزوینی چگونه فراهم آمد؟

میرزا حسن خیاط استاد عارف قزوینی بود. عارف هنگامی که در حوزه علمیه قزوین درس طلبگی می خواند، صرف و نحو و جامع المقدمات را نزد استاد میرزا حسن خیاط می آموخت. میرزا حسن خیاط بنیانگذار عدلیه در قزوین بود و یکی از مشروطه خواهان بزرگ شناخته می شد که حدود ۲۷ سال در حوزه های علمیه تا مقطع خارج فقه درس خوانده بود.

این فرد یک سوسیال - دموکرات بود، البته بنیانگذار حزب سوسیال - دموکرات در قزوین هم بود و از سوی دیگر یکی از اعضای مهم حزب سوسیالیسم در تهران هم بود. این شخص انسانی عدالتخواه و مساوات طلب بود. من چند سالی دوندگی کردم تا نزدیکان و اقوام این شخص را یافتیم و این دفترچه خاطرات نزد نوادگان ایشان و به صورت دستنویس حفظ شده بود؛ نوعی خط تحریری که سریع نوشته شده بود و خواندن آن کمی مشکل بود. خاطرات ایشان از سال ۱۲۸۵

که سید ضیاء به عارف یا دیگر رجال کشور داده باشد، ندیده ایم. مضمون نامه این است که سید ضیاء می گوید من دست تنها بودم و علت این که شکست خوردم، این بود که همفکر و پشتیبان برای آن اصلاحاتی که می خواستم انجام بدهم نداشتم. می دانید که سید ضیاء الدین در همان دو - سه ماهی که در قدرت بود، اندک اصلاحاتی انجام داد و شاید به همین خاطر آن را کابینه سیاه می نامند.

جالب است بدانید که سید ضیاء می گوید: «کودتای من متأثر از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی بود. در آن زمان فکر می کردند که سید ضیاء انگلیسی بوده است اما خودش در این نامه اعترافی ضد این موضوع دارد. حالا باید مورخان بررسی کنند و ببینند که سید ضیاء الدین در آن زمان یعنی در سال ۱۳۰۱ چه اندیشه ای داشت؟ به کدام یک از دو بلوک قدرت باور داشت و جهان بینی اش چه بود؟

شما در این کتاب «زندگی نامه عارف» را هم نوشته اید. این زندگی نامه لابد تفاوت هایی با زندگی نامه های دیگر عارف دارد؟

تفاوت بسیار است. برای نخستین بار من در این کتاب، کامل ترین و جامع ترین زندگی نامه عارف را نوشته ام. این زندگی نامه از تولد عارف شروع می شود و تا روز وفاتش را دربرمی گیرد. زندگی نامه عارف در این جا بسیار مفصل است و ریزه کاری های فراوانی دارد. این زندگی نامه طوری است که می خواهند به عنوان مدخل وارد دایره المعارف کنند. نه فقط زندگی نامه کاملی از عارف به دست داده ام بلکه در قسمت توضیحات کتاب، مهم ترین، جامع ترین و دقیق ترین زندگی نامه نسیم شمال را هم نوشته ام و در مقایسه با آنچه دیگران راجع به نسیم شمال نوشته اند، سعی کرده ام هم نکات نو و تازه ای بیاورم و هم از تکرار آنچه دیگران درباره زندگی او نوشته اند، پرهیز کنم.

شماروی جلد کتاب خاطرات عارف ذکر کرده اید

سید است. به هر حال این شاعر مطرح در آن روزگار ادعای سیادت کرده و باید مشخص شود که از منظر آسیب شناسی چرا برخی مردم ایران در یک برهه از تاریخ ادعای سیادت می کردند؟ دلیل این کار چه بود؟ دیدگاه عارف نسبت به نسیم شمال مطابق با واقعیت است و هیچ خدشه ای بر آن وارد نیست. به دو علت؛ اول این که عارف هم عصر نسیم شمال بوده است. دوم این که همشهری اش بوده، یعنی گفته های عارف براساس شناخت دقیق صورت گرفته است. از دید من به عنوان مولف و تدوین کننده این کتاب، مهم ترین قسمت این خاطرات مطالبی اند که به هر چه شناخته تر شدن نسیم شمال کمک می کند. در خلال این خاطرات راجع به مشروطیت و مهاجرتش به استانبول هم می نویسد و از رجال سیاسی مانند قوام السلطنه، سید ضیاء، وثوق الدوله و سلیمان میرزا می گوید.

عارف قزوینی گویا با رعدی آذرخشی، هم مکاتباتی داشت؟

عارف زمانی که در همدان دوران تبعید را می گذراند، نامه ای به رعدی آذرخشی می دهد که این نامه در این خاطرات نبود. این نامه را استاد ایرج افشار زمانی که مجله آینده را چاپ می کرد، رعدی آذرخشی به ایشان داده بود تا در مجله آینده چاپ شود. این نامه بسیار مهم و ارزشمند است. علت این که ایرج میرزا «عارف نامه» را سروده در این نامه توضیح داده شده و به نقش خودش در قیام خراسان اشاره می کند و می گوید: «محرک کلنل پسیان در قیام خراسان، من بودم». این اطلاعات به لحاظ تاریخی خیلی مهم است. این نامه را استاد افشار در اختیارم گذاشت که در این کتاب چاپ کنم.

نامه ای که سید ضیاء الدین طباطبایی از سوئیس به عارف می نویسد، در چه زمینه ای است؟

نامه سید ضیاء الدین طباطبایی به عارف را از دکتر اقبالی در همدان گرفتم. این نامه بسیار مهم و از نظر سندیت منحصر به فرد است. ما چنین نامه ای



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور فرهنگی

فراخوان
سومین دوره
جایزه ادبی جلال آل احمد

سومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب، دوم آذر ماه ۱۳۸۹، هم زمان با سالروز تولد نویسنده توانا و صاحب سبک، سید جلال آل احمد، برگزار می شود. موضوع های مورد ارزیابی هیئت داوران عبارتند از:

- داستان
- نقد ادبی
- تاریخ نگاری و مستند نگاری

از تمامی نویسندگان، منتقدان، ادیبان، تاریخ نگاران و ناشران دعوت می شود، آثار خود را که در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است، تا تاریخ ۳۱ مردادماه ۱۳۸۹، به دبیرخانه ارسال کنند.

جایزه نقرات برگزیده:

۱. لوح تقدیر به امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲. تندیس ویژه
۳. نشان ادبی جلال آل احمد
۴. ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین جنوبی و برادران مظفر، ساختمان شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲ -
تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۴ - تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

سومین دوره
جایزه ادبی جلال آل احمد

خانه کتاب برگزیده می کند
فراخوان
چهارمین دوره جایزه گام اول

این جایزه با هدف کشف استعداد های برتر و تشویق هر چه بیشتر پدید آورندگان است که نخستین کتاب خویش را منتشر کرده اند.

هیئت داوران در این دوره کتاب هایی با موضوعات زیر را بررسی می کنند:

الف- در حوزه ادبیات

۱. مجموعه شعرهای ویژه کودکان و نوجوانان
۲. مجموعه شعرهای مخصوص بزرگسالان
۳. مجموعه داستان کوتاه بلند یا رمان برای کودک و نوجوان
۴. مجموعه داستان کوتاه، بلند یا رمان برای بزرگسال

ب- در حوزه دین

۱. علم کلام (آیات باورهای بنیادین و پاسخ به شبهات)
۲. عرفان و اخلاق
۳. علوم قرآنی و روایی
۴. سیره معصومین و زندگینامه بزرگان دین

از همه شاعران و نویسندگانی که در سال ۱۳۸۸ اولین کتاب خود را در حوزه های یاد شده به چاپ رسانده اند، دعوت می شود نخستین اثر خود را تا پایان مرداد ماه سال جاری، به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال فرمایند.



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور فرهنگی

خانه کتاب برگزیده می کند
جایزه گام اول

خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین، موسسه خانه کتاب، پلاک ۱۰۸۰
طبقه ۲ - دبیرخانه جایزه گام اول
شماره تماس: ۶۶۹۶۶۰۵۱۶ - تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

گزارشی از ضیافت «روز قلم» در هتل لاله تهران

ساده و صمیمی با اهل کتاب و فرهنگ

قلم برگزار شده است، عنوان کرد: «اهل قلم امروز بیش از گذشته از مسوولان برای حفظ رسالت اهل قلم توقع همکاری دارند. حفظ رسالت قلم، دغدغه ای مهم است و اگر اکنون حفظ نشود در هیچ روزگار دیگری نمی توان آن را حفظ کرد.»

وی درباره مشکلات ادبیات کودک و نوجوان گفت: ادبیات کودک و نوجوان ایران اکنون دو موضوع عمده دارد؛ نخست این که نویسندگان این حوزه باید خود را به تفکر عمومی و بینشی جامع مسلح کنند و مخاطب خود را فارغ از جهان بینی نبینند. در نتیجه باید به فکر ساختن بنیان اندیشه خود باشند و جهان بینی مخاطب را کامل کنند. موضوع دیگر در این حوزه، شیوه های همزبانی با مخاطب کودک و نوجوان است. به ویژه برای آموزش مفاهیم والای دینی که این موضوع، نظریات عالمان دینی امروز را می طلبد، اما نویسندگان ما همچنان در این حوزه پا جای پای گذشتگان می گذارند و به همین علت ظرفیت های لازم را برای خلایق ندارند اما باید توجه داشت که رعایت این نکات می تواند ادبیات کودک و نوجوان را آماده پیشرفت کند.»

سپس یحیی طالبیان، قائم مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور شعر و ادب، ضمن تبریک این روز به اهالی قلم، گفت: «این روز برای تجمیع نهادهایی است که به طور پراکنده متولی ادبیات اند تا با استفاده از همفکری و تبادل اندیشه، حاصل فعالیتشان وسیع تر و گسترده تر شود، چرا که شعر و ادب در فرهنگ ایران قدمتی به پهنای تاریخ دارد و نیازمند توجه بیشتر است و جمع آوری نظرات و تلفیق آنها، سلامتی این حوزه را در پی خواهد داشت.»

بهمین دری، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، پس از شنیدن سخنان نویسندگان و اهالی قلم، طی سخنانی کوتاه اظهار داشت: «همه نکاتی که مطرح شد و مسایل بالاتر از آن، مورد نظر ماست و احترام و کرامت اهالی قلم از دغدغه های معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محسوب می شود.»

وی ادامه داد: «باتوجه به حمایت های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار است وام مسکن که مبلغ قابل توجهی است، بدون نامه نگاری در اختیار نویسندگان و اهالی قلم قرار گیرد.»

وی همچنین افزود: «درهای معاونت امور فرهنگی بر روی اهالی فرهنگ و قلم کشور گشوده است و برای این منظور روزهای خاصی را در نظر می گیریم تا بدون تعیین وقت قبلی، در خدمت اهالی فرهنگ و قلم کشور باشیم.»

در بخش پایانی نیز حجت الاسلام سید صادق حسینی اشکوری، رئیس مجمع ذخایر اسلامی، با اشاره به این که ایران دارای غنی ترین میراث مکتوب است، گفت: «اگرچه بسیاری از منابع مکتوب ما توسط بیگانگان به غارت رفته، اما همین مقدار باقیمانده نیز باید به عنوان غنی ترین منابع برای تحقیقات در اختیار نویسندگان قرار داده شوند، لذا در سایت تازه تاسیس موسسه تاریخ علم و فرهنگ تاکنون ۶۶ هزار نسخه خطی معرفی و در اختیار نویسندگان قرار گرفته و امیدواریم در آینده نزدیک و با همکاری اهل ادب و فرهنگ و ذوق، تعداد این آثار را به حدی برسانیم که متناسب شأن علمی ایران اسلامی باشد.»

در این ضیافت که بسیاری از اهالی فرهنگ و قلم در آن حضور داشتند، همچنین از درگذشتگان یاد شد و حاضران برای نویسندگانی که به علت بیماری در جمع حضور نداشتند، آرزوی سلامتی کردند.



فرهنگ ماست و ایران ما، ایران ماست. شما چاره ای ندارید جز سرفرود آوردن و حمایت کردن و دیدار با اهالی اش. پس نامتان را بزرگ بخواید با دیدن همه.»

پس از قرائت این متن توسط یوسف علیخانی، بهمین دری ضمن تشکر از وی با علیخانی روبوسی کرد و کتاب های اهدایی او را پذیرفت.

قلم: ابزار بهره مندی از اندیشه های جمعی
در ادامه، دکتر اسفندیار معتمدی، برگزیده جایزه کتاب فصل با بیان این که قلم را در لغتنامه، ابزاری برای نوشتن تعریف کرده اند، گفت: «انسان ها از سال ۳۰۰ پیش از میلاد با قلم می نوشتند و برای نوشتن اندیشه های خود از قلم استفاده می کردند.» وی با بیان این که وقتی نوشتن به وجود آمد، نوشته ها نیز به راه های دور فرستاده و تا سال های دور نیز از آن استفاده می شدند، گفت: «انسان تنها موجودی است که از اندیشه جمعی استفاده می کند و نوشتن باعث شد که اندیشه های انسان در اختیار دیگران قرار گیرد و آیندگان از اندیشه های دانشمندان و متفکران پیشین استفاده کنند.»

معتمدی زمان نوشتن راجز و بهترین لحظات زندگی یک نویسنده برشمرد و گفت: «هنگام نوشتن، تمامی دغدغه های زندگی روزمره به فراموشی سپرده می شود و نویسنده می تواند اندیشه های جدید تولید کند.»

حفظ رسالت قلم: دغدغه ای مهم
سعید روح افزا، پیشکسوت و برگزیده جایزه کتاب سال حوزه کودک و نوجوان نیز در این ضیافت، با اشاره به این که این گردهمایی به بهانه تأییدیه روز

افزود: «البته سطح کیفی این مجلات باید در اندازه بین المللی ارتقا یابد تا بتوانند به لحاظ نوآوری با مجلات ایران شناسی و اسلام شناسی در خارج از کشور رقابت کنند.»

سجادی از اهالی قلم تقاضا کرد با رایه پیشنهادهای خود در حوزه تحقیق و ترجمه، علاوه بر بالا بردن سطح پژوهش کشور، به خانه کتاب نیز برای رایه خدمات بهتر به حوزه فرهنگ کمک کنند.

سپس یوسف علیخانی، نویسنده و مدیر نشر آموث با قرائت نامه ای که خطاب به معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نوشته بود، از وی خواست تا زمینه شناسایی نویسندگان با استعداد در سراسر کشور به ویژه شهرها و روستاهایی را که نامشان شناخته شده نیست، فراهم آورده و به نویسندگان و صاحبان آثار ناب بیش از پیش اهمیت داده شود تا شرایط یکسانی برای ساکنان تمام شهرهای ایران پدید آید.

وی در بخشی از نامه اش، با ذکر خاطراتی از برخورد های نامناسبی که در گذشته با اهالی قلم می شد، با مخاطب قراردادن بهمین دری، معاون امور فرهنگی گفت: «آقای دری! یوسف علیخانی شناس می آورد و شایسته تقدیر می شود در جایزه جلال آل احمد. یوسف علیخانی شناس می آورد و از رونمی رود. یوسف علیخانی پوستش کلفت تر از نامهربانی هاست. اما بقیه چی؟ به خودتان نگیرید. نه اهل بازی های سیاسی هستم و نه اهل سهم خواهی. یوسف علیخانی اگر کمک خواسته، برای حمایت از ثبت و انتشار داشته های فرهنگ مردمش بوده؛ مردم ایران؛ ایران بزرگ. می دانید تا به حال چندین و چند بار سنگ روی یخ شده ام؟»

این نویسنده و ناشر در ادامه تصریح کرد: «چند سال قبل دعوت بودم به مراسمی که چند آدم صاحب نام انگلیسی هم بودند. فقط دو جلد گردآوری قصه های مردم رودبار و الموت را دیدند که من و دوستم افشین نادری گردآوری کرده ایم. می دانید چه خواستند؟ چاپ شده اش را خواستند. گفتیم قرار است بشود. قرار است چاپ بشود. نشده آقای دری. چاپ نشده تا به حال. می دانید چه گفتند؟ گفتند در هر جای جهان، کسی که دو کتاب درباره زادگاهش کار کرده باشد، تا آخر عمر بیمه است و مشکلی ندارد جز نوشتن!»

علیخانی همچنین گفت: «آقای دری! فرهنگ ما،

مراسم بزرگداشت روز قلم و ضیافت اهالی فرهنگ همزمان با ۱۵ تیرماه با حضور بهمین دری، معاون امور فرهنگی، یحیی طالبیان، قائم مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور شعر و ادب، دکتر محسن پرویز، معاون سابق امور فرهنگی وزارت ارشاد، علی شجاعی صائین مدیرعامل موسسه خانه کتاب و جمعی از نویسندگان حوزه های گوناگون با هدف تجدید دیدار اهالی فرهنگ و قلم با یکدیگر و تبادل نظر با معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در هتل لاله تهران برگزار شد.

در ابتدای این مراسم علی شجاعی صائین، مدیرعامل خانه کتاب، ضمن خیر مقدم گویی به تمامی اهالی قلم، اظهار داشت: «همزمان شدن روز قلم با عید خجسته مبعث حضرت رسول (ص) و روز اقراء را به فال نیک می گیرم و امیدوارم در انجام فعالیت های فرهنگی موفق باشیم.»

ایجاد بستری برای تولید افزون کتاب
محمود حکیمی، نویسنده پیشکسوت در حوزه ادبیات دینی کودک و نوجوان، در ادامه این نشست صمیمی، با اشاره به این که دکتر پرویز، معاون پیشین امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در راه اندازی بنیاد ادبیات داستانی، گسترش نمایشگاه های استانی و نشر کتاب تکا، زحمات بسیاری کشید، گفت: «انقلاب ما دستاوردهای بسیاری داشته است که انتشار آزادانه کتاب های دینی نیز بخشی از آن محسوب می شود.»

حکیمی بابیان خاطره ای از یکی از اعضای دانشگاه نورنبرگ آلمان که مسلمان شده بود، گفت: «زمانی که مرا به دانشگاه نورنبرگ آلمان دعوت کردند، رئیس این دانشگاه تصاویری از شهر نورنبرگ به من نشان داد که مربوط به جنگ جهانی بود و این شهر تبدیل به ویرانه شده بود، اما وقتی من به آن شهر رفتم، یکی از پیشرفته ترین شهرهای دنیا شناخته می شد و رئیس دانشگاه نورنبرگ معتقد بود تفکر و اندیشه نویسندگان، این شهر را ساخته است.»

حکیمی از بهمین دری، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، درخواست کرد تا زمینه ای مناسب برای نویسندگان ایجاد کند تا فاعلان عرصه فرهنگ بتوانند در فضای باز علمی، اجتماعی و سیاسی، آثار بیشتر و غنی تری تولید کنند.

راه اندازی بانک اطلاعاتی و همکاری میان اهالی قلم

در بخشی دیگر از این ضیافت، دکتر سید صادق سجادی، مدیر بخش تاریخ مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، گفت: «موسسه خانه کتاب طی سال هایی که بنیان نهاده شده، خدمات گران بهایی به اهل قلم رایه داده است، همچنین در حوزه علوم انسانی نیز شاهد انتشار کتاب و انجام تحقیقات قابل توجهی بوده ایم و با انتشار مجلات پژوهشی، در حوزه تحقیقات علوم انسانی رقابت ایجاد شده است.»

وی ضمن تقدیر از فعالیت های ارزشمند خانه کتاب، عنوان کرد: «البته این موسسه وظایف دیگری نیز باید بر عهده داشته باشد. از آنجا که بسیاری از کارهای پژوهشی، تالیفی و ترجمه در کشور ممکن است تکراری باشند، این موسسه می تواند با ایجاد بانک اطلاعاتی دقیق در حوزه ترجمه و تحقیق، میان اهالی فرهنگ و قلم هماهنگی ایجاد و از موازی کاری جلوگیری کند.»

مدیر بخش تاریخ مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، با اشاره به این که سطح مجلاتی که از سوی خانه کتاب منتشر می شوند، خوب و کاربردی است،



بررسی اجمالی کتاب‌های مرتبط با بهزیستی

مرغ اندیشه گرفتار معلولیت نمی‌شود

بیست و پنجم تیرماه هر سال، روز بهزیستی و تامین اجتماعی نامگذاری شده است. اعلام این روز از سوی دولت، بهانه‌ای است تا جامعه، افراد دارای مشکلات جسمی را فراموش نکند و به آنها توجه ویژه داشته باشد.

معلولان از جمله این افرادند که برخلاف محدودیت‌های جسمی و ذهنی، مانند دیگران از جوهره انسانی برخوردارند. آنها باید بتوانند از امکانات موجود در جامعه استفاده کنند و از حقوق اجتماعی مساوی با دیگران بهره‌مند شوند. اما متأسفانه گاهی شاهد بی‌توجهی به معلولان در جامعه بوده‌ایم که چنین امری سبب گوشه‌گیری آنها شده است. صاحب‌نظران معتقدند معلولان متناسب با نوع معلولیتی که دارند، دارای توانایی‌های ویژه‌ای هم هستند که بی‌توجهی به توانمندی‌های آنها سبب گوشه‌گیری و بروز ناراحتی‌های روحی و روانی در آنها می‌شود. تجربه جوامع دیگر در این باره نشان داده است که فراهم آوردن زمینه رشد توانمندی‌های معلولان، آنها را به افرادی مفید برای جامعه تبدیل خواهد کرد که می‌توانند مسؤلیت‌های متعددی داشته باشند. مسؤلیت‌پذیری افراد معلول، زمینه اشتغال آنها را فراهم می‌آورد که منجر به رشد خلاقیت فکری و هنری آنها خواهد شد. اختراعات و اکتشافات بسیاری را در دنیا شاهدیم که حاصل خلاقیت معلولانی بوده که توانسته‌اند تفکر خود را پرورش دهند. از سوی دیگر آثار علمی مکتوب و متنوعی از معلولان که در کتابخانه‌های جهان به کاربران عرضه شده‌اند، دلیل اصلی این ادعا هستند؛ مانند کتاب‌های فراوانی که تالیف یا ترجمه شده‌اند و در اختیار همگان قرار گرفته‌اند.

بسیاری از متخصصان علوم روان‌شناسی معتقدند که معلولان، متناسب با نوع توانمندی‌هایشان، مانند انسان‌های عادی قادرند در حوزه‌های فرهنگی مختلف از جمله تالیف و ترجمه کتاب فعالیت کنند.

معلولان می‌توانند بنویسند

عبدالله شفیعی آبادی دارای مدرک دکترای مشاوره و روان‌درمانی از آمریکا، با اشاره به اینکه معلولان هم مانند افراد دیگر می‌توانند کتاب تالیف یا ترجمه کنند، می‌گوید: «اگر یک انسان سالم می‌تواند کتاب ترجمه کند، معلولان هم این توانایی را دارند، ولی در مورد اشتغال معلولان باید به این نکته مهم توجه کرد که کدام عضو معلول از کار افتاده است و سپس با توجه به اعضای سلامت باقیمانده‌ی وی و توانایی‌هایی که دارد، او را به کارهای مختلف از جمله تالیف یا ترجمه کتاب تشویق کرد. به عنوان مثال، فردی که پا ندارد، اگرچه نمی‌تواند راه برود، ولی چون از لحاظ ذهنی سالم است، می‌تواند به خوبی صحبت کند، فکر کند و حتی کتاب بنویسد.»

تولید یک اثر مکتوب ارزشمند نیاز به اصول اولیه‌ای دارد که خلاقیت از مهم‌ترین آنهاست. ذهن خلاق و فعال می‌تواند با آفرینش ایده‌های جدید، کتاب‌هایی با محتوای جدید را نگارش کند. اگرچه تصور می‌شود خلاقیت تنها مختص افراد خاصی در جامعه است، اما روان‌شناسان معتقدند معلولان هم می‌توانند با ذهنی آرام و خلاق آثار علمی ارزنده‌ای خلق کنند.

شفیعی آبادی در این باره می‌گوید: «اگرچه بخشی از توانایی‌های یک معلول از بین رفته است، اما توانمندی‌های باقیمانده‌ی وی را نباید نادیده گرفت. با رشد استعداد‌های شناخته شده هر معلول می‌توان زمینه ایجاد خلاقیت و فعالیت ذهنی او را فراهم کرد



و با ایجاد چنین زمینه مناسبی، او نیز می‌تواند خوب فکر کند، بنویسد و آثار ارزشمندی خلق کند.»

وی در ادامه می‌افزاید: «بسیاری از معلولان برای آن که کمبودهایشان را جبران کنند، بیش از افراد عادی در جامعه فعالیت می‌کنند و به موفقیت‌های چشمگیری دسترسی می‌یابند. آنها می‌خواهند بگویند که اگر چه معلولیم، اما می‌توانیم با جامعه حرف بزیم و به آنها خدمت کنیم. در این میان وظیفه رسانه‌های عمومی است که این پیام را به جامعه ابلاغ کنند تا آنها نسبت به معلولان دید منطقی و درستی داشته باشند.»

گاهی کتاب‌هایی توسط افراد عادی یا سازمان‌های دولتی و خصوصی با اهداف خاص درباره معلولیت نوشته می‌شوند که مطالب آنها با مشکلات واقعی معلولان در جامعه همخوانی ندارند. اگرچه مخاطبان اصلی این کتاب‌ها معلولانند، اما کمتر توسط آنها خوانده می‌شوند.

شفیعی آبادی در این باره می‌گوید: «کتاب‌های کاربردی باید توسط افرادی نوشته شوند که با مخاطبان زندگی کرده باشند، در این صورت است که مخاطبان فراوانی نیز خواهند داشت. در مورد معلولان نیز اینچنین است، یعنی تنها افرادی می‌توانند در این باره کتاب بنویسند که با این افراد زندگی کرده باشند و احساس، تفکر و رفتار آنها را درک کنند. شاید معلولان بهترین نویسندگانی باشند که می‌توانند با آشنایی کامل از دنیای معلولیت درباره مشکلات و نوع زندگی این قشر از افراد جامعه کتاب بنویسند.» روان‌شناسان از ضرورت تالیف کتاب توسط معلولان می‌گویند و مسؤولان سازمان بهزیستی می‌توانند به عنوان متولیان امر، بستر مناسب را برای فعالیت‌های فرهنگی این قشر از جامعه فراهم آورند. به همین دلیل سراغ سازمان بهزیستی می‌رویم و از آنها می‌خواهیم که از فعالیت‌هایی که در این زمینه انجام داده‌اند بگویند.

سیدمصطفی کرباسی، سرپرست معاونت توانبخشی و پیشگیری از معلولیت‌های سازمان بهزیستی کشور، فعالیت معلولان در حوزه تالیف و ترجمه کتاب را مفید ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «نشر کتاب علاوه بر این که منجر به تولید علم و افزایش آگاهی‌های عمومی در جامعه می‌شود، اثرات مثبتی برای نویسندگان، به خصوص معلولانی دارد که در این راستا فعالیت می‌کنند؛ چرا که آنها مجبورند

برای تالیف و ترجمه هر اثر فرهنگی در جامعه حضور داشته باشند و اطلاعات خود را افزایش دهند. حضور در جامعه و بالارفتن آگاهی هر فرد معلول، به ظهور خلاقیت می‌انجامد و روحیه وی را تقویت می‌کند. در این میان اگر کتابی که معلولان تالیف می‌کنند، درباره معلولیتی باشد که با آن درگیرند، این اثر می‌تواند به عنوان راهنمایی برای افراد معلول دیگر و پاسخگویی به مشکلاتشان در جامعه و زندگی شخصی موثر باشد.»

وی همچنین برگزاری جشنواره انتخاب کتاب برتر با موضوع معلولیت در سال گذشته را یکی از اقدامات سازمان بهزیستی برای تشویق معلولان برای تالیف و ترجمه کتاب ذکر می‌کند و می‌گوید: «آذرماه سال گذشته با اعلام این فراخوان، ۱۵۷ عنوان کتاب درباره معلولیت به روابط عمومی سازمان بهزیستی ارایه و به آنها رسیدگی شد که ۴۴ عنوان از این کتاب‌ها ترجمه و ۱۱۳ عنوان تالیف بود که اغلب به موضوع‌های مختلفی برای معلولان اختصاص یافته بودند. نکته قابل توجه این که حدود یک پنجم نویسندگان آثار جزو معلولان بودند و بررسی‌ها نشان داد که کتاب‌های عرضه شده آنها دارای کیفیت مناسبی‌اند. در نهایت هم کتاب‌های پذیرفته شده به معلولان و خانواده‌های آنها در استان‌های مختلف عرضه شد تا آگاهی آنها نسبت به معلولیتی که با آن مواجه‌اند، افزایش یابد.»

وقتی معلولیت، مانع نمی‌شود!

عموم مردم تصور می‌کنند افرادی که به دلیل حوادث ناهنگام بخشی از سلامتی آنها برای همیشه زایل می‌شود، نمی‌توانند در جامعه فعالیت‌های مفیدی داشته باشند اما برخلاف این تصور، شاهدیم که بسیاری از این اشخاص با در نظر گرفتن سایر توانمندی‌هایشان، مسؤولیت‌های مهمی را در جامعه می‌پذیرند و آثار علمی ارزشمندی خلق می‌کنند. منصور برجیان یکی از این افراد است که به دلیل حادثه‌ای ناگهانی دچار ضایعه‌ای نخاعی شده و ۳۵ سال است که به کمک صندلی چرخدار حرکت می‌کند، اما این مشکل نه تنها سبب بیکاری او نشده، بلکه منجر به انجام فعالیت‌های گسترده وی برای کمک به معلولان شده است.

برجیان که دارای مدرک تحصیلی مهندسی تجهیزات پزشکی از دانشگاه پلی‌تکنیک تهران است، هفت عنوان کتاب تالیف و یک عنوان ترجمه کرده است که این کتاب‌ها با موضوع‌هایی برای معلولان، آنها را در انجام فعالیت‌های شخصی و اجتماعی یاری می‌کند.

وی که به عنوان مدیرعامل انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان ایران فعالیت می‌کند، با اشاره به موضوع کتاب‌هایی که تالیف یا ترجمه کرده، می‌گوید: «ابتدا کتابی را درباره مشکلات افرادی که مثل خودم به ضایعه نخاعی مبتلا شده‌اند نوشتم و با استفاده از تجربیاتم سعی کردم پاسخگویی مسایل آنها باشم. کتاب دیگر با عنوان «نواخ و مشاهیر معلول جهان» برای معلولان چاپ شده است و در آن افراد بزرگی که با وجود معلولیتشان توانسته‌اند در جهان اقدامات ارزنده‌ای انجام دهند، معرفی شده‌اند. این کتاب می‌تواند الگویی برای معلولان باشد که به توانمندی‌هایشان اتکا کنند. از این کتاب بسیار استقبال شد و اکنون به چاپ چهارم رسیده است. از آنجا که به معلولان توصیه می‌شود از دواج کنند، کتابی هم با عنوان مسایل زناشویی معلولان نوشتم که پاسخگویی مشکلات آنها در این زمینه

است. همچنین کتاب‌های دیگری درباره چگونگی نگهداری و تربیت فرزندان توسط پدران و مادرانی که دارای نقص عضوند و همچنین مناسب‌سازی اماکن و فضاهای شهری برای معلولان نوشته‌ام.» وی محتوای این کتاب‌ها را مطابق با نیازهای مطالعاتی معلولان می‌داند و می‌افزاید: «از آنجا که با مشکل ضایعه نخاعی مواجه‌ام، مشکلات افراد را با این عارضه جسمی کاملاً می‌شناسم و آنها را در کتاب‌هایم انعکاس داده‌ام. این کتاب‌ها حاصل تجربیات ۳۵ ساله و مطابق با مشکلات شخصی و اجتماعی افراد مبتلا به ضایعه نخاعی است و به همین دلیل با استقبال مخاطبان مواجه شده‌اند و شاید اگر همین مطالب توسط نویسندگان عادی نگارش می‌شد، نمی‌توانست قابل استفاده مخاطبان آنها باشد.»

برجیان ترجمه و تالیف کتاب را یکی از امور فرهنگی می‌داند که معلولان نیز می‌توانند در این زمینه فعالیت داشته باشند. وی می‌گوید: «اگر معلولان نیز مانند دیگران از امکانات مناسبی در جامعه برخوردار باشند، می‌توانند در حوزه‌های فرهنگی مختلف از جمله تالیف و ترجمه کتاب فعالیت کنند. مطالعه کتاب نواخ و مشاهیر معلول جهان نشان می‌دهد که نباید استعداد معلولان نادیده گرفته شوند. تاریخ نشان می‌دهد بسیاری از آنها آثار ارزنده‌ای در جهان خلق کرده‌اند. ارایه امکانات مناسب به معلولان، نتیجه نگرش صحیح جامعه نسبت به آنهاست که با فرهنگ‌سازی مناسب حاصل می‌شود اما متأسفانه به دلیل فعالیت‌های محدودی که در این حوزه انجام شده، شاهد اتفاقات ناگواری مثل استفاده از ظاهر معلول برای تکدی‌گری در سر چهارراه‌هایم. همچنین به دلیل برخی نگرش‌های نامناسبی که به معلولان در جامعه وجود دارد، وقتی فردی روی صندلی چرخدار در سینما یا کتابخانه حاضر می‌شود از وی می‌پرسند چه دلیلی داشت که به این محیط بیایی؟»

برجیان با بیان این که نگرش نامناسب جامعه سبب شده است گاهی فعالیت‌های علمی و فرهنگی معلولان نادیده گرفته شود می‌گوید: «افراد نابینایی وجود دارند که مجسمه‌سازی می‌کنند یا بدون دست و پا کمک‌پاهایشان نقاشی می‌کشند، اما به دلیل بی‌توجهی جامعه به آنها این فعالیت‌ها کمتر دیده می‌شوند.»

وی زمینه‌سازی مناسب را عامل اصلی رشد استعداد‌های معلولان می‌داند و در این باره می‌گوید: «اگر امکاناتی مثل معماری کلاس‌های درس دانشگاهی برای معلولان مناسب نباشد و آنها نتوانند در محافل علمی شرکت کنند، چگونه می‌توان از آنها انتظار داشت که توانایی‌هایشان را اثبات کنند؟ او در پایان می‌گوید: «اکنون سن سالخوردگی از ۶۵ سال به ۷۵ سال افزایش یافته است و این قشر، ۱۰ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شوند. اگر به این عدد ۱۰ درصد معلولان و سه درصد معلولان موقت، یعنی دست و پا شکسته‌ها را نیز بیفزاییم، رقم قابل توجهی به دست می‌آید که تا مین نشدن امکانات لازم برای فعالیت‌های علمی و فرهنگی این افراد بخش قابل ملاحظه‌ای از جامعه را به انزوا و ناراحتی‌های روحی مبتلا می‌کند که سبب بروز مسایل حاشیه‌ای بسیار سنگینی خواهد شد بنابراین مسؤولان باید به این مهم توجه ویژه داشته باشند و برای زمینه‌سازی مناسب فعالیت‌های معلولان برنامه ریزی کنند.»

به مناسبت سالروز ولادت حضرت ابو الفضل العباس (ع)

هزار حرف نگفته، هزار جلوه پنهان

زندگی ایشان را مطالعه کند. پس نوشتن درباره همه دوران های زندگانی ایشان یک ضرورت است.»

پرهیز از گرفتاری در ورطه تکرار

برخی نویسندگان و پژوهشگران معتقدند کتاب هایی که برای توصیف و تبیین شخصیت حضرت عباس (ع) نوشته شده اند، تا حد زیادی در ورطه تکرار گرفتار شده اند.

مهدی محدثی، نویسنده مجموعه «حیات پاکان» در این باره می گوید: «در اغلب این آثار از حضرت عباس (ع) به عنوان اسطوره شهامت و شجاعت و فردی که رشادت های بی نظیری در صحنه کربلا داشته یاد می شود، در حالی که صفات و کرامات ایشان به این حد محدود نمی شود.»

وی می افزاید: «ادب و تقوای حضرت که به اعتقاد برخی بزرگان نزدیک به درجه عصمت بود، از جمله ویژگی هایی است که در تالیفات کمتر به آن پرداخته می شود. دکتر احمد بهشتی در کتاب «فهرمان علقمه» مرتبه وجودی حضرت ابو الفضل (ع) را به قدری بالا توصیف می کند که گفته می شود حتی مقام عصمت را می شود برای ایشان اثبات کرد.»

این نویسنده کتاب های دینی یاد آور می شود: «در کتاب ها و تالیفات امروزی برای پرهیز از تکرار مکررات باید به مراجعه به منابع دست اول، به استخراج و بیان نکاتی بپردازیم که می تواند راهگشای جامعه امروز باشد و با دوری از مطالب غیر واقعی و بزرگ نمایی های غیر حقیقی که این الگوها را دست نیافتنی می کند، چهره صحیحی را معرفی کنیم.»



حضرت عباس (ع) با بیان این که متأسفانه در اغلب کتاب های دینی و تاریخ اسلام تنها از جنبه جنگاوری آن هم در واقعه عاشورا به حضرت عباس (ع) توجه می شود، عنوان می کند: «از آنجاکه اوج اقدامات و زندگی حضرت در چند روز قبل از عاشورا و واقعه کربلا به چشم می خورد، این موضوع برای اغلب نویسندگان دستمایه ای است برای نوشتن، اما اگر کسی می خواهد به درستی ایشان را بشناسد و با ویژگی هایی نظیر سخاوت، شجاعت و ادب در زندگی این بزرگوار آشنا شود، باید سایر ادوار

وی می افزاید: «در پژوهش هایی که انجام دادم و با استناد به منابع و مکتوبات این حوزه، به این نکته دست یافتم که حضرت علی (ع) در سن کودکی بازی هایی نظیر شمشیر زنی، سوار کاری و تیراندازی را با حضرت عباس (ع) انجام می دادند تا مهارت های این بزرگوار را در صحنه های گوناگون افزایش دهند که به این نکات در آثار اندکی اشاره می شود. در صورتی که این گونه مباحث می توانند دستمایه های خوبی برای کتاب های حوزه کودکان و نوجوانان باشند تا روحیه جوانمردی و سطح توانایی و عملی ایشان را به کودکان آموزش دهیم.»

برای شناخت دقیق و مطالعه ابعاد گوناگون شخصیت بزرگان و ائمه اطهار (ع) در راستای الگوگیری صحیح و تاثیر گذاری فراوان باید تمامی ابعاد و دوران زندگی آنها را در حوزه نگارش مد نظر قرار داد تا با تمامی وجوه فکری، رفتاری و عملی آنها آشنا شد، زیرا تنها اتکاف کردن به ابعاد یا دوره خاصی از زندگی بزرگان، فرد را از توجه به بسیاری از وجوه و مراحل زندگی آنها محروم می سازد.»

حجت الاسلام هادی منش می افزاید: «با وجود این که در ترجمه نگاری (علم تراجم) که به بررسی رویدادهای مهم زندگی شخصیت ها اختصاص دارد و مشابه علم رجال و تاریخ است، مطالبی در این باره عنوان شده است، اما نقاط مشترکی را درباره تمامی معصومین (ع) مشاهده می کنیم که به وصف چهره آنها خلاصه می شود و تفاوت های ظاهری و جسمانی یک امام با امام دیگر را نمی دانیم مگر در حد کلیاتی که از صفات آنها نظیر کظم غیظ امام کاظم (ع) سراغ داریم.»

با وجود آن که تالیفات متعددی درباره حضرت ابو الفضل (ع) داریم. که همچنان بر تعداد آنها افزوده می شود. اما هنوز شبهاتی درباره این بزرگوار نظیر پیوند عشیره ای شان با شمر، کندن چاه در واقعه عاشورا، حضور ایشان در زمان ظهور امام زمان (عج) و فعالیت های ایشان در واقعه کربلا وجود دارد که در اندک تالیفاتی به آنها توجه می شود.

نویسنده باید اهل تحلیل باشد

برخی نویسندگان ساده نویسی و ارائه اطلاعاتی که تمامی اقصای جامعه بتوانند از آنها استفاده کنند را از جمله ویژگی های کتاب های این حوزه می دانند. دکتر رحیم میر دریک نندی دکترای روان شناسی تربیتی، از جمله افرادی است که به این نوع نگارش اعتقاد دارد و اظهار می کند: «در نوشتن از بزرگان دین باید تمامی ابعاد وجودی و ادوار زندگی آنها را در نظر گرفت، چراکه داشتن آگاهی مختصر و ناقص موجب می شود خوانندگان در پاسخ به شبهات ایجاد شده، تحلیل و رفع آنها ناتوان باقی بمانند اما داشتن آگاهی های همه جانبه خوانندگان را توانمند می کند.»

نویسنده کتاب «دریای تشنه، تشنه دریا؛ زندگانی

چهارم شعبان (۲۵ تیر ماه) سال جاری، مصادف است با سالروز ولادت حضرت ابو الفضل (ع)، فرزند امام علی (ع) که در سخاوت، شهامت و ادب بی همتا بودند. درباره این شخصیت بزرگ دینی کتاب ها و تالیفات متعددی به رشته تحریر در آمده اند که هر یک از جنبه ای خاص زندگانی و دلآوایی های این بزرگ مرد تاریخ اسلام را بررسی کرده اند.

در این حوزه، برخی کتاب ها به شکل موضوعی، برخی به صورت تاریخی و تعدادی هم در قالب پژوهش به ویژگی های بارز اخلاقی و رفتاری این بزرگوار در طول زندگی امام علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) پرداخته اند و برخی نیز فعالیت های حضرت عباس (ع) را در دوره پیش از واقعه عاشورا و در صحرای کربلا به بازخوانی نشسته اند.

عرفان و ادب، جنبه های مغفول زندگانی حضرت ابو الفضل (ع) در آثار مکتوب

بینش و معرفت حضرت عباس (ع) که در روایات گوناگون از ائمه اطهار (ع) بر آن تأکید شده است، از جمله مطالبی اند که در تالیفات کمتر به آنها توجه شده است. حجت الاسلام ابو الفضل هادی منش، نویسنده و پژوهشگر دین با بیان این مطلب به کتاب هفته می گوید: «در روایتی از امام صادق (ع) و امام سجاد (ع) از حضرت عباس به عنوان فردی از فقیهان (بزرگان و دانشوران) ائمه (ع) یاد شده است. همچنین در روایتی دیگر از ائمه معصومین (ع) که در برخی از کتاب ها نقل شده است، گفته اند: «حضرت عباس (ع) علم را از سر چشمه نوشیده اند.» که اشاره مستقیم به پرورش و تربیت ایشان توسط حضرت علی (ع) دارد.»

در سایر کتاب های ادعیه و زیارات نیز صحبت از ایمان و بصیرت حضرت عباس (ع) به چشم می خورد؛ چنانچه ایمان راسخ و پافشاری شان بر حق موجب شد در صحرای کربلا نقش آفرینی بزرگی داشته باشند. بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان معتقدند که بصیرت این بزرگوار تا حدی بود که هرگز به خود اجازه ندادند برادرشان، امام حسین (ع) را نصیحت کنند، از ایشان پیشی گیرند یا ایشان را مورد خطاب قرار دهند.

نویسنده کتاب «چشم در چشم فرات» بررسی زندگانی و نقش الگویی حضرت عباس (ع) با اشاره به این که کتاب های متعددی درباره حضرت ابو الفضل (ع) به رشته تحریر در آمده اند، می افزاید: «متأسفانه با وجود این که ایشان جزو شخصیت های بسیار برجسته تاریخ اسلام، به ویژه تشیع اند، اما کوچک ترین اظهار نظری از ایشان را در برابر نظر برادر معصومش نمی بینیم. نکته دیگر آن که در قرائت هایی که در تالیفات گوناگون از شخصیت ایشان صورت می گیرد، جنبه حماسی رفتار این بزرگوار برجسته شده است و عرفان حضرت که در برابر آن حماسه ای بزرگ تر است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.»

وی ادامه می دهد: «اتکاف کردن به ویژگی های جسمانی و قرائت های ماتم گونه، سطح معارف دینی در کتاب ها را کاهش می دهد از این رو باید توجه بیشتری به معارف ژرفی که در کتاب های ادعیه و زیارات در این زمینه وجود دارد، داشته باشیم و در تالیفاتمان چهره واقعی و مبتنی بر عرفان حضرت عباس (ع) را ارائه کنیم.»

نویسنده کتاب «ماه در فرات» درباره این موضوع که «چرا اغلب کتاب های این حوزه تنها در عرصه عاشورا به شخصیت و کرامت های حضرت عباس (ع) توجه دارند و درباره زندگی ایشان و دوران قبل از واقعه کربلا اطلاعات زیادی را به خوانندگان ارائه نمی کنند؟» بیان می کند: «در این باره باید دوره زندگی این بزرگوار را به دو بخش پیش از واقعه عاشورا و در زمان واقعه عاشورا دسته بندی کرد. درباره بخش دوم در کتاب ها مطالب متعددی ذکر شده اند، اما درباره بخش نخست، مطالب فراوانی به خوانندگان ارائه نمی شود.»

فرسخان

جایزه ادبی پروین اعتصامی

چهارمین دوره جایزه ادبی پروین اعتصامی با هدف بزرگداشت مقام و شخصیت شاعر نامدار ایران پروین اعتصامی، رشد و اعتلای خلاقیت ها و آفرینش های ادبی بانوان، ترویج و تلویح زبان فارسی در خارج از کشور، ایجاد پیوند میان ادبیات ملل بویژه در حوزه جهان اسلام، معرفی چهره های شاخص زنان ادب و پژوهنده و تقدیر از زنان در عرصه زبان و ادب فارسی با مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه خانه کتاب، اسفندماه سال جاری هم زمان با روز بزرگداشت پروین اعتصامی برگزار می شود. لذا از تمامی بانوان اهل قلم اعم از شاعران، نویسندگان، مترجمان، منتقدان و پژوهشگرانی که آثارشان برای نخستین بار در سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ منتشر شده دعوت می شود سه نسخه از آثار خویش را به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.

حوزه مورد ارزیابی هیئت داوران کتاب های تالیفی و ترجمه ای بانوان است که به زبان فارسی منتشر شده و موضوعات آن عبارت اند از:

۱. شعر، ۲. ادبیات داستانی (داستان بلند و کوتاه)، ۳. ادبیات نمایشی (نمایشنامه)، ۴. ادبیات پژوهشی (نقد و پژوهش، پایان نامه های دانشجویی و مجموعه مقالات ادبی)، ۵. ادبیات کودکان (داستان و شعر کودک و نوجوان)

مهلت ارسال آثار: ۳۱ شهریورماه ۱۳۸۹

نشانی دبیرخانه: تهران، خ انقلاب، بین فلسطين جنوبی و برادران مظفر، پلاک ۱۰۸۰، طبقه منتهی ۲

تلفن: ۶۶۹۶۶۱۳۶، دورنگار: ۶۶۹۶۶۱۱۸

www.parvin.ir

خانه کتاب



مهرناز مهاجری

انسان‌ها حقوق مختلفی دارند که از بسیاری از آنها بی‌اطلاع هستند و گاه نیز اهمیت آنها را آنچنان که باید نمی‌دانند. حجاب یکی از بحث‌ها و شاید مهم‌ترین حقی باشد که انسان از آن می‌تواند برخوردار باشد. رویکردی که در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورهای جهان نسبت به حجاب انجام گرفته، نشان‌دهنده این اهمیت است. برای توضیح این ضرورت تاکنون کتاب‌هایی با رویکرد دینی نوشته شده‌اند، اما سوال اینجاست که این کتاب‌ها تا چه اندازه در تئوری پردازی موفق بوده‌اند؟ سوال دیگر این است که این کتاب‌ها تا چه اندازه ابعاد جامعه‌شناسانه مساله را بررسی کرده‌اند؟ قطعاً آگاهی از نظر جامعه‌شناسان درباره پوشش و حجاب که از طریق کتاب‌ها میسر است، توجیه‌پذیری ضرورت پایبندی به حجاب در جامعه‌مان را آسان‌تر می‌کند. به همین منظور، با دکتر محمد مهدی لیبی، نویسنده و عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده‌ایم.

گفت‌وگو با دکتر محمد مهدی لیبی

حجاب در آینه کتاب‌های جامعه‌شناسی

کتاب‌ها و پژوهش‌های جامعه‌شناسانه چه موضعی در برابر حجاب دارند و آیا یک پژوهشگر جامعه‌شناس حجاب را یک ارزش به شمار می‌آورد؟

ارزش بودن حجاب از نظر جامعه‌شناسان بستگی به فرهنگ حاکم بر هر کشور دارد. فرهنگ‌های متفاوت بر اساس ارزش‌های متفاوت شکل گرفته‌اند؛ بنابراین هر ارزش بر مبنای همان فرهنگ قابل بررسی است. البته برخی ارزش‌های مشترک نیز نظیر راستگویی که تحت عنوان اخلاق نام برده می‌شوند، در میان تمام انبای بشر پذیرفته شده‌اند.

حجاب نیز بخشی از این اخلاق است؛ بنابراین به این سوال این گونه پاسخ می‌دهم که پژوهش‌های جامعه‌شناسی، حوزه اخلاق را بسیار فراتر از دین تعریف کرده‌اند و بر همین اساس هر آنچه دینی است، اخلاقی هم محسوب می‌شود، اما همه چیزهایی که اخلاقی‌اند دینی نیستند. پوشش در ایران باستان حتی پیش از پیدایش زرتشت نیز وجود داشت، اما امروزه حجاب به عنوان یک پدیده دینی تعریف شده است. از زمان ورود اسلام حجاب از یک سنت به امری دینی و شرعی تبدیل شد. با چنین دیدگاهی، تفاوت حجاب و پوشش مشخص می‌شود. حجاب با ورود اسلام رسمیت پیدا کرد و با غلبه مذهب، از دریچه دینی به آن نگاه می‌کنیم.

بحث درباره ارزش بودن حجاب در جوامع پیچیده است و باید در طول زمان بررسی شود. پژوهشگران اجتماعی معتقدند حجاب ارزشی خاص است ولی مانند راستگویی در میان همه جوامع، ارزش به شمار نمی‌آید.

تاکنون هیچ یک از جامعه‌شناسان در پژوهش‌های خود مدعی فطری بودن حجاب در ذات انسان‌ها شده‌اند؟

فطری بودن پوشش در انسان‌ها تقریباً ادعای درستی است. انسان‌ها از زمانی که تمدن و از حالت بدوی خارج شدند پوشش را برگزیدند. پوشش نمادی برای انسان متمدن به شمار می‌آید، اما این پوشش با توجه به شرایط جغرافیایی و باورهای جامعه تعریف می‌شود. اما پژوهش‌های اجتماعی ادعای متفاوت تری دارند. این پژوهش‌ها حجاب و پوشش را امری فطری ندانسته و محیط جغرافیایی را عامل تعیین‌کننده در این باره معرفی می‌کنند. بشر در طول تاریخ کوشیده خود را همرنگ محیط کند، نظیر لباسی که اعراب منطبق با شرایط کویری می‌پوشند. بنابراین بخشی از پوشش را محیط بیرونی بر افراد تحمیل می‌کند. مرحله بعدی که با باورهای ابتدایی تکمیل می‌شود، دین است. پیش از ورود دین هر فردی بر اساس میل درونی پوشش را انتخاب می‌کرد و ضمیر بیرونی وجود نداشت اما دین تخطی از چارچوب را مجاز نمی‌دانند.

در جامعه ما دین در سیاست مستقیماً نقش دارد. جامعه دینی ارزش‌های دینی را مهم می‌شمارد و جامعه ایدئولوژیک هم این ارزش‌ها را در بخش‌های کلان نظیر سیاست، اقتصاد و فرهنگ وارد می‌کند. در چنین جامعه‌ای نمی‌توان حجاب افراد را بر اساس فطرت دانست، بلکه این حجاب جزئی از قوانین



برای پذیرفته شدن چنین تفکری از سوی جامعه چه اتفاقی باید بیفتد؟

پدیده دین باید در دل مردم پذیرفته شود و باید بتوانیم تفسیر درست و قابل پذیرشی از دین به فرد ارائه دهیم تا جزو رفتارهای درونی وی شود. آنچه درباره حجاب برای بخشی از افراد اتفاق افتاده نیز عدم ایمان قلبی به آن است. این امر مشکلاتی را در پی خواهد داشت که رفتارهای دوگانه در جامعه یکی از آنهاست.

این که چه بکنیم تا یک ارزش را به باور فرد تبدیل کنیم کار دشواری است و بایک سخنرانی یا مصاحبه حل نمی‌شود در نتیجه باید از ظرایف و شیوه‌های گوناگونی استفاده کرد.

کتاب تا چه اندازه می‌تواند در معرفی صحیح حجاب و توجیه افراد مفید واقع شود؟

درباره کتاب محدودیت وجود دارد، زیرا همه افراد اهل مطالعه نیستند. دوم آن که کتاب‌های موثری برای اقناع ذهن افراد نوشته شوند. بر واژه اقناع تأکید می‌کنم، زیرا دلایل باید به گونه‌ای بر شمرده شوند که فرد را توجیه کند. بنابراین کتاب برای درونی کردن ارزش حجاب تنها بر گروهی از مردم تأثیر دارد هر چند هر کتابی هم تأثیرگذار نخواهد بود.

در کنار این مسأله توجه کنیم که در کنار کتاب‌ها و رسانه‌های داخلی، رسانه‌های خارجی هم مقابله به مثل کرده و ارزش‌های مطلوب خودشان را اشناعه می‌دهند.

به نظر می‌سد توجه به موضوع حجاب در کتاب‌های آموزش و پرورش نتیجه‌بخش‌تر باشد، زیرا هر فردی که به مدرسه می‌رود ناگزیر آنها را خواهد خواند.

با این نظر موافقم. کتاب‌های درسی یکی از بهترین راه‌ها برای ترویج و درونی کردن حجاب به صورت یک الزام دینی به شمار می‌آیند، به شرط آنکه خوب عمل کنند. تاکنون در این زمینه کارهای خوبی انجام شده است که کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار داده و سبب قبول حجاب از سوی آن‌ها شده‌اند. اما مشکل اینجاست که آنها در جامعه مواردی را می‌بینند که با مطالب کتاب‌های درسی شان مغایر است. اینجا یک تعارض ارزشی ایجاد می‌شود، در این شرایط خود فرد است که باید تصمیم بگیرد آنچه از کتاب آموخته بپذیرد یا آنچه را که در جامعه می‌بیند. در جوامعی که چنین مواردی با یکدیگر همسو باشند حداقل مشکلات اجتماعی بروز خواهند کرد.

در آموزش حجاب به کودکان و نوجوانان از طریق کتاب‌های درسی باید به بسیاری مسایل توجه کرد، نظیر این که مقوله حجاب با بسیاری از مقولات دیگر جامعه در ارتباط است و در عین فرهنگی بودن، مسایل اجتماعی و اقتصادی نیز بر آن تأثیر دارند. تمام این موارد باید به صورت کلیت و مجموعه بزرگ‌تر تحصیل شوند نه این که تنها به یک جزء از آن توجه کنیم. برای پذیرفتن یا نپذیرفتن حجاب ده‌ها دلیل وجود دارد که توجه به هر یک از آنها در روند آموزش ضروری است.

کتاب‌های بسیاری درباره حجاب و لزوم پایبندی به آن در کشورمان منتشر می‌شوند. ارزیابی شما از این آثار چیست و چه پیشنهادی دارید؟

بسیاری از این کتاب‌ها مفیدند، اما مشکل اینجاست که بخشی از این آثار، بسیار تخصصی و در حوزه‌های خاص دینی نوشته شده‌اند، به عنوان مثال به تعبیر و تفسیر آیات و روایات می‌پردازند. بدیهی است بسیاری از مخاطبان نمی‌توانند به خوبی با چنین آثاری ارتباط برقرار کنند.

معضل دوم جذابیت نداشتن بعضی از این کتاب‌هاست. بسیاری از کتاب‌های این حوزه برخلاف دسته اول، نگارشی ساده و همه‌فهم دارند، اما از جذابیت کافی برخوردار نیستند. باید نوعی از روایت را در کلام گفتاری به کار بگیریم که به رفع این مشکل بینجامد. نوشتن این کتاب‌ها توانمندی خاصی می‌طلبد، زیرا باید فرد را آرام آرام وارد حوزه مورد نظر کند. مطالب این کتاب‌ها می‌توانند به گونه‌ای تنظیم شوند که فرد را به تدریج و بدون تنش متوجه مسایل اساسی‌تر کنند. در چنین اوضاعی حجاب پایدار می‌شود، زیرا خودجوش است. دستورات بیرونی نیز با وجود پذیرش درونی شمرثر خواهند بود. شرایط جامعه ایران پایبندی به حجاب را ضروری می‌کند، زیرا ثبات و تعادل جامعه دینی در گرو پایبندی به تمامی ارزش‌های دینی است، بنابراین در یک جامعه دینی نمی‌توان یکی از ارزش‌ها را حذف کرد. در چنین شرایطی باید تدابیری در راستای درونی کردن این ارزش‌ها اندیشیده شوند و طبیعتاً یکی از این تدابیر، نوشتن کتاب است.

یادداشت

حجت الاسلام ابوالفضل ساجدی
عضو هیات علمی موسسه آموزشی
پژوهشی امام خمینی (ره)

دفاع ضعیف، بهترین روش تخریب یک ارزش است

تاکنون پژوهش‌ها و کتاب‌های بسیاری درباره حجاب منتشر شده‌اند، اما این امر به تنهایی در نهادینه کردن حجاب موثر نیست، چرا که این احتمال وجود دارد که این کتاب‌ها به دست همه افراد نرسیده باشند. اما این نکته نمی‌تواند دلیلی بر غفلت ما در عرصه کار پژوهشی و تئوری پردازی باشد. از سویی، هیچ وقت نمی‌توان به انتشار چند کتاب بسنده کرد، چرا که پویایی جامعه، همواره نگاهی جستجوگرانه مسایل مختلف طلب می‌کند. یکی از موانعی که بر سر مطالعه کتاب‌های حوزه حجاب وجود دارد، اطلاع رسانی ضعیف درباره آنهاست. افرادی که حجاب را به عنوان یک مسأله مهم در زندگی پیش رو دارند، شاید گاه تنها با کتاب «مسأله حجاب» شهید مطهری (ره) روبرو باشند، در حالی که کتاب‌های خوب دیگری هم در این عرصه منتشر شده است. توجه داشته باشیم که با وجود نوشته شدن کتاب‌های مفید و متعدد در زمینه حجاب، هنوز جای کار در این زمینه باقی است، چرا که هر روز پرسش‌های تازه‌ای درباره این مسأله مطرح می‌شوند که ناظر به ابعاد فقهی، فلسفی، تفسیری و کارکردی حجاب‌اند.

اما مشکل کتاب‌های با موضوع حجاب، به همین نقطه ختم نمی‌شود. این آثار سطوح مختلفی را در برمی‌گیرد که بخشی از آنها ضعیف و برخوردار از استدلال‌هایی سست‌اند و از آفت شعاعزدگی رنج می‌برند. متأسفانه این کتاب‌های ضعیف که به نیت دفاع از حجاب نوشته شده‌اند، چندان به موضوع پرداخته‌اند که حتی در مواردی به نفی موضوع منجر شده‌اند و این نکته‌ای منفی به حساب می‌آید. به گفته برخی عقلا، بهترین روش تخریب یک فرد یا ارزش، دفاع ضعیف از آن است.

بنابراین ما به تحقیقات جامع‌تری از حجاب نیازمندیم؛ تحقیقاتی که پرسش‌های متعددی را که در اذهان جوانان وجود دارد، بررسی می‌کنند و پاسخی برای آنها می‌یابند. به عنوان مثال بخشی از این سوالات، به جایگاه حجاب در اسلام و کارکرد روانی آن مربوط می‌شوند که متأسفانه کتاب‌های جامع و دقیقی در این حوزه نداریم.

برای رفع چنین مشکلی باید کارگروه‌های مختلفی نظیر فقه و روان‌شناسی ایجاد شود تا در کمسیون‌های مشترک به تدوین کتاب در این باره بپردازند. این کارگروه‌ها باید در رشته‌های گوناگون نظیر جامعه‌شناسی؛ روان‌شناسی، سیاست، کلام و قرآن تشکیل شوند و این امر نیازمند تعامل سازنده کارشناسان رشته‌های مختلف است. پرسش‌های جوانان درباره حجاب را نیز می‌توان از طریق مصاحبه گردآوری و طبقه‌بندی کرد و مطابق سطح فراوانی آنها کتاب نوشت. گذشته از این امور، حجاب بحث مهم و گسترده‌ای است و پرداختن به آن توجه جوانب مختلفی را می‌طلبد. عادت، لجبازی برای گسترش فساد و نقش بیرونی سه انگیزه در بدحجابی به شمار می‌آیند و توجیه هر یک از این بدحجابیان شیوه خاصی را می‌طلبد که باید مورد توجه نویسندگان قرار گیرند.

در این میان نقش کتاب‌های تدریسی آموزش و پرورش را نیز نباید نادیده گرفت. این کتاب‌ها اگر به صورت شناختی و رفتاری و نه به منظور امتحان دادن آموزش داده شوند، درونی شدن حجاب برای کودکان و نوجوانان را به همراه خواهند داشت. سخن‌آخرا این که نهادینه کردن حجاب موفقه‌های متعددی را می‌طلبد که نوشتن کتاب یکی از آنهاست. توجه به این موفقه‌ها باید توأمان و مستمر باشد، زیرا تنها به توجیهی به یکی از آنها، روند کار را با مشکل اساسی روبه‌رو خواهد کرد.



از چهارشنبه تا سه شنبه با سرای اهل قلم خانه کتاب

سردرگمی فمینیست‌ها و قربانی شدن پهلوانان

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست‌های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت‌وگو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا می‌کند. در نشست‌هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه ادبیات، هنر و شاهنامه‌پژوهی در جلساتی جداگانه به بحث و گفت‌وگو نشستند.

سردرگمی فمینیست‌ها در ارایه تعریف ثابتی از هنر

نشست نقد و بررسی کتاب «فمینیسم و زیبایی‌شناسی» نوشته کارولین کرس میر با حضور دکتر محبوبه مباشری، رییس دانشگاه الزهرا(س) به عنوان منتقد، افشنگ مقصودی، مترجم و احسان عباسلو، به عنوان دبیر در این نشست، در سرای اهل قلم برگزار شد.

دکتر محبوبه مباشری، رییس دانشگاه الزهرا(س): کرس میر (نویسنده کتاب) تعریف جامع و ثابتی از هنر فمینیستی ارائه نمی‌کند. شاید به این دلیل که فمینیست‌ها نتوانسته‌اند تاکنون به باور مشترک اجتماعی و سیاسی از هنر برسند. مانند سایر آثار کرس میر، نویسنده در این کتاب نیز به موضوع فلسفه و زیبایی‌شناسی با رویکرد فمینیستی می‌پردازد. نویسنده در ذیل هر یک از آنها، موضوعات را به خوبی طبقه‌بندی کرده است. همچنین انگاره‌هایی در این کتاب برای فهم بهتر مطلب به چشم می‌خورند که البته مترجم برخی از آنها را به دلیل منطبق نبودن با فرهنگ بومی ما، حذف کرده است.

به اعتقاد نویسنده، دیدگاه سنتی برتری مرد در آثار هنری نیز وجود دارد، زیرا تصور می‌شد که تنها مردان که موجودات برترند، قادر به خلق آثاری والا نظیر آثار هنری‌اند. نویسنده معتقد است نگاه تاریخی، نبوغ را ویژه مردان می‌داند، اما فمینیست‌ها به این نبوغ واکنش نشان داده، تمام ارزش‌های زیباشناختی گذشته را رد می‌کنند. از جمله این موارد به شمار آوردن صنایع دستی به عنوان هنر است.

جهان ذهنی مردان طبق تصور تاریخی، آسمانی و ذهن زن را زمینی و مادی و مرد نماد عقل و زن نماد احساس است. صنایع دستی که در گذشته مهارت‌های هنری زنان به شمار می‌آمدند نیز با همین نگرش و به دلیل این که امری مادی و کاربردی محسوب می‌شدند، جایگاهی میان آثار هنری پیدا نکردند.

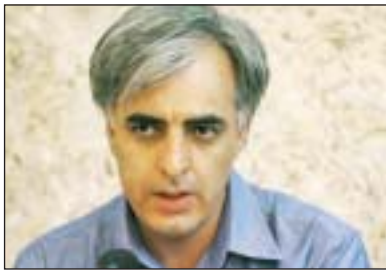
عباسلو: اگر ذهن زنان در گذشته زمینی و نماد احساس به شمار می‌آمد، پس چرا «آنتا» به عنوان الهه خرد در یونان باستان، زن است؟ همچنین فمینیست‌ها معتقدند تبعیض‌هایی که در طول تاریخ به زنان روا داشته شده، عاملان و بر اساس توطئه از پیش تعیین شده مردان بوده در حالی که بستر تاریخی زمینه‌ساز چنین رفتارهایی بوده است.

مباشری: درباره اسطوره‌های آفرینش مباحث گسترده‌ای وجود دارد و نمی‌توان به اجمال درباره آنها توضیح داد، اما باید گفت که رب النوع‌های مؤنثی نظیر آنتا و آفرودیت بعدها جای خود را به مردان می‌دهند تا دست‌یافتنی شوند.

همچنین، دیدگاه کرس میر همان گونه که خودش می‌گوید، فمینیستی است. توطئه از پیش تعیین شده از سوی مردان برای ظلم به زنان وجود نداشت، اما با این وجود نمی‌توان ظلم‌هایی را که به زنان روا داشته شد، انکار کرد.

افشنگ مقصودی، مترجم کتاب، در این نشست سخنرانی نکرد و تنها اشکالاتی را که به ترجمه وارد آمده بود پذیرفت و دلیل آن‌ها را اصرار بر استفاده از واژگان فارسی سره عنوان کرد. به همین دلیل مباشری تنها سخنران بود و در لابه‌لای این سخنرانی عباسلو نیز سؤالاتی را مطرح می‌کرد.

بزرگترین دلیل هجرت نویسندگان در تاریخ اروپا



نویسنده داشته باشد.

نازیسم و فاشیسم، موجب مهاجرت گروه بزرگی از نویسندگان در جهان شدند. انقلاب اکتبر و آمدن بلشویسم نیز منجر به ترک وطن هزاران نویسنده و هنرمند روس شد و جالب است که با وجود این هجرت، ماجریان پررنگی در ادبیات مهاجرت روس نداریم.

مسلم‌ها برای نویسندگان مهاجرتی که در فضای سنتی خودشان زندگی می‌کنند، ارتباط با ادبیات خارج از کشور مشکل است. به همین دلیل می‌توانیم بگوییم نمونه ناموفق ادبیات مهاجرت ایرانی بیش از موفق آن است.

با آن که پدیده تبعید یا مهاجرت کهن است، ولی ادبیات مهاجرت، پدیده‌ای نسبتاً جدید است. شروع این ادبیات از قرن ۱۶ بوده و اگر ما کاربرد واژه ادبیات تبعید را از قرن ۱۸ می‌بینیم، به آن دلیل است که پیش از آن امکانات چاپ و نشر وجود نداشته است.

گئورگ براندس، نویسنده‌ای بود که برای نخستین بار واژه ادبیات مهاجرت را تعریف کرد. در مجموع می‌توان گفت که ادبیات مهاجرت الزاماً به مکان، زمان یا خود نویسنده بستگی ندارد؛ بلکه ارزیابی آن

سخنران نشست بررسی ادبیات مهاجرت در سرای اهل قلم، ضمن برشمردن تعاریفی از مهاجرت و تبعید، روی کار آمدن نازیسم و فاشیسم را یکی از مهمترین دلایل هجرت نویسندگان در تاریخ اروپا دانست.

رضا نجفی، مترجم و نویسنده: با روی کار آمدن هیتلر، کتاب‌سوزی در آلمان آغاز شد و بسیاری از نویسندگان مجبور به مهاجرت شدند.

در اکثر موارد، ادبیات مهاجرت، ادبیات معترض است. درباره ادبیات مهاجرت می‌توان سؤالاتی مانند این را که آیا مهاجرت به معنای ترک همیشه وطن است یا مهاجرت‌های موقت را می‌توان مهاجرت تصور کرد و دیگر آن که آیا آثاری از نویسندگان که در کشورهای خودشان نوشته و در خارج از کشور منتشر شده، جزو ادبیات مهاجرت است یا خیر، مطرح کرد.

در هر حال، برخی آثار را با توجه به موقعیت و مصادیق کار می‌توانیم جزو ادبیات مهاجرت به حساب بیاوریم یا نیاوریم. مثلاً جمالزاده آثارش را در خارج از کشور نوشته، ولی این آثار در زمره ادبیات مهاجرت نمی‌گنجد چرا که اغلب کتاب‌های او یا توجه به محتوایشان، می‌توانستند در ایران هم خلق و منتشر شده باشند.

جذب شدن یا نشدن در فرهنگ جدید، موجب می‌شود که ما آثار یک نویسنده را جزو ادبیات مهاجرت بدانیم یا ندانیم. از این رو به هیچ وجه نمی‌توانیم بگوییم مهاجرت تاثیر مثبت یا منفی در کار نویسنده دارد؛ چرا که براساس روانشناسی فرد و روانشناسی قومی، همراه با شاخصه‌هایی دیگر، مهاجرت می‌تواند تاثیرات مثبت یا منفی بر کار

پهلوانان همیشه قربانی‌اند

دومین نشست «شاهنامه‌پژوهی» با موضوع «بازخوانی داستان رستم و سهراب از نگاهی دیگر» با حضور مرجان فولادوند، نویسنده، پژوهشگر و عضو هیات مدیره بنیاد فردوسی، شیرین امامی، از بانوان نقال، یاسر موحدفرد، دبیر نشست و دیگر علاقه‌مندان این حوزه در سرای اهل قلم برگزار شد.

در ابتدای این نشست، امامی داستان «آشنایی رستم و تهمینه» و همچنین «تولد سهراب» را برخوانی کرد.

مرجان فولادوند: اثر هنری خوانش‌های متعددی را می‌طلبد و این امر راز ماندگاری متن هنری است که در هر خوانش دوباره ما را شگفت زده می‌کند. ابوالفضل خطیبی در نشست پیشین گفت که رستم، سهراب را شناخته، اما او را کشته است. اما خطیبی نیز تاکید دارد که اگر چنین مسأله‌ای را در داستان «رستم و سهراب» بپذیریم، یکی از پایه‌های تراژیک داستان از بین می‌رود. بر همین اساس باید تصور کنیم که رستم، سهراب را نمی‌شناخته است. اما با نگاهی دیگر به داستان «رستم و سهراب» می‌توان نشانه‌هایی را پیدا کرد که رستم، سهراب را شناخته است.

ماجرای تولد سهراب نیز همچون تولد رستم است. همچنین رستم می‌داند که پهلوانی از ترکان به ایران حمله کرده که مانند اوست و حتی با شنیدن توصیفات از او حدس می‌زند که پسرش باشد؛ چرا که فراموش نکرده است همسر و فرزندی در سمگان دارد. حتی گردآفرید زمانی که سهراب را می‌بیند، می‌گوید او به یقین از ترکان نیست.

با وجود تمامی این نشانه‌ها، رستم با سهراب می‌جنگد و هربار که سهراب از



تنها به محتوا و ویژگی‌های خود اثر مربوط است. اثر قرار گرفته در زمره ادبیات مهاجرت، باید با آثاری که در داخل یک کشور منتشر می‌شوند، دارای تفاوت‌هایی باشد.

آمریکا و آلمان دارای ادبیات مهاجرت جدی‌اند. در آلمان بحث مهاجرت نوعی دگرگونی در ادبیات به وجود آورد که بخشی از آن محصول جنگ است. نازیسم در حوزه ادبیات مهاجرت، موجب فروپاشی ادبیات آلمانی شد. بسیاری از نویسندگان بعد از روی کار آمدن هیتلر، به دهکده‌ای در فرانسه مهاجرت کردند که این دهکده پایتخت ادبیات آلمانی نام گرفت. سابقه ادبیات مهاجرت در ایران به دوران مشروطه بازمی‌گردد و آثار نویسندگانی چون میرزا حبیب اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف و آخوندزاده در زمره ادبیات مهاجرت جای می‌گیرند. بعد از تب و تاب مشروطه و بعدها کودتای ۲۸ مرداد، به دلیل سانسور شدید، ادبیات مهاجرت ایرانی شکلی می‌گیرد. بزرگ‌علوی به خارج می‌رود و خیلی‌ها اغلب آثار او را در زمره ادبیات مهاجرت و در تبعید برمی‌شمارند. در این حال بسیاری از نویسندگان دیگر ایرانی نیز مانند جمالزاده، چوبک و هدایت به خارج از کشور رفتند و حتی در آنجا فوت کردند.

اغلب نویسندگان ایرانی در مهاجرت موفق نبودند و اکنون نیز بسیاری از داستان‌نویسانی که در خارج از کشور سکونت دارند، بهترین آثارشان را در ایران خلق و منتشر کرده‌اند.

تاثیر منفی مهاجرت بر آثار نویسندگان ایرانی، هم در وجه مضمونی و هم در ابعاد زبانی، چشمگیر است. ادبیات مهاجرت ایرانی اکنون اغلب به خاطره‌نویسی تبدیل شده. در حال امیدواریم با رشد رسانه‌ها فاصله میان ادبیات مهاجرت و ادبیات داخل کشور، کمتر شود.

اومی پرسد «تو رستم هستی» این موضوع را انکار می‌کند. از نظر اساطیری نام، نیمی از شخصیت ماست. پهلوانان در مقابل یکدیگر گاهی نامشان را پنهان می‌کردند اما در مواقعی که احساس برتری داشته‌اند برای مرعوب کردن طرف مقابل نامشان را می‌گفتند. در حقیقت نام یک ابزار بوده است.

ما با دو رستم؛ یکی رستمی که انسان و دیگری رستمی که جهان پهلوان است روبرویم. پهلوانان در تاریخ همواره قربانی‌اند. در این داستان نیز مردم در پشت رستم پناه گرفته‌اند و توقع دارند این پهلوان از آنها دفاع کند. اما این بار روح و قلب رستم است که به خاطر نجات مردم قربانی می‌شود. پهلوانان از یک سو موجوداتی برگزیده‌اند اما از سوی دیگر، به دلیل سرنوشت پهلوانی خود مجبورند رنج‌هایی را تحمل کنند.

سهراب با نیت صلح و خاتمه دادن همیشگی جنگ ایران و توران، پیدا کردن رستم و بر تخت پادشاهی نشاندن پدرش به ایران حمله می‌کند اما تنها مادرش از این هدف او آگاه بوده است. از سوی دیگر هنگامی که در مقابل لشکر ایران قرار می‌گیرد چون دشمن به رجزخوانی و تحقیر لشکر ایران می‌پردازد. بر همین اساس، رستم مجبور می‌شود با سهراب به نبرد برخیزد.

انکار وجود رستم توسط هژیر و حتی خود رستم، یکی از فرازهای تراژیک شاهنامه به حساب می‌آید. رستم به دلیل جهان پهلوان بودنش حق ندارد کشته شود؛ چراکه پناه تمام ایرانیان و کشته شدن او به معنای نابودی ایران است.

هژیر از ترس کشته شدن رستم توسط سهراب و برای زنده ماندن نام اسطوره‌ای رستم، وجود او را انکار می‌کند. رستم نیز جهان پهلوان بودن را از خود برتر می‌داند و در پاسخ به سوال سهراب مبنی بر این که تو رستمی، خودش را انکار می‌کند تا اگر شکست خورد یا کشته شد اسطوره رستم برای ایرانیان شکسته نشود.

رستم فرزندش را می‌شناسد، اما به خاطر مردمش با او می‌جنگد و سهراب به دست رستم کشته می‌شود. همان‌طور که گفتم پهلوانان همیشه قربانی‌اند. داستان «رستم و سهراب» دو قربانی دارد، رستم و سهراب دو قربانی این داستانند.

گنج نامه ولایت بیه پیش

گفتارهایی درباره گیلان خاوری، مازندران باختری، طالقان و الموت (دفتر دوم)
مؤلف: علی بالای لنگرودی/ انتشارات سبحان

چاپ اول ۱۳۸۹/۴۰۰۰ تومان

دفتر دوم «گنج نامه ولایت بیه پیش» با فاصله ۹ سال از دفتر اول منتشر شده است. این کتاب مشتمل بر هفت مقاله تحلیلی در فرهنگ مردم منطقه تاریخ «بیه پیش» است که امروز در

میان چهار استان گیلان، مازندران، تهران و قزوین قرار دارد.

مقالات ارایه شده در کتاب، مستقل از دفتر اول است و بیشتر در زمینه‌های پیشینه ادیان منطقه و گاهشماری بومی نوشته شده‌اند.

نویسنده این کتاب، علی بالای لنگرودی، که از سال ۱۳۷۲ به گردآوری فرهنگ مردم استان‌های شمالی پرداخته است، کتاب «گاهشماری در بالاطالقان» را نیز در کارنامه اش دارد. وی سال‌های پایانی دهه هفتاد را به فراگیری زبان پهلوی در بنیاد نیشابور و زیر نظر دکتر فریدون جنیدی پرداخت و فارغ التحصیل مدرسه ایتالیایی Pietro Della Valle است.

جاده سه روزه

جوزف بویدن / ترجمه: محمد جوادی
انتشارات مروارید چاپ اول ۱۳۸۹

۳۸۴ صفحه/ ۷۵۰۰ تومان

جاده سه روزه، نخستین رمان جوزف بویدن، نویسنده کانادایی است. این نویسنده که اصلیتش ایرلندی-اسکاتلندی است، سال ۱۹۶۶ در «ویلویدیل اونتاریو» به دنیا آمد. از سنین



کودکی عاشق مطالعه بود. از شش سالگی شروع کرد به خواندن دانشنامه بریتانیکایی که در کتابخانه خانه شان توجه اش را جلب کرده بود و این علاقه چند سال بعد با خواندن رمانی تخیلی از «اس.ای. هینتون» با نام «بیگانگان» به اوج خود رسید و به این ترتیب شیفته نویسندگی شد.

سرانجام با حضور در دانشگاه نیو اورلینز به رویایش تحقّق بخشید و اکنون استاد این دانشگاه است و در رشته نویسندگی تدریس می‌کند. ازدواج جوزف با همکلاسی اش، آماندا، در سال ۱۹۹۲ او را وارد مرحله جدیدی از زندگی کرد. او نیز نویسنده‌ای آمریکایی است که تاکنون چندین رمان نوشته است.

نام این کتاب از بخشی از فرهنگ و آیین سرخ‌پوستان آمریکای شمالی گرفته شده است که به مرگ و گذر از این دنیا به دنیای دیگر اشاره دارد. سبک معماگونه داستان، به ویژه در چند فصل اول که راوی مشخصی ندارد، کاربرد مونولوگ‌های فراوان و گاه مبهم، همراه با دیالوگ‌هایی میان راویان و دیگر شخصیت‌ها، تغییر مداوم زمان و مکان و نیز استفاده از توصیف‌های جزء به جزء، شیوا، بدیع و زنده، خواننده را مشتاقانه به دنبال کردن داستان ترغیب می‌کند.

در مقدمه این کتاب آمده است: «نثر کتاب که به زبان انگلیسی است، به دلیل کاربرد فعل‌ها، قیدها و صفت‌های متنوع و فراوان در جمله‌های کوتاه با هدف انتقال بیان سبک نویسنده، دارای پیچیدگی‌ها و ظرایف خاصی است. همچنین علاقه نویسنده به فرهنگ سرخ‌پوستان آمریکای شمالی و اتفاق افتادن بخشی از وقایع داستان در این منطقه و تاکید او بر

استفاده از واژه‌ها و اصطلاح‌های سرخ‌پوستی برای جذابیت بخشیدن به داستان، آن را در پاره‌ای از موارد با چالش مواجه کرده است.

بنابراین به منظور انتقال هر چه صحیح‌تر و دقیق‌تر سبک نویسنده و مفهوم دقیق معنی واژه‌ها و جمله‌ها و شیوایی آنها در فارسی از دانشنامه‌ها، فرهنگ‌ها و منابع معتبر در این زمینه نظیر بریتانیکا، انکار تا، وبستر، او.ای.دی و رساله‌های اساتید دانشگاه در زمینه فرهنگ و زبان سرخ‌پوستان استفاده شده و تحقیقات وسیعی طی یک سال در این حوزه انجام شده است.

«جاده سه روزه» تاکنون به پانزده زبان ترجمه شده و در بیش از پنجاه کشور جهان به چاپ رسیده و جوایز متعددی را هم کسب کرده و در فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان در سال ۲۰۰۵ نیز قرار گرفته است.

نام آوران/ دفتر اول

تهیه و تدوین: معصومه حسینی/ انتشارات خانه کتاب
چاپ اول ۱۳۸۹/۴۱۶ صفحه/ ۸۰۰۰ تومان

کتاب حاضر دربرگیرنده زندگینامه مختصر و ذکر عناوین آثار صد نفر از نام آوران معاصر است. اسامی این نام آوران که براساس حروف الفبا تنظیم شده نشان می‌دهد که بیشتر آنها از بزرگان عرصه علوم انسانی‌اند.

احمد آرام، سید جلال آل احمد، غلامحسین دینانی، مهدی الهی قمشه‌ای، رسول جعفریان، غلامعلی حداد عادل، حمید سبزواری، محمدرضا شفیعی کدکنی، سید محمد حسین شهریار، میر جلال الدین کزازی، سید مرتضی عسکری، علی شریعتی، ناصر مکارم شیرازی، مرتضی مطهری، محمد تقی مصباح یزدی، احمد محمود، نیماوشیخ و... برخی از نام‌آوران هستند که در جلد نخست این کتاب به زندگی و فهرست کتاب‌های آنها پرداخته شده است.

هویت ملی و ایرانی در اشعار استاد شهریار

محمد تقی سبکدل/ انتشارات ندای شمس

چاپ اول ۱۳۸۸/۳۸۳ صفحه/ ۷۰۰۰ تومان

کتاب حاضر، چنان که از نامش پیداست، به اشعاری از محمد حسین شهریار، شاعر معاصر (۱۲۸۵-۱۳۶۷) می‌پردازد که به نوعی جنبه ملی و ایرانی دارند. سبکدل در بخشی از پیشگفتار می‌نویسد: «در مورد چاپ و نگارش این کتاب این نکته ضروری است که بنده

به هنگام مطالعه دیوان کامل استاد شهریار این اندیشه در ذهنم خطور کرد که اگر بتوانم اشعار ملی و ایران دوستانه استاد را جمع‌آوری نمایم بسیار مفید و مقبول طبع خوانندگان اهل ذوق و ادب قرار خواهد گرفت، فلذا بر آن شدم تا آن دسته از اشعار ملی و



ایرانی شهریار را که نشان‌دهنده هویت ملی، ایرانی، هنری و ادبی استاد است انتخاب نمایم و بسیار مطمئن هستم که این مجموعه مورد قبول ایران شناسان قرار خواهد گرفت.»

کتاب حاضر به شش بخش تقسیم شده است. پیشگفتار، دیباچه، غزلیات، قصاید، مثنویات و متفرقات عناوین قسمت‌های این کتاب هستند.

بر لب دریای وجود/ قصه‌های مولوی

فیه مافیه، مکتوبات و مجالس سبعه

شهاب‌الدین عیسی/ انتشارات مازیار

چاپ اول ۱۳۸۹/۲۴۴ صفحه/ ۴۵۰۰ تومان

در سمرقند بودیم، و خوارزم شاه آن‌را به محاصره خود درآورده بود و می‌جنگید. در یکی از محله‌های شهر، دختری بود بی نظیر. هر لحظه می‌شنیدم که می‌گفت: «خدایا، همیشه بر تو تکیه داشته‌ام. مرا در دست این ستمگران تنها مگذار. اعتمادم به توست.»

سربازان به شهر وارد شدند و همه جا را غارت کردند و مردم را به اسارت درآوردند. خدمتکاران آن دختر نیز به اسیری افتادند. ولی دختر گرفتار نشد و نجات یافت. این یکی از نخستین حکایت‌های زندگی جلال الدین است.

در آن زمان سن اش به ده سال هم نمی‌رسید. اما روح قدرتمند او آن‌را به یاد سپرد و چند ده سال بعد، در جلسه‌های وعظ و خطابه اش برای دوستداران خویش بازگفت.

پیداست که او از همان آغاز، دست‌کم در ارتباطش با دیگران ذهنی قصه‌پرداز داشته و خیلی خوب می‌دانسته که چگونه حکایت‌های زندگی روزمره و قصه‌های کتاب‌ها را دستمایه بیان معانی مورد نظرش قرار دهد و به مدد آنها گرمی و تاثیرگذاری بیشتری به سخن خویش ببخشد.

کتاب حاضر همه قصه‌ها و حکایت‌های سه کتاب «فیه مافیه» و «مکتوبات» و «مجالس سبعه» جلال الدین مولوی را که جملگی به نثر است، دربردارد.

فلسفه و ساحت سخن

غلامحسین ابراهیمی دینانی/ انتشارات هرمس

چاپ اول ۱۳۸۹/۴۳۶ صفحه/ ۹۸۰۰ تومان

فهم فلسفی یا فکر علمی همیشه و هر جا در زبان اتفاق می‌افتد و به همین اعتبار، زبان ظهور اندیشه و سخن مظهر فکر و خرد به شمار می‌آید. وقتی از ظهور اندیشه در زبان سخن به می‌آید به ظهور عالم و جهان هستی

نیز اشاره می‌شود؛ زیرا به حکم این که علم یک حقیقت ذات اضافه به شمار می‌آید همواره به یک معلوم اشاره دارد و هرگز نمی‌توان از علم بدون معلوم سخن به میان آورد.

علم بدون معلوم و معلوم بدون علم معنی درستی



ندارد و فرض یکی از آنها بدون دیگری امکان پذیر نخواهد بود.

در این راستا، کتاب حاضر بحث‌های مفصلی را پیرامون فلسفه و ساحت سخن به میان می‌آورد. منطق و گفتار، مقالات دهگانه و کلیات پنجگانه، زبان زیر ساخت و اصول بنیادین سخن، کتاب «الحروف» فارابی یک دفتر فلسفی است یا یک نوشته نحوی؟

نقش تحمل و خرد گرایی در پیدایش علم نحو، نخستین مسأله نحوی و نقش آن در پیدایش فکر فلسفی، زبان و زمان، آیا مصدر اصل کلام است؟ نخستین مسأله مورد اختلاف میان دو مکتب مهم نحوی واضعان الفاظ - واضعان شرایع، معضل بزرگی به نام موضوعه، دو واژه علم و معرفت و تفاوت آنها با یکدیگر، نسبت علم با معلوم خود همانند نسبت وجود با ماهیت است، ممکن از آن جهت که ممکن است به حسب سرشت خود مجهول است، زبان چیزی فراتر از صرف و نحو و مجموعه واژگان است و اگر سخن نبود جهان هرگز آشکار نمی‌گشت، عناوین فصل‌های این کتاب هستند.

مسیحیت و اسلام

مصطفی ذاکری/ شرکت سهامی انتشار

چاپ اول ۱۳۸۹/۴۹۲ صفحه/ ۲۵۰۰ تومان



کتاب حاضر به بررسی و مقایسه آموزه‌های دو دین اسلام و مسیحیت براساس قرآن و کتاب مقدس می‌پردازد که بنا بر گفته نویسنده آن، نتیجه سال‌ها مطالعه و تحقیق مستند است؛ سند هر مطلبی از آیات قرآن

یا بندها و ابواب کتب عهدین بلافاصله بعد از آنها در پراکنش آمده است و علاوه بر آن، بسیاری از ایرادها و سوء تفاهمات مستشرقان و دعوات مسیحی و نظریات ضد اسلامی صهیونیست‌ها در این کتاب بررسی شده و حاوی نکات و تحقیقات بسیاری است.

لباس آدم در بهشت، چرایی اسرائیل قوم برگزیده خدا نامیده شدند؟ فلسفه نجات مسیحی و گناه اولیه، مقایسه صوری و حوزوی قرآن و تورات، مطالب مشابه قرآن و عهدین، طوفان نوح در قرآن و تورات، سن حضرت نوح، تحقیقی درباره نام استر قهرمان کتاب استر، هامان و زیر فرعون بود یا خشیارشا؟ آیا مریم خواهر هارون بود؟ معیار تشخیص حق و باطل در آموزه‌های دو دین، تثلیث یا تو حید؟ لوگوس که در ابتدای انجیل یوحنا آمده است یعنی چه؟ معجزات حضرت عیسی در قرآن و انجیل، نماز در اسلام و مسیحیت، نقش پولس در مسیحیت، صفات خدا در قرآن و عهدین و... عناوین برخی از فصل‌های این کتاب هستند.

این کتاب حاوی شش نمایه است برای اعلام، جماعات، جای‌ها، زبان‌ها، کتاب‌ها و موضوعات برای تمام محتویات کتاب منابع فارسی و غیر فارسی هم که حدود ۱۵۰ کتاب و مقاله است در آخر آمده است.

تبلیغ کتاب

نویسنده: ارنست همینگوی
ترجمه: اسداله امرانی
ناشر: نشر افق
تلفن مرکز بخش: ۶۶۴۱۳۳۶۷

مردان بدون زنان

نویسنده: فرزام شیرزادی
ناشر: نشر افق
تلفن مرکز بخش: ۶۶۴۱۳۳۶۷

سه شنبه قرقی

نویسنده: فرزام شیرزادی
ناشر: نشر افق
تلفن مرکز بخش: ۶۶۴۱۳۳۶۷



امیر کاووس بالا زاده

حمید فتح تبریزی مدیر کتابفروشی کاوه سال ۱۳۲۶ در تبریز به دنیا آمد. از دانشگاه تبریز لیسانس تاریخ گرفت. ۳۱ سال در اداره گمرک در شهرهای تبریز، بازرگان، بندرعباس و جلفا کار کرد و به افتخار بازنشستگی نائل شد. عشق به کتاب از کودکی در وجودش زبانه کشید، به طوری که آبان ماه ۱۳۴۵ در دبیرستان لقمان تبریز نمایشگاه کتاب گذاشت و آخرین شماره‌های مجلات ادبی آن روزگار را در معرض دید دیگر دانش‌آموزان قرار داد. وی تجربه انتشار نشریات ادبی را هم داشته و مجلاتی نظیر خزه، ژغن و پژواک را در روزگار دانش‌آموزی به زیر چاپ برده است. دو کتاب «جلال‌آل‌احمد؛ مردی در کشاکش تاریخ معاصر» و «صمد بهرنگی؛ افسانه‌ای که ناتمام ماند» را گردآورده و توسط نشر کاوه تبریز منتشر کرده است. تبریزی از دوران جوانی دست به قلم داشته و در مجلاتی نظیر فردوسی و روزنامه‌هایی چون کیهان و ندای هرمزگان قلم زده و اکنون نیز در روزنامه فرهیختگان، نشریات قدیم را معرفی می‌کند. وی بر این باور است که هیچ چیز مثل کتابفروشی انسان را به کتاب و مطبوعات نزدیک نمی‌کند. چون نزدیکی با اهل کتاب و هم‌سخنی با آنان فرد را در سنن بالا به دایره‌المعارف بدل می‌سازد. با او درباره کتاب و کتابفروشی، کتابفروشان تبریزی و مطالب مختلف دیگر گفت‌وگو کرده‌ایم که حاصل آن را در زیر می‌خوانید.

گفت‌وگو با حمید فتح تبریزی مدیر کتابفروشی کاوه

خریداران کتاب بسیار به من آموخته‌اند

چند سال است کتابفروشی می‌کنید؟

۸ سال است که در پاساژ صفوی مستقر شده‌ام، اما علاقه‌ام به کتاب به دوران قدیم دانش‌آموزی و بعدتر به کار در گمرک ایران بازمی‌گردد.

درس‌دانشگاهی هم خوانده‌اید؟

بله، لیسانس تاریخ از دانشگاه تبریز دارم و بهترین استادان در این رشته به ما درس می‌دادند که از جمله آنها به دکتر سیروس برادران شکوهی، دکتر حسین الیاری و رحیم‌لو، دکتر داوود اصفهانیان، دکتر حسین الیاری و بسیاری دیگر می‌توان اشاره کرد. اما بیشترین تاثیر را از دکتر علی اکبر ترابی استاد جامعه‌شناسی ام‌پذیرفتم، با او انس داشتم و به نزدش می‌رفتم. روزی شعر نو را خواندم، به جلد پرداختم و کتاب‌های شعر معاصر را برایش بردم و از آن پس بیشتر به هم نزدیک شدیم.

علاقه به کتاب از کی در شما به وجود آمد؟

از بچگی، من در خانواده تک‌فرزند بودم، پیرزنی به خانه ما رفت و آمد داشت. مادرم به او می‌گفت برایم قصه بگوید. نوع بیانش مرا به قصه‌های عامیانه سخت علاقه‌مند ساخت و فهمیدم که این قبیل کتاب‌ها را می‌توان به دست آورده و خواند. نخستین مجله‌ای که خریدم، شماره چهارم «کیهان بچه‌ها» بود و این مسأله به سال‌های ۱۳۳۳ و ۳۴ بازمی‌گردد. اولین کتابی هم که خریدم، کتاب معروف جان‌اشتاوین بک «در جست‌وجوی زمین» بود که الیا کازان فیلم معروف «زننده باد زاپاتا» را بر مبنای آن ساخت. اوایل کار بیشتر دنبال پاورقی‌های حسینیلی مستعان و غیره بودم. دوست بزرگوار می‌داریم به نام آقای فریدون قره‌چورلو که دبیر درس ادبیات بود. روزی در کتابفروشی کتاب‌هایی از این دست را نزد من دید و گفت: «این مزخرفات چیست که می‌خوانی؟ برو ادبیات معاصر را بخوان.» نخستین کتابی که از این مجموعه خواندم، «چشم‌هایش» بزرگ علوی بود که به قیمت ۵ تومان از میدان ساعت تبریز خریداری کردم. در این میدان کتابفروشی به نام یوسف آقا وجود داشت که آثار ادبیات معاصر را عرضه می‌کرد. تا پیش از ۱۸ سالگی آثار هدایت، جمال‌زاده، بزرگ علوی، حجازی و دشتی را خوانده بودم و به همین دلیل وقتی پرفسور هشتودی مقاله‌ای در رد ادبیات آن روزگار نوشت، در سن ۱۸ سالگی در ۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۴ در مجله فردوسی جوابیه‌ای با عنوان: «دکتر هشتودی بی‌انصاف هستی» نوشتم و به او پاسخ دادم و این می‌نماید که آثار نویسندگان یاد شده را در دوران تحصیل خوانده بودم. وقتی مطلب چاپ شد، استاد زنده‌یاد دکتر حسین شکویی بیک‌زاده، که دبیر جغرافیای ما بود و چند سال پیش بر اثر سرطان خون درگذشت، مرا به دفتر خواست و تشویق کرد.

مجله رودکی به چاپ رسید. از بهمن ماه پارسل هم با روزنامه فرهیختگان همکاری می‌کنم و در این روزنامه چند نشریه قدیم را معرفی کرده‌ام و به تحلیل محتوایی شان پرداخته‌ام که البته نشریات مذکور همه به انتخاب خودم بوده است.

چه شد که سراغ این کار آمدید؟

به کتابفروشی همیشه علاقه داشته‌ام و چیزی که به بسیار خرسندم می‌کند، این است که از خریداران و ارباب رجوع بسیار می‌آموزم و کتاب‌ها را می‌شناسم و این به ارضای خاطر من می‌انجامد. وقتی جوانان و کسانی را می‌بینم که از شهرستان‌های دور و نزدیک تماس می‌گیرند و کتاب‌نمایی می‌خواهند که می‌توانم تهیه کنم و برایشان بفرستم، احساس می‌کنم وظیفه‌ام را خوب انجام داده‌ام. خود من ۱۶ سال بندرعباس بودم و به کتاب و مجله کم دسترسی داشتم و در نتیجه، درد مردمی را که پول می‌فرستند و کتابی می‌خواهند می‌فهمم و به خودم می‌گویم باید به هر شکل که هست کتاب‌ها را تهیه کنم و به دست اینان برسانم و این کاری سخت ارزشمند است.

شما دستنویس‌ها و عکس‌هایی هم از مشاهیر دارید.

همین‌طور است؟

البته یک چیزهایی دارم. در آرشیوم نامه‌ها و یادداشت‌هایی از بزرگان فرهنگ ایران مثل استاد ایرج افشار و دکتر نادر وزین پور دارم. کتاب‌های امضا شده توسط استادان، پژوهشگران، نویسندگان و شعرا در مجموعه‌ام به چشم می‌خورد. عکس‌هایی از ششمین کنگره تحقیقات ایرانی که سال ۱۳۵۴ در تبریز برگزار شد، گرفته‌ام. در این عکس‌ها استادان دکتر مجتبی

جنگ جگن. جالب آن که جلال‌آل‌احمد را هم به تبریز دعوت کردیم و او در دیدار با من گفت: «رییس! از من امامزاده درست کرده‌اید. درباره این دیدار مقاله‌ای نوشته‌ام.»

از کتابفروشی تهران تبریز سخن گفتید. کمی هم در مورد این کتابفروشی بگویید.

حاج آقامطلع، مدیر کتابفروشی تهران تبریز یکی از شریف‌ترین انسان‌هایی است که در صنف کتابفروشی و ناشر دیده‌ام و البته از او بسیار آموخته‌ام. وی مردی بود که وقتی می‌دید کتابی را می‌خواهید، اما پول خرید آن را ندارید، آن را کنار می‌گذاشت و به کسی



نمی‌فروخت تا وقتی دست پر به سراغش بروید، در ۴۵ سالی که با ایشان حشر و نشر داشتم، هیچ‌گونه تقلب و خبثاتی در او ندیدم. در یکی از روزنامه‌ها صفحه‌ای در ادای دین به این مرد بزرگ درآورده‌ام.

شما نشریه‌ای هم فراهم آورده و انتشار داده‌اید؟

بله، دی‌ماه سال ۱۳۴۵ در دبیرستان لقمان تبریز نشریه‌ای به نام «جنگ خزه» با همکاری دوستان منتشر کردم که یک شماره بیشتر دوام نیاورد. این شماره به چوبک اختصاص داشت. مرحوم بهرنگی پس از دیدن آن گفته بود این آقاماهی ۱۰ هزار تومان (که در آن زمان رقم بسیار قابل توجهی بود) از شرکت نفت حقوق می‌گیرد، چرا او را مطرح می‌کنید؟ البته چوبک در ادبیات ما خیلی برجسته است، اما بهرنگی از زاویه‌ای دیگر مسأله را می‌نگریست. در هر حال دبیرستان لقمان مانع چاپ شماره دیگری شد. یکی دو سال بعد با تتی چند از دوستان به مدیریت جواد پارسایی (جاوید)، که



از آرشیبو عکس حمید فتح تبریزی از راست: استاد شهریار، اقبال السلطان، موسیقیدان برجسته و استاد باجلانلو نقاش تبریزی که آثارش در آذربایجان شناخته شده است.

اکنون در اتریش زندگی می‌کند، جنگی به نام ژغن به زیر چاپ بردیم. از آنجاکه معنای واژه ژغن فریاد سهمناک است، مقامات ساواک به آقای پارسایی گفته بودند که اگر می‌خواهید شماره‌های دیگری منتشر کنید، باید نام نشریه را برگردانید. از این رو، شماره‌های دوم و سوم نشریه با نام «پژواک» انتشار یافت که در شماره اول و سوم شعر دارم. از شماره دوم - پژواک - استقبال خوبی شد و در پی آن آقای بیژن اسدی پور مدیر انتشارات کتاب نمونه پیشنهاد چاپ دوم آن را دادند که البته انتشار پیدا کرد و به سرعت به فروش رسید.

چه مجلاتی را به صورت دوره‌ای دارید؟

نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه‌های تهران و تبریز و تربیت معلم، اصفهان، پیام نوین، نقد نو، آینده، سیمیا، کیهان ویژه هنر و ادبیات (پیش از انقلاب)،

بخارا، کلک و غیره البته ارمغان را هم دارم که چند شماره ناقص است.

نکته‌ای که در مورد شماره‌های نایاب یا کمتر موجود نشریات و دلیل آن باید ذکر کنم، این است که مجموعه «راهنمای مجلات ایران» که به همت سرکار خانم پوری سلطانی انتشار می‌یابد برخی نکات و مسایل را نمی‌تواند توضیح بدهد. ما باید نشریه‌ای داشته باشیم که اطلاع دقیق بدهد که مجلات مختلف کی درآمده‌اند و کی انتشار آنها متوقف شده و توضیح دهد که چرا برخی شماره‌ها ناپایند. به عنوان نمونه، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم سال‌های سال انتشار می‌یافت و یک شماره‌اش را پیدانمی‌کردم تا دوره را کامل کنم، یک روز با دکتر نادر وزین پور بودیم. به ایشان مسأله را گفتم و توضیح دادم که چند بار نامه نوشته‌ام تا این شماره را برایم بفرستند و ترتیب اثر نداده‌اند. گفت: حتما اقدام می‌کنم. بالاخره مجله را فرستادند و ما دریافتیم این شماره در روز خاصی که پنجمین کنگره جغرافی دانان تشکیل شده، به چاپ رسیده و فروشی هم نبوده است. یعنی در یک روز پخش شده و توزیع عمومی نداشته است و بعد از سال‌ها این شماره را برایم فرستادند و موضوع را دریافتیم. خوب، چنین مسأله‌ای در هیچ مجله راهنمایی چاپ نمی‌شود و از این بابت متأسفانه سخت فقیریم و اطلاعات ما در مورد نشریات کم است. درباره نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز که بیش از نیم قرن سابقه دارد، نکته ظریف این است که حتی خودشان نمی‌دانند در سال دوم چند شماره درآورده‌اند و در فهرست مقالات این نشریه نوشته‌اند: «در سال دوم ۵ یا ۶ شماره منتشر شده است.» و خود دانشکده نمی‌داند سایر نشریات قابل تعمیم است. نکته دیگر این که فصلنامه‌ای به نام «فرهنگ کرمان» منتشر می‌شده و شاید می‌شود که آدرس ندارد و دلم می‌خواهد دوره‌اش را جلد کنم، اما نمی‌دانم چند شماره انتشار یافته است. فقط می‌دانم در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده که آنجا هم جواب درستی نگرفتیم.

چه شد که به پاساژ صفوی آمدید؟

من سال‌های درازی مشتری و دوست خانوادگی آقای آذری بودم و مجلات زیادی از ایشان می‌خریدم و رابطه ما به روابط خانوادگی بدل شده بود. پیش از بازنشستگی اصرار داشتم در این پاساژ مغازه‌ای داشته باشم. الان می‌فهمم در عالم کتاب و مطبوعات هیچ چیز مثل کتابفروشی انسان را به کتاب و مطبوعات نزدیک نمی‌کند. اگر این شغل را نداشته باشید، امکان ندارد کتابشناس شوید. صرف خواننده بودن این امکان را در اختیار قرار نمی‌دهد. شما وقتی می‌روید و کتاب و مجله‌ای می‌خرید، خود به خود بررسی می‌کنید و می‌فهمید که مثلاً کتاب «مکتب حافظ» مرحوم دکتر منوچهر مرتضوی قبلاً به شکل پاورقی در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز چاپ شده است. به هر حال، کتابفروشی شغلی است که شخص را با کتاب و مطبوعات نزدیک می‌کند، زیرا شما دائماً با اهل علم و کتاب‌دو مراد و آید و این روز در سنن بالا دایره‌المعارف می‌شوید و می‌توانید به پرسش‌ها پاسخ بدهید. پیش از آمدن به این شغل یا خود می‌اندیشیدم که کتابفروش‌ها این همه معلومات را از کجا می‌آورند و نمی‌دانستم به این شکل می‌توان به مطالب لازم دست یافت.



مهرناز مهاجری

کانون اصلاح و تربیت، پذیرای نوجوانانی است که قربانی بی توجهی های اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی اند. آنان در سنینی که درک چستی جرم برایشان چندان میسر نیست، مجرم شناخته می شوند و در نتیجه آنها را به جای زندان به کانون اصلاح و تربیت می فرستند، چرا که امیدواری بسیاری برای اصلاح شخصیت تثبیت نشده آنان وجود دارد. طبق نظر کارشناسان، مطالعه یکی از بهترین راه ها برای اصلاح و تغییر رفتار است و می توان از آن به شیوه ای مطلوب برای اصلاح مددجویان بهره گرفت. برای اطلاع از توجه و فعالیت های کانون اصلاح و تربیت در حوزه کتاب، با علی رستمی، مدیر این کانون در تهران گفت و گو کرده ایم.

گفت و گو با علی رستمی، مدیر کانون اصلاح و تربیت استان تهران

حکایت کتابخوانی مددجویان

آیا کانون اصلاح و تربیت کتاب را به عنوان عاملی برای اصلاح نوجوانان و کودکان مددجو در نظر می گیرد و کتابخوانی را در برنامه های خود گنجانده است؟

مسئولان کانون همواره چنین عاملی را در نظر گرفته و توجه به کتابخوانی را در فعالیت هایشان قرار داده اند که کتابخانه مجهز کانون و گنجاندن کتابخوانی در برنامه های آموزشی مؤید همین مطلب اند. مددجویان کانون مطابق عملکردهایشان امتیازهایی می گیرند و مطالعه هم یکی از راه های امتیاز گرفتن آنهاست. در نتیجه باید گفت که این اقدامات تاکنون تأثیرات غیر قابل انکاری داشته اند؛ همچنین کتابخانه باز نیز در محل اسکان بچه ها در دسترس آنهاست. علاوه بر کتابخانه ای که مورد استفاده مددجویان است؛ در سالن ملاقات نیز کتابخانه ای برای استفاده والدین و ملاقات کنندگان هنگام انتظار وجود دارد.

چگونه مددجویان را به مطالعه سوق می دهید؟

سن نوجوانان حاضر در کانون زیر هجده سال و این مقطع، سن آموزش است. افراد در چنین سنی ذهن پذیراتری نسبت به بزرگسالان دارند. کارشناسان فرهنگی و روان شناسان کانون هنگام ورود مددجویان به این مرکز، اطلاعات کامل درباره فعالیت های فرهنگی کانون را به آنان ارایه می کنند، اما مددجویان برای فعالیت در بخش های مختلف مختارند. این کانون نیز ویژگی های یک جامعه را داراست اما در ابعاد کوچک تر، همان گونه که شاید تنها بخشی از افراد یک جامعه علاقه مند به مطالعه باشند، در کانون اصلاح و تربیت هم وضع به همین روال است و عده ای به مطالعه علاقه مند می شوند.

این عده قابل توجه اند؟

بله، می توان چنین ادعایی کرد. بچه ها از ساعت هشت تا دوازده ظهر باید آموزش های کلاسیک ببینند و دوازده ظهر به بعد وقت آزادشان به حساب می آید که در این مدت تعداد قابل توجهی از مددجویان تقریباً بیش از پنجاه درصد در نمازخانه و خوابگاه از کتاب های در دسترس استفاده می کنند یا روزنامه هایی را که هر روز در اختیارشان قرار می دهیم مطالعه می کنند.

مسئولان فرهنگی کانون چه اقداماتی برای ایجاد انگیزه در مددجویان برای مراجعه به کتابخانه و استفاده از آن انجام می دهند؟

پاسخ به این سوال، نیازمند توضیحی درباره برنامه کتابخوانی دارد. طبق یکی از این برنامه ها، بچه ها پس از مطالعه کتاب، برداشت های خود را از آن کتاب می نویسند که این برداشت ها در نشریه داخلی «خانه من» چاپ می شوند. ایجاد چنین انگیزه هایی در مددجویان برای استفاده از کتابخانه ضروری است زیرا در محیط بیرونی زندگی و خانوادگی این قشر علاقه به کتابخوانی مطرح نبوده، به همین دلیل بسیاری از آنان ممکن است در ابتدای ورود به کانون با مطالعه بیگانه باشند، اما به تدریج که کتاب های متناسب با سن شان پیدا می کنند و به مفید بودن آن پی می برند، به سوی آموزش و کتابخوانی کشیده می شوند. این ذات بشر است که وقتی از فایده چیزی آگاه می شود به آن روی می آورد. برای مددجویان کانون هم انگیزه هایی مثل تغییر رفتار برای گرایش به مطالعه وجود دارد.



بیشتر چه کتاب هایی در کتابخانه کانون قرار می گیرند؟ آیا کتاب هایی با محتوای خاص برای این قشر در نظر گرفته شده است؟

کتابخانه عمومی و مجهز کانون در رشته های مختلف مانند رمان، جامعه شناسی، دین، فلسفه و جغرافیا کتاب دارد بنابراین هر کتابی در آن پیدا می شود، حتی دانشگاهی. البته رشته روان شناسی تعداد بیشتری از منابع را به خود اختصاص داده است. بیشتر این کتاب ها متناسب با سن پانزده تا هجده سالند و می توان گفت چندان بر موضوع خاصی در کتاب ها تأکید نداریم، اما بیشتر سعی می کنیم کتاب هایی در اختیارشان قرار دهیم که مطالعه آنها به تغییر رفتار و آموزش مهارت هایی که در آینده به آن نیاز دارند کمک کند.

تاکنون باز خورد مستقیمی از تأثیرات مثبت کتابخوانی در مددجویان دیده اید؟

کارشناسان فرهنگی بر کتابخوانی مددجویان نظارت دارند و باز خورد های کار را به مدیریت گزارش می دهند. بیشتر امتیازها نظیر عفو برای مددجویانی در نظر گرفته می شود که در کتابخوانی و سایر فعالیت های فرهنگی شرکت داشته باشند، بنابراین باز خورد کار و تأثیرات آنها همواره ارزیابی می شود. به عنوان مثال یکی از مددجویان که به جرم سرقت و اعتیاد به کانون آمده بود به کلاس های دارالقرآن کانون علاقه مند شده و در آن شرکت می کرد. عده ای از مددجویان تأثیر زیادی از چنین برنامه هایی می پذیرند، به طوری که یکی از آنان هنگام آزادی می گفت می خواهد چند جزء دیگر از قرآن را حفظ کند و بعد آزاد شود.

با چه معضلی در جذب مددجویان به کتابخوانی مواجه اید؟

بیشترین بخش این معضل مربوط به شرایطی است که این افراد در آن رشد و زندگی کرده اند. اغلب آنان دور از محیط های آموزشی یا کتابخوانی به دلیل ترک تحصیل یا هر دلیل دیگری بوده اند بنابراین مشکل اصلی کانون در مرحله نخست، بازگرداندن مددجویان به سیستم آموزشی است، زیرا آنان با شرایط خاص بیرون درگیر بوده اند که آنان را از آموزش بسیار دور کرده است. آنان هنگامی که با محاسن آموزش آشنایی می شوند و درمی یابند که

این فعالیت ها بخشی از برنامه های اینجاست که با شرکت در آن امتیاز به دست می آورند، طبیعی است به شرکت در آنها علاقه مند می شوند.

با چه کمبودهایی در اجرای فعالیت های فرهنگی و آموزشی رو به رو هستید؟

کافی نبودن فضاهای آموزشی بزرگ ترین کمبود است. البته با افزایش بهای کتاب ها، در تأمین و تجهیز کتابخانه و خرید منابع جدید نیز با مشکل مالی مواجهیم. به جز این دو مورد می توان گفت در این زمینه کمبود خاص دیگری را احساس نمی کنیم.

معمولاً مددجویان کانون مدت زیادی را در اینجا نمی گذرانند و بیشتر آنان از یک تا شش ماه در این مرکز نگهداری می شوند. این موضوع چه مشکلاتی را در برنامه های فرهنگی ایجاد می کند؟

شناور بودن آمار، ارزیابی اثرات کتابخوانی بر مددجویان رادشوار می کند. اما طبق گزارش مسئولان فرهنگی، استفاده از کتابخانه و کتاب خوانی در آن دسته از مددجویان که اقامت متوسط یا بلندمدت تری در کانون دارند، تأثیرات مثبتی را سبب شده است.

مددجویان بیشتر چه کتاب هایی را برای مطالعه انتخاب می کنند؟

رمان، کتاب های روان شناسی، تاریخی و عده ای نیز به موضوعات دین علاقه دارند. البته مباحث روان شناسی به دلیل آموزش مهارت های اساسی زندگی ممکن است مددجویان را بیشتر به مطالعه ترغیب کند.

کتاب های کتابخانه کانون با چه معیاری و از سوی چه افرادی انتخاب می شوند؟

کانون در نمایشگاه تمام سال ها کتاب هایی را خریداری می کند و نیازسنجی برای خرید این آثار بیشتر از سوی روان شناسان مرکز انجام می شود. این کارشناسان طبیعتاً کتاب هایی را تهیه می کنند که مورد تأیید آنان باشد. بخشی از کتاب ها نیز از سوی کارشناسان فرهنگی انتخاب می شوند. درباره معیار انتخاب کتاب ها هم باید گفت که به طور قطع کتاب هایی خریداری می شوند که با روحیه و شرایط مددجویان تناسب داشته باشد.

همان گونه که گفتید بیشتر مددجویان در محیط نامناسب فرهنگی رشد کرده اند. با توجه به این موضوع آیا نمی توان بر دوام تأثیرگذاری آموزش های فرهنگی کانون بر آنها شک کرد؟

مددجویان این کانون سنین دوازده تا هجده سال را شامل می شوند. آنان در سنی قرار دارند که الگوهای رفتاری شان راحت تر تغییر می پذیرند. نوجوانان مانند نهال در حال رشدند و به همان سمتی که هدایت شوند، رشد می کنند. آنان بر خلاف بزرگسالان به تثبیت شخصیتی نرسیده اند و بنابراین اصلاح شخصیت آنان بسیار آسان تر است.

از سوی دیگر، همه این مددجویان انسان اند و تمامی انسان ها قابل اصلاح و بازپروری اند. امروزه پلاستیک هم با یافت می شود بنابراین چنین فرآیندی برای انسان نیز امکان پذیر است. اگر آموزش ها به اصلاح منجر نشوند، مشکل در برنامه ها و نحوه اجرای آنهاست. کج رفتاری اجتماعی هرگز ذاتی نیست و عوامل بسیاری مانند ضعف فرهنگی و اجتماعی و ضعف آموزش در خانواده سبب بروز رفتارهای ضد اجتماعی می شوند.

یادداشت

دکتر علیرضا عابدین
نویسنده و عضو هیات علمی
دانشگاه شهید بهشتی



کتاب درمانی، شیوه ای کارآمد در اصلاح نوجوانان بزهکار



کتاب درمانی یا قصه درمانی، یکی از فنون و زیرمجموعه های «بیبلیوتراپی» - از روش های روان درمانی - است و امروزه برای درمان بسیاری از مشکلات روحی و روانی استفاده می شود. این شیوه، به ویژه در دهه های اخیر محبوبیت فراوانی یافته است، چرا که به اصطلاح روان شناسان، نسبت به دیگر روش ها، تهاجم کمتری دارد و با روندی آرام، تأثیری زیروستی بر مخاطبانش می نهد.

سال هاست که در برخی کشورهای توسعه یافته، سفرهایی برای جوانان و نوجوانان مجرم به طور خاص ترتیب داده می شود که طی آن این نوجوانان روزهایی را همراه با مددکاران در خارج از شهر می گذرانند. در این سفرها، کتاب درمانی به عنوان نوعی از مداخله درمانی به کار گرفته می شود و طبق تحقیقات، این روش به ویژه درباره نوجوانان بزهکار نتیجه مطلوبی دربرداشته است.

بیشتر کتاب های مورد استفاده در این روش، آثاری داستانی اند و هر چه قهرمان این داستان ها بیشتر قابل همانندسازی و همذات پنداری برای مخاطبان باشند، اثرگذاری بیشتری خواهند داشت، زیرا مددجو هنگام مطالعه احساسات و هویت قهرمان داستان را همانند با خود خواهد یافت و در نتیجه تأثیر عمیق تری از داستان دریافت خواهد کرد.

بدیهی است که جذابیت و کشش کتاب هایی که برای مطالعه در اختیار مددجویان قرار می گیرد، تأثیر بسزایی در روند اصلاح آنان خواهد داشت. به عنوان مثال اگر این داستان ها فرآیندی که به گره گشایی ختم می شود را توصیف کنند، نوجوان مددجو بسیار آسان تر به خواندن آن تا انتها جلب خواهند شد و در نتیجه روش درمان پاسخگو خواهد بود.

نوشتن کتاب های ویژه مددجویان نیز از دیگر موارد شایان توجه در این روش است، زیرا تأثیرات کتاب درمانی را در چندان خواهد کرد. تاکنون حد ناچیزی از این روش در ایران استفاده شده است، در حالی که با توجه به نیاز نوجوانان مددجو می توان به طور کاربردی تر و دقیق تری از این ابزار بهره گرفت.

برای شکل دادن به رفتاری ابتدا باید گام های کوچک تری برداشت. به همین منظور می توان با کتاب های داستان کوتاه تر کار را آغاز کرد. تشویق و در نظر گرفتن امتیاز نیز در این مسیر بی تأثیر نخواهد بود. نکته دیگر این که برای شروع باید از کتاب های قطور دوری کرد تا شوق خواندن داستان هایی که زود به نتیجه می رسند در مددجویان بیدار بماند.

انسان ها به طور طبیعی به افزایش علم علاقه مندند، در واقع اگر به این موضوع علاقه مند نباشند غیرطبیعی است که به آن بپردازند. بیگانه بودن مددجویان با کتاب ریشه در بافت فضایی دارد که در آن رشد کرده اند اما اگر همین افراد در محیطی مساعد قرار گیرند تحت تأثیر قرار گرفته و به کتابخوانی روی می آورند، بنابراین همواره باید بر کتاب درمانی به عنوان شیوه ای کارآمد در اصلاح نوجوانان بزهکار حساب کرد.

گزارشی درباره تاریخچه و روند نقد نویسی تئاتر در ایران

کتاب‌هایی برای جراحی اجرا

دارد. این کانون که سازمانی غیردولتی است، هر دو سال اعضای خود را مشخص می‌کند و از دو سال پیش تاکنون، کتابیون حسین زاده، برای دومین بار به عنوان عضو هیأت مدیره آن انتخاب شد. کانون ملی منتقدان تئاتر که زیر نظر آن فعالیت می‌کند، در سال ۱۳۶۹ برای تقویت فضای نقد و اعتدالی تئاتر کشور و حمایت از تشکل‌های تئاتری راه‌اندازی شد.

در سال ۱۳۷۰ مجله نمایش، ویژه‌نامه‌ای با عنوان نقد تئاتر را منتشر کرد که به اصول متدلوژیک نقد به عنوان یک رشته هنری پرداخت و کانون ملی منتقدان تئاتر ایران از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ به مناسبت جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، نشریه‌هایی را منتشر کرد که آثار اجرایی را مورد نقد و بررسی قرار دادند. از کتاب‌هایی که به معرفی نظریات و مقاله‌های مرتبط به نقد نویسی و آثار نمایشی پرداخته و منتشر شده‌اند، می‌توان به «ادبیات نمایشی در ایران» اثر جمشید ملک‌پور، «نقد تئاتر» اثر واردن اروینگ با ترجمه عباس منطقی، «۱۸ سال نقد تئاتر» به کوشش منوچهر اکبرلو، «نقد تئاتر از نظر تا عمل» اثر فرشید ابراهیمیان و «سیر نقد تئاتر در ایران» اثر همایون علی‌آبادی اشاره کرد. همچنین مجلات «نمایش» و «صحنه» به طور ثابت و بعضی از نشریات دیگر به طور پراکنده، نقد نوشته‌هایی را به چاپ می‌رسانند.



و ارسالن پوریا در سال ۱۳۳۶ خورشیدی مطالبی درباره درام و جنبه‌های نمایشی شاهنامه نوشته است.

کانون ملی منتقدان تئاتر و آثار مکتوب حوزه نقد

کانون بین‌المللی منتقدان تئاتر (I.A.T.C) که زیر نظر سازمان علمی، فرهنگی یونسکو است، در سال ۱۹۵۴ تأسیس شد و مقر آن در پاریس قرار

مطبوعاتی و حرفه‌ای اند که حد فاصل مخاطب و اجرا قرار دارند. اینان علاوه بر نشریات تخصصی و همگانی، نظریات خود را به صورت کتابی مستقل نیز به چاپ رسانده‌اند که می‌توان از یوجنیو باربا، ریچارد شچنر و کنث تینان نام برد.

در هر صورت، نقد تئاتر که به شکل یک رشته هنری نمود یافته، به ویژه از قرن هجدهم باعث به وجود آمدن جنبش‌ها، جریان‌ها و سبک‌های جدید و تجربی شد که ناگزیر دست اندرکاران هنر نمایش دنباله‌رو آن بودند.

نقد می‌تواند معیارهای صحیح و ناصحیح آثار نمایشی را برای آیندگان نیز با توجه به نوع تفکرات و شیوه اجرایی یک اثر در دوره‌ای مشخص، نمایان و روند تغییر پذیری تئاتر را بررسی کند و منتقد می‌بایست نگارش درست، شناخت تئاتر و انواع نقد را در آثارش لحاظ کند.

تاریخچه نقد نویسی تئاتر در ایران

با افتتاح مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ (ه.ق) و ترجمه نمایشنامه «گزارش مردم گریز» اثر مولیر توسط میرزا حبیب اصفهانی در سال ۱۲۸۶ (ه.ق) و ایجاد تماشاخانه‌ای به سبک اروپایی در سال ۱۳۰۳ (ه.ق) توسط میرزا علی‌اکبر خان مزین الدوله نطنزی، نقاشباشی ناصرالدین شاه، تئاتر به شیوه اروپایی وارد ایران شد. همان‌گونه که نقد به موازات هنر نمایش در طول تاریخ شکل گرفت، می‌توان نقد نوشته‌های میرزافتحعلی آخوندزاده را شروع نقد نویسی تئاتر قلمداد کرد که همزمان با ورود تئاتر به ایران، به عنوان نخستین نمایشنامه نویس و منتقد تئاتر، آثارش را به زبان ترکی آذربایجانی نوشت. آخوندزاده که تحت تأثیر بلینسکی، منتقد روسی بوده، کربتیکا را در درام بررسی کرد و بین سال‌های ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۳ (ه.ق) شش نمایشنامه و یک داستان نوشت که در روزنامه قفقاز و تفلیس چاپ شدند. سپس میرزا جعفر قراچه داغی آنها را ترجمه کرد که در سال ۱۲۹۱ (ه.ق) با عنوان «تمثیلات» در یک مجلد به چاپ رسید.

امانخستین کسی که به زبان فارسی، پنج نمایشنامه نوشت و آخوندزاده طی مکاتباتی، آثار او را نقد کرد، میرزا آقا تبریزی بود که مطالبی را نیز به شکل سوال و جواب با عنوان «در نتیجه نگارش کتاب» نوشت و دیدگاه‌های خود را مطرح کرد. محمد امین رسول‌زاده، عدل‌الملک و خان‌ملک ساسانی از منتقدان دوره مشروطه به شمار می‌روند

نقد تئاتر اگرچه با نظریه‌های آریستوفان و افلاطون بروز پیدا کرد، اما با اثر ارزشمند ارسطو به نام «هنر شاعری» (poetics)، در حدود سال ۳۳۵ پیش از میلاد آغاز شد تا این که از نیمه دوم قرن هجدهم دچار تغییرات زیادی شد. سپس با پیدایش پدیده هنر کارگردانی در سال ۱۸۷۴ توسط دوک ساکس مینینگن شکل کاربردی تری به خود گرفت و تئاتر را دچار چالش‌های فراوانی کرد.

ویژگی‌های نقد و منتقد

نقد در لغت به معنای جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره و تمییز دادن خوب از بد است و در اصطلاح ادبی، تشخیص محاسن و معایب سخن و آثار ادبی است. اما در اصطلاح نمایشی، معادل کربیتیسیسم (criticism) قرار می‌گیرد. کربیتیسیسم (critic) به معنای منتقد، به کسی اطلاق می‌شود که تشخیص دهنده و داور است و ضابطه مند و براساس معیار قضاوت می‌کند.

از دیدگاه واردن اروینگ، منتقد انگلیسی، سه نوع نمایشنامه ملاک بررسی منتقد است که شامل متون کلاسیک، تاریخی و جدید می‌شود. فرشید ابراهیمیان در کتابش با عنوان «نقد تئاتر، از نظر تا عمل» انواع نقد تئاتر را چنین طبقه‌بندی می‌کند؛ ساختارگر، تفسیری، آرکیپال، مضمونی، تکوینی، نشانه‌شناسانه، روان‌شناسانه و توصیفی.

نقد در نگاه کلی تر، می‌تواند بر مبنای نقد لغوی، فنی و زیبایی‌شناسانه که جنبه لفظی و ساختاری دارد و نیز نقد اخلاقی، تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی، که محتوا و درونمایه اثر را بررسی می‌کند، شامل شود.

دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی، منتقدان تئاتر را پنج دسته برمی‌شمارد؛ دسته نخست کسانی که دست اندرکار هنر نمایش نیستند، بلکه فیلسوف، متفکر اجتماعی یا ادیبند که می‌توان به افلاطون، دیدرو، نیچه، برگسون، هگل و شوپنهاور اشاره کرد که به دلیل اهمیت هنر نمایش، نظریه‌هایی را ابراز داشته‌اند، چرا که منتقد و نظریه پرداز مترادف هم به کار می‌روند.

دسته دوم، ادبا و متفکرانی اند که از حوزه ادبیات و ادبیات نمایشی به نقد هنر نمایش و جنبه‌های ادبی آن پرداخته‌اند و نمایشنامه‌رأمتی ادبی‌انگاشته و از منظر ادبیات به آن توجه نشان داده‌اند. ارسطو، هوراس، ویلیام هزلیت، گوستاوفری تگ و مارتین اسلین در این گروه‌اند.

دسته سوم، نمایشنامه نویسانی اند که درباره تئاتر و ادبیات نمایشی به دلیل دفاع از آثار خود یا سلیقه‌ها و اسلوب‌های نمایشنامه نویسی، نقد نوشته‌اند. بن جانسون، لویه دوگا، پیر کرنی، ژان راسین، ولتر، ویکتور هوگو، استریند برگ، برنارد شو، ویلیام باتلر ییتز و آرتور میلر از این دسته‌اند. دسته چهارم منتقدان و نظریه پردازانی اند که به آنها تئاتریکال رفرورمر (theatrical reformer) می‌گویند که شکل تئاتر را براریخت‌های نو، دگرگون کرده‌اند. تئاتریکال رفرورمر از نیمه دوم قرن نوزدهم با دو اثر «کار هنری آینده» و «هدف اپرا» نوشته ریچارد واگنر تا سال‌های ۱۸۷۳ که امیل زولا «ناتورالیسم بر صحنه تئاتر» را نوشت، پدیدار شد. این دسته در دو گروه ادبی و اجرایی قرار دارند که ایسن، مترلینگ، پیراندللو، مایا کوفسکی، ویتکیه ویچ، برشت و بکت در گروه ادبی و آنتونین آرتو، آبیاء کریگ، استانیسلاوسکی، مایر هولد، پیکاتور و گروتوفسکی در این گروه اجرایی جای می‌گیرند و دسته پنجم نیز منتقدان

باسمه تعالی

فراخوان ناشران کتاب سراسر کشور
مؤسسه فرهنگی متادی تربیت
وابسته به معاونت پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش
با همکاری
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
در سال همت مضاعف و کار مضاعف
سیزدهمین دوره‌ی طرح
۴۰.۰۰۰ نمایشگاه کتاب در ۴۰.۰۰۰ مدرسه
را در ۷۰۰ منطقه‌ی آموزش و پرورش کشور
هم زمان با هفته‌ی کتاب برگزار می‌کند
ناشران محترم میتوانند به منظور مشارکت در این طرح ملی با توجه به
زمان اعلام شده به نشانی زیر مراجعه نمایند.
مخاطبین کتاب: دانش آموزان و فرهنگیان
زمان مراجعه:
۱۴ تیرماه لغایت ۷ مرداد ماه
۸ صبح الی ۱۶ بعدازظهر (به جز ایام تعطیل)
ارایه یک جلد از هر عنوان کتاب منتشر شده سال ۸۶ به بعد
به دبیرخانه مؤسسه الزامی است.
برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن‌های ۸۸۸۹۴۲۹۱-۸۸۸۰۹۷۸۷ تماس
و یا به سایت مؤسسه WWW.Monadi.Org
جهت دریافت فرم مراجعه فرمائید.
نشانی: تهران، خیابان استاد نجات‌اللهی، کوچه‌ی بیمه، پلاک ۲۶



مروری بر «ارتباطات و آگاهی» اثر محمد حسن زورق

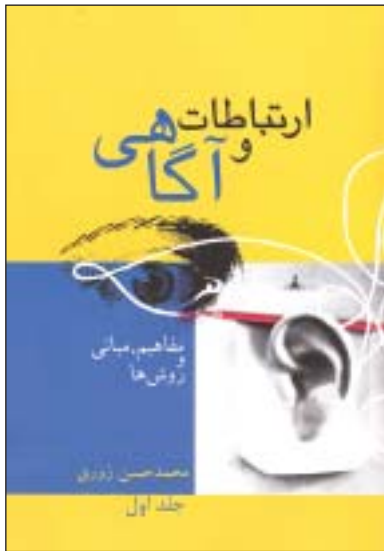
ارتباط و آگاهی؛ رابطه میان رسانه و سیاست

آغاز بخشی با نام «جهان سوم و ارتباطات بین‌المللی» است، بر خود لازم دانسته تا تعریفی از عبارت جهان سوم عرضه کند: «از نظر علمی نمی‌توان تعریف مشخصی از «جهان سوم» ارائه داد. اصولاً اختراع این اصطلاح معلول پیدایش نظام دوقطبی پس از پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم است... ولی امروزه معمولاً به کشورهای در حال توسعه نیز، کشورهای جهان سوم گفته می‌شود.

استفاده مکرر مولف از عبارت دیگری چون «کشورهای مادر» و «قدرت‌های بزرگ جهانی»، نشان از دیدگاه او در مقوله ارتباطات دارد. دیدگاهی که از احاطه کامل برخی از کشورها به ابزار رسانه‌ای انتقاد دارد. زورق در بخشی از کتاب تأکید دارد که کشورهای جهان سوم با این که ۸۰ درصد از جمعیت جهانی را تشکیل می‌دهند، اما کمتر از ۱۰ درصد امواج رادیویی و تلویزیونی جهان را در اختیار دارند.

واضح است که هدف مولف شرح چرایی و چگونگی این نابرابری ارتباطی است تا از این رهگذر، مخاطبان کتاب که اغلب از قشر دانشگاهی‌اند، با دید مناسبی وارد عرصه فعالیت برای رفع این تبعیض در جهان ارتباطات شوند. مقوله‌ای که به باور مولف به تغییر قدرت در جهان نیز خواهد انجامید: «در عصر دموکراسی، هر کس رأی مردم را ببرد، گوی قدرت را برده است و کسی می‌تواند رأی مردم را ببرد که بر اندیشه آنها تأثیر بگذارد.»

«ارتباطات و آگاهی» پیش‌تر در سال ۸۶ توسط دانشکده صداوسیما منتشر شده و کتاب حاضر که توسط نشر سروش به طبع رسیده، در واقع چاپ دوم جلد اول این اثر است. کتاب ۴۴۸ صفحه دارد و در دو هزار نسخه منتشر شده است. قیمت ۹ هزار تومان برای فروش عمومی «ارتباطات و آگاهی» در نظر گرفته شده است. این اثر جنبه‌ای کاملاً دانشگاهی دارد، برای مخاطب خاص منتشر شده و احتمالاً پیش از آن که در کتابفروشی‌ها فروش عمومی داشته باشد، در کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها به کار خواهد رفت.



را مطرح می‌کند؛ مفهومی که معنی آن از نظر مولف همان امر به معروف و نهی از منکر است و به موجب آن، امت اسلام باید خود امتی نمونه برای جهانیان باشد و مردم جهان را از طریق ارتباطات به دانش، آگاهی، نیکی و مهر دعوت کند. زورق در این فصل ضرورت ارایه‌الگوهای اسلامی را می‌کاود، به تبلیغات و خداجویی و اندیشه‌ورزی در تبلیغات اسلامی می‌پردازد و رسالت، اهمیت و استراتژی تبلیغات اسلامی را مورد بحث قرار می‌دهد.

مولف همچنین در بررسی اکثر مباحث کتاب، یک عنصر مهم را می‌کاود و آن، رابطه جهان سوم و جایگاه این کشورها در دورنمایی است که در کتاب ترسیم شده. هر چند منظور مولف مشخص است، اما عبارت «جهان سوم» به نظر عبارتی منسوخ شده است و اکنون در تکاپوی توسعه و پیشرفت کشورها، دیگر نمی‌شود به راحتی بخشی از جهان را جدا کرد و «جهان سوم» نامید. در میانه‌های کتاب، هنگامی که مولف درصدد

دورنمایی که زورق از جهان ارتباطات ترسیم می‌کند، شامل مباحث مهم و قابل توجهی است که رابطه سازمان‌ها و انسان‌ها، افکار عمومی و نقش رسانه‌ها در آن، فرآیند توزیع اطلاعات، کارکرد ارتباطات بین‌المللی و ادبیات ارتباطاتی در این مقوله می‌گنجد. ۱۲ فصل کتاب علاوه بر دورنمای جهانی ارتباطات، مفاهیمی چون ارتباط‌شناسی، نظریه و سیستم‌های ارتباطی و تبلیغات ملی (ایرانی) و جهانی، مهندسی فرهنگی، مدیریت استراتژیک سازمان‌های ارتباطی و مباحث مربوط به ارتباط تخریبی و جنگ روانی را دربرمی‌گیرد. فصل پایانی کتاب نیز که حسن ختام و البته نقطه قوت آن است، به استراتژی ارتباطی جهان اسلام می‌پردازد.

مولف در صفحات آغازین کتاب، به نقل از مولفان کتابی با نام «مدیریت به وسیله ارتباطات» مخاطب را متوجه یک واقعیت انکارناپذیر می‌کند: «قلم بردارید و نام نهادها و سازمان‌هایی که عضو آنها هستید، مدرسه یا دانشکده‌ای که در آن درس می‌خوانید، شهری که در آن زندگی می‌کنید، باشگاهی که در آن ورزش می‌کنید، انجمن مذهبی که در آن عضویت دارید و... (را روی کاغذ بیاورید)». زورق جهان امروز را یک سازمان بزرگ می‌داند و تأکید دارد در چنین جهان پیچیده‌ای که در آن سازمان‌ها، انسان‌ها را احاطه کرده‌اند، ارتباطات حرف اول را می‌زند.

از مباحث قابل توجه اثر محمد حسن زورق، پرداختن به بحث استراتژی ارتباطی جهان اسلام است؛ مبحثی که فصل پایانی کتاب را به خود اختصاص داده. مولف در آغاز این فصل یک پرسش مهم مطرح می‌کند: «چه استراتژی ارتباطی ای مطلوب اسلام است؟»

زورق در این فصل ابتدا ضرورت و فلسفه وجودی تبلیغات اسلامی را با استناد به آیات الهی قرآن مجید کاویده و پس از آن با ذکر سه نمونه از آیات سوره‌های مبارکه «آل عمران» و «بقره» مفهوم «امواج پیام آفرینی»

کتاب‌های حوزه رسانه و علم ارتباطات در ایران، معمولاً در دو گروه کلی قابل تقسیم‌بندی‌اند. گروهی از کتاب‌های علمی یا نظری که از زبان‌های دیگر به فارسی ترجمه شده‌اند و گروهی از کتاب‌های تالیفی، که استادان علم ارتباطات دربارۀ فنون این علم نوشته‌اند. گروه نخست مشخصاً جامعه ایرانی و اسلامی را در نظر نمی‌گیرد و از آنجایی که مولفان آنها اکثر اعرابی‌اند، توجهی هم به وضعیت ارتباطات در منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی ندارند. گروه دوم نیز معمولاً کتاب‌های فنی‌اند که با اصول خیرنویسی را آموزش می‌دهند یا راهکارهای مصاحبه و انواع شیوه‌های گزارش‌نویسی مطبوعاتی را مدنظر قرار داده‌اند.

کتابی به قلم محمد حسن زورق، مدرس دانشگاه و معاون سیاسی صداوسیما در دهه ۶۰ خورشیدی، به تازگی منتشر شده که مضامینی از مدیریت کلان رسانه‌ای، سیاست‌گذاری در ارتباطات، مدیریت و تبلیغات، انسان در جهان جدید و رابطه‌اش با سازمان‌های بزرگ، سیستم‌های ارتباطی و نقش و وظیفه جهان اسلام در ارتباطات را کاویده است. همه این مسایل هم با تأکید و مقایسه بر تفاوت‌های دنیای شرق و غرب انجام شده است.

کتاب، آن‌گونه که مولف در مقدمه خود تأکید کرده، حاصل سه دهه مطالعه و کار تجربی در حوزه‌های ارتباطات، مدیریت و سیاست است و مولف از منابع گوناگون بهره‌جسته و در جای‌جای کتاب به نظریه‌های غربی و گوناگون اشاره کرده است. با این حال مولف خود را به این موضوع محدود نکرده و نظرات پژوهشگران دیگر را با دیدگاه خود سنجیده و در دنیایی که مخاطبان ایرانی کتاب با آن آشنا هستند بررسی کرده است. اگر تعریف یا نظریه‌ای از یک محقق در کتاب ذکر می‌شود، مولف بلافاصله بعد از نقل قول به توضیح مفهوم ذکر شده می‌پردازد و آن را در ادامه مباحث کتاب خود بررسی می‌کند. می‌توان گفت زورق تلاش کرده علم ارتباطات، حتی آن‌بخش از آن را که از زبان غیر بیان شده، بومی‌کند.

نقد یک نقد



شاید مناسب‌ترین نقد از نگاه‌وتان‌تودوروف، منتقد ادبیات فرانسه، نقد مکالمه‌ای است که در کتاب «نقد نقد (critique de la critique)» آن را مطرح کرده است؛ نقدی که از آثار حرف نمی‌زند، بلکه با آثار حرف می‌زند و این شاید بخشی از شاخصه نقد‌های کتاب «سیر نقد تئاتر در ایران» اثر همایون علی‌آبادی است که به تازگی توسط انتشارات تندیس منتشر شده است.

با این همه، عنوان جلد کتاب «سیر نقد تئاتر در ایران» با عنوان صفحات آن «سیر نقد در تئاتر ایران» متفاوت است. در عنوان نخست می‌توان روند تئاتر را در ایران در ارتباط با تئاتر جهان انتظار داشت و در عنوان دوم روند نقدنویسی تئاتر ایران و آنچه مرتبط به تئاتر ایران است و انگار بدون نمونه‌خوانی و ناخواسته و به اشتباه اتفاق افتاده است. از این نوع اشکال در نمونه‌خوانی، جاهای دیگر کتاب نیز به چشم می‌خورد. مثل «گامی بلند در قلمرو و نمایش عروسکی» که حرف «او» معانی ناملموسی را از کلیت عنوان ارائه می‌دهد و نیز آوردن ایسم به جای ایست و نمایش به جای نمایشنامه که ویراستاری مناسب درباره آنها صورت نگرفته است، از ایرادهای کتاب این است. متأسفانه سیر تکوینی و طبقه‌بندی شده‌ای از نقد نوشته‌ها را در این اثر نمی‌بینیم و در فهرست‌نویسی نیز پراکندگی موضوعات آنقدر پیچیده و درهم است که یک متدلوژی خاص در انتخاب مضامین و پرداخت آن وجود ندارد. در نگاه کلی‌تر، دو بخش مربوط به نشریه سوره مهر با عنوان «کشته‌ای از قبیله ما» و «باز یافتن هویت گمشده» که به موضوع نخستین نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک می‌پردازند، هیچ ارتباطی به حوزه تئاتر ندارند و به شکل گزارشی منعکس شده‌اند.

در بخش نخست کتاب با عنوان «سیر نقد در تئاتر» که سخنرانی همایون علی‌آبادی در نخستین گردهمایی بررسی نمایش در ایران بهمن ۱۳۷۴ در مرکز مطالعات و تحقیقات هنری ایراد شد، منعکس شده است که نقل به قول‌ها و نقل به مضمون‌های جمشید ملک‌پور در کتاب «ادبیات نمایشی در ایران» را بدون هیچ اشاره‌ای به اسم کتاب و نویسنده‌اش و قراردادن جملات در داخل گیومه، آورده، اما نظراتش در حوزه نقد قابل اعتناست.

به دلیل فاقد بودن بخش بندی و فصل‌نگاری در فهرست کتاب، عناوین مورد اشاره را با عنوان «مبحث» ذکر می‌کنم.

علی‌آبادی در مبحث مربوط به «غروب در دیار غربی» به تئاتر ایران در دهه ۳۰ و ۴۰ اشاره و سپس نمایشنامه «غروب در دیار غربی» اثر بهرام بیضایی را بررسی می‌کند که اگر کتاب بخش بندی شده بود، می‌توانست آن را در بخش نمایش‌های عروسکی بگنجانند.

این پراکنده‌گویی‌ها، زمان‌مندی را نیز در ارایه موضوعات، اتفاقات و جریان‌های تئاتری ایران از دست داده است. به عنوان مثال، در مباحث «گامی بلند در قلمرو نمایش عروسکی» و «جهشی برای ورود به قلمرو نمایش عروسکی» ابتدا پنجمین و سپس دومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران را بررسی می‌کند که اگرچه در دل خود نقد را نهفته دارد، اما به شکل گزارش‌گونه مطرح شده که کمکی به سیر نقد و شمولیت آن نمی‌کند. در ادامه تنها به هشتمین جشنواره سراسری تئاتر فجر در سال ۱۳۶۸ با عنوان «جشنواره جشنواره‌ها و کارنامه یکساله» پرداخته است.

در مبحث «ظرفیت‌های نمایشی شاهنامه» گفت‌وگویی با صادق هائقی درباره نمایش «سوگ سیاوش» آورده شده که این همه در هم تیدگی موضوعات آن هم از جانب منتقدی که سال‌هاست در نشریات مختلف نقد نوشته، بدون شکلی ملون صورت پذیرفته است.

علی‌آبادی در صفحه ۲۱ و سپس در صفحه ۲۰۷ مباحث تعزیه را به

شکل گزارشی مطرح کرده و در صفحات مربوط این موضوع، به نمایشنامه‌های خارجی پرداخته است. سوال این است که آیا نمی‌شد مباحث مربوط به آثار ایرانی و خارجی را دسته‌بندی و در ارتباط با هم طبقه‌بندی کرد؟

دیگر این که آیا می‌توان تهیه نمایشنامه را همان‌گونه که در صفحه ۱۳ کتاب آمده، جز و کارهای منتقد دانست؟ مگر این که نگاه دراماتورژی به آن داشت. در شیوه نگارش که یکی از بارزترین دانسته‌های منتقد است، کلمه‌های مترادف فراوانی در جای‌جای کتاب به چشم می‌خورند که علاوه بر یکسانی معانی و مفاهیم، سبب اطاله کلام شده‌اند که دوری جستن از ایجاز را در جمله باعث می‌شوند. از آن جمله: «خوف و هراس»، «سابقه و پیشینه»، «هول آور و مهیب»، «روان‌پریشی و اغتشاش‌های روانی»، «خمر و مستی»، «رام و آرام»، «قدرت و اقتدار»، «مملو و آکنده» و نمونه‌های بسیاری که در جملات وجود دارد و نیز استفاده از ترکیب‌های کهنه و تکراری در جملات مانند: «در وانفسای پله نشین‌ها و گوشه دنج عاقبت‌طلبی‌ها»، «از سده‌های دیرینه و طی عمر و ایام کرده و از کف شده»، «خاللی‌تر از خیال و تهی‌تر از»، «ارزیابی دقیق و سنجش‌شناسی و معیار سنجی» و نمونه‌های دیگر. با این که کتاب از تنوع موضوعات برخوردار است، اما علی‌آبادی می‌توانست نام کتاب را «نقد/نوشته‌های من»، بگذارد چرا که این مطالب می‌توانست حجم بیشتر یا کمتری را به خود اختصاص دهد و هیچ خدشه‌ای هم به روند شکل‌گیری و موضوعی آن وارد نشود. می‌توان به قوت‌ها و ضعف‌های دیگری نیز اشاره کرد که نقد مطبوعاتی به دلیل کمبود فضا و فرصت این امکان را نمی‌دهد، اما علی‌آبادی این امکان را داشته که در کتاب خود بازنگری و بازنویسی نقد‌هایش را داشته باشد.

کتاب «سیر نقد تئاتر در ایران» اثر همایون علی‌آبادی در سال ۱۳۸۹ و با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و بهای ۸۰۰۰ تومان در ۳۴۴ صفحه از سوی انتشارات تندیس منتشر شده است.

یک کودتا، یک کتاب و چند نگاه

فراخوان ناگفته‌های ۱۸ تیر ۵۹ هنوز مهلت دارد

پژوهشگران موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، در مورد انتخاب نام شهید محمد نوژه برای کودتا، به مقدمه کتاب «کودتای نوژه» اشاره و تاکید می‌کنند: «چون قرار بود کودتای چپان، حرکت خود را از پایگاه شاه‌رخی همدان که به یاد شهید نوژه نامگذاری شده بود آغاز کنند، ناخودآگاه این نام را به خود گرفت.» این پژوهشگران تاریخ، خاطر نشان می‌کنند: «متأسفانه برای چاپ اول کتاب، هیچ زندگی‌نامه‌ای درباره شهید محمد نوژه به دست نیاوردیم. اما در چاپ دوم کتاب و با کمک امیرسرتیپ محمدحسین معین پور، فرمانده وقت نیروی هوایی ارتش زندگی‌نامه مختصری از این شهید منعکس شد.» آنان در ادامه یادآور می‌شوند:



«اگر بتوان از اسناد ارتش، در بازنگری کتاب استفاده کرد، قطعاً موجب تکمیل، جذاب و دقیق‌تر شدن اثر خواهد شد. چون از مدت‌ها پیش از لورفتن کودتا، هم سپاه و هم ارتش، احساس می‌کردند که اتفاقی در حال رخ دادن است، اما در چگونگی وقوع آن هنوز به نتیجه قطعی نرسیده بودند. نخستین بیانیه کودتای چپان برای روز بیست و یکم تیر ماه ۱۳۵۹ آماده شده بود و وقتی شبکه کودتا تا این حد پیش می‌رود، می‌توان آن را حتی در صورت ناکامی، کودتا نامید.»

دست‌اندرکاران کتاب «کودتای نوژه» تاکید می‌کنند: «هنوز هم برای استفاده از اسناد ارتش دیر نشده و همان‌طور که در مقدمه چاپ چهارم کتاب نیز آمده، از تمامی سازمان‌ها و مراکزی که اسناد و اطلاعاتی در این باره در اختیار دارند، دعوت به همکاری می‌کنیم و مطالب قابل استفاده را حتماً در چاپ‌های بعدی، مورد توجه قرار خواهیم داد.»

با نگاهی به دیدگاه‌های این نویسندگان و محققان تاریخی و نظامی درمی‌یابیم که هنوز مطالب ناگفته‌ای از کودتای نوژه، به ویژه در حوزه تاریخ شفاهی آن وجود دارند که گردآمدن آنها، نیازمند همت و عزم تازه‌ای است.

که به چاپ پنجم رسیده است. دست‌اندرکاران نگارش و نشر کتاب «کودتای نوژه»، که مایل نیستند نامی از تک‌تک آنان برده شود، درباره دلیل انتخاب این نام برای اثر خود می‌گویند: «این کودتا، اولین و مهم‌ترین توطئه بر نامه‌ریزی شده، دقیق و مورد حمایت بی‌دریغ کشورهای خارجی بر ضد انقلاب اسلامی بود که به دلیل تقدم و گستردگی انتخاب شد.»

آنها پس از بررسی دیدگاه‌های امیرسرتیپ چیت‌فروش درباره آثار چاپ شده درباره کودتای نوژه، به تبیین اصل کودتا و جنبه تاریخی کتاب خود می‌پردازند و می‌گویند: «هر چه زمان می‌گذرد و اسناد بیشتری درباره یک واقعه به چاپ می‌رسند، نگاه‌ها نسبت به آن دقیق‌تر و بعضی مطالب تکمیل‌تر می‌شوند. به همین سبب، زمانی که شاهدان کودتای نوژه، شروع به صحبت و خاطرات خود را از این واقعه بازگو می‌کنند و مدارک منتشر نشده، چاپ می‌شوند، می‌توان بر اساس آنها کتاب تازه‌ای نوشت. البته نباید فراموش کرد که کتاب «کودتای نوژه»، چاپ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اولین اثر منتشر شده در این باره است و اگر اسناد جدیدی در دسترس محققان قرار گیرند، قطعاً کتاب کامل‌تری خواهند نوشت.»

نویسندگان کتاب «کودتای نوژه»، انتقاد امیرسرتیپ چیت‌فروش در رابطه با بی‌توجهی به نقش نیروی هوایی، در کشف و خنثی‌سازی کودتا را از جهاتی وارد می‌دانند و تاکید می‌کنند: «از سویی، ما تصور نمی‌کردیم که کودتای نوژه، ظرفیت انجام تحقیقات میدانی گسترده و گفت‌وگو با حاضران در آن واقعه را دارا باشد. از سوی دیگر، با توجه به محدودیت‌های ارتش در ارائه اسناد و درگیر بودن در جنگ، گمان می‌کردیم که درخواست ما برای در اختیار داشتن اسناد و خاطرات، مورد اجابت قرار نگیرد و حتی ممکن بود که کار ما جدی گرفته نشود. این در حالی است که ارتش تاکنون، اسناد و خاطرات خود درباره کودتای نوژه را منتشر نکرده است.»

کارشناسان و فرماندهان صاحب‌نظر نیروی هوایی مراجعه نکرده است.» وی در ادامه، شهرت کودتا به نام نوژه را یکی از غلط‌های فاحشی می‌داند که در تمام کتاب‌ها به آن دامن زده شده و در معرفی این شهید ارتشی دوران انقلاب، تصریح می‌کند: «محمد نوژه، خلبان قهرمان و داوطلبی بود که به فرمان امام خمینی (ره) در تاریخ بیستم مرداد ۱۳۵۸، برای شکستن حلقه محاصره شهید دکتر مصطفی چمران در جنگ‌های نامنظم، به منطقه پناه پرواز کرد و در حین عملیات، به شهادت رسید و به همین دلیل، اسم پایگاه سوم شکاری همدان به نوژه تغییر پیدا کرد.»

حسین چیت‌فروش، با اشاره به سابقه فعالیت آمریکایی‌ها برای ایجاد آشوب در ایران و ماه‌های آغازین انقلاب، یادآور می‌شود: «شهید جواد فکوری، فرمانده وقت نیروی هوایی در سال ۱۳۵۹، با آگاهی از زمره‌های انحرافی در بین برخی پرسنل گردان پروازی، تیمسار هوشنگ صدیق را به عنوان معاونت عملیات پایگاه یکم شکاری منصوب و این فرمانده نظامی نیز مشکل را حل می‌کند. پس از آن است که پایگاه همدان که تنها پایگاه عملیاتی منطقه بود، برای عملی کردن کودتا انتخاب می‌شود که خوشبختانه با هوشیاری گروه ضربت نه‌اجا تیم کودتا منهدم می‌گردد.»

مسئول دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نه‌اجا، ادامه می‌دهد: «روایات زیادی مثل بمباران مناطق حساس انقلاب در سر دشمنان بود. اما باید دید که آیا آنها حتی به پای یک هواپیما هم رسیدند؟ به نظر من، باید بر نقش نیروی هوایی که با هوشیاری و اقدامات استراتژیک و حرفه‌ای، منجر به ناکامی کودتا شد، تاکید کرد تا ابهامات و برخی دیدگاه‌های منفی نسبت به اقدامات نه‌اجا در آن دوران، شفاف‌سازی شوند.»

نخستین کتاب درباره کودتای نوژه، در سال ۱۳۶۷ با همین عنوان و به همت گروهی از محققان موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی نوشته و تدوین شده

کودتای نظامی و نافرجام نوژه، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده کشورهای خارجی و مهره‌های شکست خورده رژیم پهلوی در سال‌های اول انقلاب است. اما هوشیاری ارتش جمهوری اسلامی ایران در سرکوبی آن در هجدهم تیر ماه ۱۳۵۹، اهمیت تاریخی و سیاسی بارزتری دارد. آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه، امید زیادی می‌بندد و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند و اهمیتش را بیش از تجاوز نظامی صدام ارزیابی می‌کند. به گفته سران کودتا، مدتی بر سر تقدم آن یا آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بحث بوده و سرانجام، کودتا در قدم اول و آغاز جنگ، در قدم دوم قرار می‌گیرند. با نگاهی به تمام این اوصاف، لزوم ریشه‌یابی علل وقوع و چگونگی کودتای نوژه ضروری به نظر می‌رسد. اما متأسفانه، تعداد آثار موجود در این باره از تعداد انگشتان یک دست، فراتر نمی‌روند.

امیرسرتیپ حسین چیت‌فروش، مسئول دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نیروی هوایی ارتش، با ارزیابی کتاب‌های تدوین شده درباره کودتای نافرجام نوژه و بازتاب آن در رسانه‌ها، می‌گوید: «حلقه‌های مفقوده کودتای نوژه، فقط با مراجعه به اسناد و منابع معتبر و بازکاوی مجدد آن‌ها کشف می‌شوند.» وی تاکید می‌کند: «رسانه‌ها به فراخور زمان، به جوسازی و خبرسازی در این باره پرداخته‌اند و کودتا را بیش از آن که باید و شاید، بزرگ کرده‌اند. در حالی که این اقدام با تدبیر نیروی هوایی ارتش، در نطفه خفه شد و حتی به مرحله عملیاتی هم نرسید.»

مسئول دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نه‌اجا، محتوای کتاب‌های مرتبط با کودتای نوژه را ناقص، ضعیف و بخشی را حتی غلط می‌داند و خاطر نشان می‌کند: «نگارش و تدوین کتاب درباره این کودتا باید بر اساس گفت‌وگو با مطلعان و حاضران در آن ماجرا شکل گیرد. در حالی که تاکنون هیچ نویسنده یا مرکزی برای نگارش کتاب، به پرسنل،



عملیات رمضان، حس تازه و غریبی داشت

سرتیپ معین وزیری با اشاره به کتاب «ناگفته‌های جنگ (خاطرات سپهد شهید علی صیاد شیرازی)» و به نقل از این شهید می‌گوید: «در عملیات رمضان به دلیل وجود پیروزی‌های بی‌دری، نوعی غرور کاذب حکمفرما شد. پیش از این عراقی‌ها در خاک ما بودند و انگیزه‌های برای دفاع نداشتند و ما مصمم به دفاع بودیم. عکس این اتفاق در عملیات رمضان رخ داد و موفقیت برجسته‌ای در پی نداشت.»

«جنگ ما جنگی مردمی بود و حمایت آنها در خط مقدم جنگ هم مؤثر بود. حتی شعارهای مردم در نماز جمعه، ارتباط مستقیمی با قرارگاه‌های عملیاتی داشت.» گلعلی بابایی با بیان این مطلب و با اشاره به روایت‌های گوناگون رزمندگان از عملیات رمضان در کتاب هزار صفحه‌ای «ضربت مقابل»، درباره یکی از تبعات قابل توجه این عملیات در جامعه یادآور می‌شود: «در عملیات بیت‌المقدس تعداد شهدای زیاد بود، اما به دلیل پیروزی و آزادسازی خرمشهر، تحمل درد از دست دادن تعداد زیادی از فرزندان ایرانی برای خانواده‌ها راحت‌تر بود در حالی که در عملیات رمضان، به رغم نفوذ ۲۷ کیلومتری به خاک عراق و انهدام ۲۷۰ تانک زرهی دشمن توسط تیپ ۲۷ لشکر محمدرسول‌الله (ص) در یک شب، مردم ما برای

داشت تا برای پیشگیری از پیروزی نهایی ایران، طرحی را عملیاتی کنند و ستادی متشکل از کارشناسان غربی و شرقی را در محله المنصور بغداد شکل دادند. بابایی در این باره می‌گوید: «آنها برای نجات صدام و با طراحی یک تله، حمله اسرائیل به جنوب لبنان را صورت دادند و گروهی از ایران برای کمک به لبنان اعزام شدند. از سوی دیگر با طرحی پدافندی و مسلح کردن زمین، وارد عمل شدند. در حالی که پیش از این فقط با نیروهای زرهی عراق می‌جنگیدیم، در عملیات رمضان، برای نخستین بار، با انواع موانع زمینی مانند خاکریز و مین و با سندی محکم برخورد کردیم. پیش‌تر در عملیات‌هایی که در خاک ایران صورت می‌گرفت، پیروزی می‌شدیم، اما در عملیات رمضان برای نخستین بار به خاک عراق وارد شدیم و باید به مقابله با دشمن می‌پرداختیم.» امیر سرتیپ نصرت‌الله معین وزیری، طرح عملیات و نویسنده کتاب «تحلیلی بر عملیات رمضان»، با این آغاز، می‌گوید: «حس تازه و غریب‌رزمندگان در وروده خاک عراق، تأثیر چشمگیری در ناکام ماندن این عملیات داشت. در حالی که در عملیات والفجر ۸ و در فاو که آن هم در خاک عراق انجام شد، به دلیل کسب تجربه، پیروز شدیم.» این، بخش نظامی عملیات رمضان است. امیر

نسترن پورصالحی: شامگاه ۲۳ تیر ۱۳۶۱، پس از سه عملیات پیروز طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، عملیات رمضان با طرح عملیاتی کربلای ۴، در منطقه شلمچه در شرق بصره آغاز شد.

از همان سال تلاش برای ثبت رخدادهای آنچه به دست آمده و از دست رفته، کتاب‌هایی مانند «نبرد رمضان»، «زخم شقایق»، «پس از بحران» و «عملیات رمضان» (ورود به خاک عراق برای تنبیه متجاوز - طراحی، اجرا، نتایج، بازتاب‌ها) را شکل داد و کارشناسان و طراحان عملیاتی را بر آن داشت تا چرایی و چگونگی و نتایج عملیات رمضان را بررسی کنند. به گفته گلعلی بابایی، نویسنده کتاب «ضربت مقابل»، در ارتباط با این عملیات چندین بحث مطرح است. پس از عملیات بیت‌المقدس و فتح‌خرمشهر، موضوع پایان یافتن جنگ عنوان و با نگرش‌های متفاوتی در داخل کشور مواجه شد در حالی که عراق به دلیل در اختیار داشتن بخش‌هایی از خاک کشورمان، به جای پایان دادن به جنگ، در پی برقراری صلح بود. به دلیل وجود تعهد دفاعی نسبت به مرزهای کشور، کم کردن شعاع پدافندی نیروهای خودی و تکلیف شرعی برای آزادسازی خاک ایران که این حق را قائل بود که به کشور متخاصم وارد شویم، عملیات رمضان در خاک عراق صورت گرفت.

پیروزی ایران در عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، حامیان صدام را بر آن

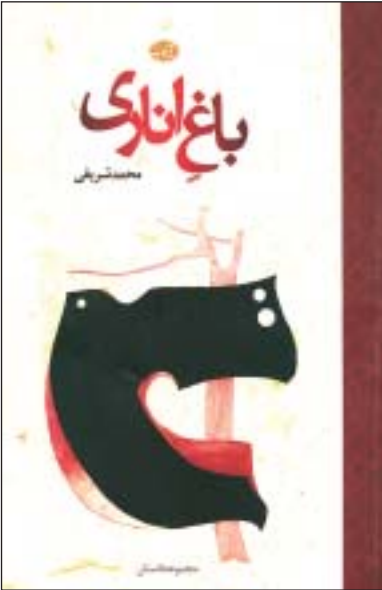
نخستین بار با مفهوم «مفقودالآثر» مواجه شدند و بی‌خبری از سرنوشت پیکر شهدا، جامعه را تحت تأثیر قرار داد.»

امیر سرتیپ نصرت‌الله معین وزیری نیز با اشاره به انتقاد اغلب کارشناسان مبنی بر تمرکز خاص بر بعد نظامی عملیات رمضان و این تاکید که «نبود نیروی نظامی زرزو در دست فرماندهان عملیات رمضان برای اقدام به موقع، از دیگر دلایل ناکام ماندن آن است»، تصریح می‌کند: «بر اساس جدولی در کتاب «تحلیلی بر عملیات رمضان»، کاربرد اصول جنگ و قدرت رزمی برای عملکرد صحیح را به دانشجویان نظامی آموزش می‌دهم تا بدانند اشتباهات چه بود و چگونه می‌توان از تکرار آنها جلوگیری کرد.»

در میان حدود ۳۰ عنوان کتاب که درباره عملیات رمضان، توسط سازمان‌ها و ناشرانی مانند دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و سازمان عقیدتی، سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران منتشر شده، بیش از همه تاریخچه و بعد نظامی عملیات رمضان را مورد توجه قرار گرفته و کمابیش در لابه‌لای خاطرات، به ابعاد اجتماعی و معنوی عملیات پرداخته شده است. این‌خلاء با توجه به دیدگاه‌های کارشناسانی که با آنان سخن به میان آمد، مدخل جدیدی را برای بازنگری تاریخ عملیات رمضان پیش‌روی پژوهشگران و نویسندگان قرار می‌دهد.

نگاهی به مجموعه داستان «باغ اناری» نوشته محمد شریفی

ادغام شیوه های نویسندگی



لازم را از کار خود داشته باشد که این فضا به فضایی کمیک با یک نوشته کودکانه متمایل نشود و هویت خود را حفظ کند.

شریفی در این کار کوتاه چند شگرد نویسندگی را در هم ادغام کرده است؛ نخست آن که با الهام از کارهای مینی مالستی سعی در ارائه یک لحظه شاعرانه داشته و دوم این که روایت را آنقدر طولانی نکرده تا سهم خواننده از ساخت ذهنی فضا و شخصیت ها را قلم بزنده به گونه ای که هر خواننده احساس می کند می تواند روایت را به هر شکل که دوست داشت ادامه بدهد.

شریفی نویسنده و شاعری بی هیاهو و گوشه نشین است که بیش از هر چیز دیگر به اعتدالی فرهنگ خصوصاً شعر و داستان می اندیشد؛ حس مثبتی که می توان در وجود اغلب نویسندگان و شاعران شهرستان نشین یافت.

چاپ دوم مجموعه داستان «باغ اناری» سال ۱۳۸۹ در شمارگان دو هزار نسخه و قیمت سه هزار تومان از سوی نشر آموت منتشر شده است.

و مخاطب وارد یک داستان عشقی آرامی می شود که با رعایت چارچوب های ضروری پیش می رود.

آذین میرقازی سعید در درجه اول شناخت خوبی از روانشناسی افراد دارد زیرا هیچ یک از شخصیت ها دور از ذهن نیستند و اعمال و رفتارشان کاملاً معمولی است و هریک از آنها بنا به جایگاه خود در زندگی دارای دیدگاهی بسته یا بازند. به هر شکل، نویسنده توانسته است با کنار هم قرار دادن طیف هایی از افراد جامعه و بازی های روایتی، کاری ارائه کند که به شرط یک بازنویسی مجدد و دور ریختن فصول زائد و پریشان گویی ها، به کاری ماندگار تبدیل شود.

«عسل تلخ» کاری است که از بعضی فصل های آن چنین برداشت می شود که نویسنده تحت تاثیر فضاهای ساخته ذهن خودش قرار گرفته و نخواسته این دل بستگی ها را به راحتی رها کند که همین امر باعث شده کارش به نوعی تکرار مکررات درآفتد.

همان گونه که گفته شد، قاضی میرسعید یک نویسنده ذاتی است که البته باید این حس را هر چه بیشتر تقویت کند اما اگر بخواهیم همه پرونده کاری او را با همین رمان بسنجیم باید گفت که نمره قابل قبولی می گیرد زیرا نباید از یک نویسنده انتظار داشته باشیم که همه توانایی های خود را در یک کار خلاصه کند.

نویسنده رمان «عسل تلخ» گرچه نگاه مثبتی به جنس مخالف ندارد، اما مانند نویسندگان دیگر از صفت بخشی های مستقیم خودداری کرده و هر آنچه اتفاق می افتد در یک نوع روایت منطقی پیچیده است که خواننده را به شکل غیر مستقیم با روایات شخصیت ها آشنا می کند که این گونه از نوشتن به هر شکل، قالبی جا افتاده در عالم ادبیات داستانی است.

رمان «عسل تلخ» سال ۱۳۸۹ در شمارگان هزار نسخه و قیمت چهار هزار تومان از سوی نشر ورجاوند عرضه شده است.

خطی است و سعی نویسنده برای تکنیکی کردن این روایت هم ره به جایی نبرده است.

یکی از کارهایی که با تمام کوتاهی اش توانست نام نویسنده خود را سر زبان ها بیندازد، داستان «آخرین شعر» است که خواندن آن برای آشنایی بیشتر با این مجموعه خالی از لطف نیست چون بسیاری افراد از طریق این داستان با فضای داستانی شریفی آشنا شده اند: «در همسایگی من روباهی است که دلش به اندازه همه ابرهای زمستان گرفته است، ماه ها می شود که بر پوزه باریک او اثری از خنده دیده نمی شود.

اگر چه خود من هم دست کمی از او ندارم اما گاه گاهی به شوخی هم که شده می خندم. دل آدم خیلی می گیرد وقتی همسایه اش را این همه غصه دار ببیند. امروز صبح زمستانی که خورشید از مشرق برنیامد و بوران و برف همه جا را فراگرفت، روباه عبوس با چشمانی اشکبار دوان دوان از لانه اش بیرون آمد و پوزه اش را در پنجره شبدری اتاقم گذاشت و گفت آقا گرگه گوش کن آخرین شعری را که نوشته ام برایت بخوانم. گوش هایم را تیز کردم تا روباه عبوس با صدایی بغض گرفته آخرین شعرش را خواند؛ دلم از تکرار این همه خروس گرفته است.» همین داستان بسیار کوتاه نشان می دهد که شریفی در استفاده از زاویه دیدهای فانتزی هم تبحر خاص خود را دارد چون استفاده از این شیوه نوشتن، کار سهل و ممتنعی است و نویسنده باید آنقدر شناخت

نمی شود و چهره های مطرحی از دیرباز در این زمینه قلم زده اند اما هویت مستقل کار شریفی به دلایلی که ذکر شد، کاری قابل مطالعه است.

آنچه مجموعه «باغ اناری» را به کاری خواندنی تبدیل کرده، رعایت فضاهای مختلف در هر داستان است، به گونه ای که در این مجموعه شاهد کارهایی هستیم که هیچ یک به لحاظ رعایت خطوط روایتی و مضمونی شبیه به هم نیستند. این امر نشان می دهد که ادبیات داستانی برای شریفی یک امر جدی است و کارهایی که منتشر کرده، حداقل حاصل تلاش ۱۰ ساله او هستند.

شناخت همه جانبه حوزه ادبیات داستانی در ایجاد تعلیق های بیجا از یک سو و گنجاندن ذهنیت فانتزی که در داستان «آخرین شعر» به اوج رسیده از سوی دیگر، مویذ رویارویی ما با یک نویسنده پر مطالعه است؛ نویسنده ای که از داستانی مانند «پاسگاه» ما را به ناگهان درون داستانی با فضای متفاوت مانند «زن سورچی» می برد.

البته این را هم باید گفت که همه داستان های این مجموعه کارهایی درجه یک نیستند و در میان آنها می توان به داستان متوسطی مانند «کو کبه» هم اشاره کرد که به لحاظ حجم از کارهای دیگر برتر است اما به لحاظ کشش لازم برای خواننده، کار درخوری نیست. به نظر می رسد این داستان به یک بازنویسی و حذف زوائد نیاز داشته باشد چون آنچه در این کار شاهدیم، نوعی تکرار روایت به شکل داستان های

محمد شریفی از آن جمله نویسندگانی است که با انتشار نخستین مجموعه داستانش توانست توجه مخاطبان جدی ادبیات داستانی را به سوی خود جلب کند. این نویسنده که می توان از او به عنوان یکی از چهره های مطرح دهه ۶۰ نام برد، به دلیل استفاده بیجا از قابلیت های بومی در ساختار داستان های مدرن، توانست نام خود را به عنوان یک نویسنده جست و جوگر به ثبت برساند؛ نویسنده ای که نوعی گویش منحصر به فرد از یک اقلیم فراموش شده را باز تولید و عرضه کرد.

شریفی در داستان های مجموعه «باغ اناری» کوشیده است از ذات خرده فرهنگ های بومی برای رسیدن به جهانی مدرن بهره ببرد، به این معنا که شخصیت های او در همه داستان ها به نوعی جهانی می اندیشند و بومی زندگی می کنند. محمد شریفی شاید نخستین نویسنده ای باشد که از ساختار زبان بومی به شکل طنز آمیز استفاده نکرده و شیوه نوشتن او کلیشه ای از آب در نیامده است. کاری که شریفی در داستان هایش کرده، نوعی بدعت گذاری نیکو در نوع بر خورد با عنصر زبان است؛ زبانی که در عین مهجور بودن بسیار شفاف و دست یافتنی است.

پیوند باور پذیر شخصیت ها و زبان داستانی در کارهای شریفی به گونه ای است که خواننده احساس می کند هریک بدون دیگری چیزی کم دارند و بدون هم در کلیت یک اثر نمی گنجند، البته نویسندگی در حوزه ادبیات داستانی با مجموعه «باغ اناری» آغاز

نگاهی به رمان «عسل تلخ» نوشته آذین قاضی میرسعید

حدیث نفس نسل پرسشگر

این حوزه است.

رمان «عسل تلخ» به دنبال آن نیست که نظریه ای ادبی عرضه کند بلکه فقط و فقط به لحظه های آنی مخاطب نظر دارد، یعنی این که نویسنده تلاش کرده تسلسل ذهنی خواننده اش را تا پایان حفظ کند و بدون تعارف باید گفت در این زمینه خوب عمل کرده است. یکی از مشخصات بارز کارهای عامه پسند

ایجاد نوعی تعلیق ذاتی است. به این معنا که خواننده با خواندن نخستین جمله از کتاب درباره سرنوشت شخصیت یا شخصیت ها کنجکاو می شود و به آن دلیل رنج خواندن را تحمل می کند که این اشخاص در پایان به مراد دل خود برسند و همه چیز به خوبی و خوشی تمام شود.

کسانی که دستی در عالم نوشتن دارند حتماً این گفته را تایید می کنند که معماری اثری عامه پسند با در

نظر گرفتن عبور شخصیت ها از زیر و بم های روایتی تا رسیدن به سرانجامی خوش، به هر شکل کاری طاقت فرساست و نویسنده را به مسیرهایی هدایت می کند که رنج آن کمتر از خلق یک کار مدرن نیست. «عسل تلخ» کاری است که یک روند معمول از جریانات ریز و درشت زندگی را انتخاب کرده و هرچند با کمی زیاده گویی به خوبی به سرانجام رسانده است، اما باید در نظر داشت که یکی از

مشخصات بارز این کار، شروع خوب و آهنگین آن است که به هر شکل خواننده را آزار نمی دهد: «زنگ طبقه ۱۸ را فشار دادم. اولین بار بود که می خواستم به منزل مونا بروم، هر چه سعی کردم از زیر دعوتش فرار کنم موفق نشدم و از آنجا که مونا دختر بسیار مهربان و نازنینی است دلم نیامد ناراحتش کنم. بالاخره جلوی در آپارتمان رسیدم، صدای موسیقی ملایمی شنیده می شد. نمی دانم چرا اعتماد به نفسم را از دست داده بودم و نمی توانستم زنگ را فشار بدهم. دودل بودم که در خانه باز شد، به قدری هول شده بودم که یادم رفت سلام کنم و بدون این که ببینم چه کسی جلوی در ایستاده فوری گفتم: منزل آقای جوزدار؟

بله بفرمایید داخل...»

همین آغاز خوب نشان می دهد که ما با نویسنده ای مبتدی روبه رو نیستیم زیرا در همین چند جمله دلهره های یک دعوت عجیب، ذهن را به خود مشغول می کند و ما پیش از آن که با مشخصات راوی آشنا شویم با نام و نام خانوادگی شخصیت دوم و همچنین بخشی از دل مشغولی هایش روبه رویم، امری که خود به خود کنجکاو ما را در شناخت هر چه بیشتر او برمی انگیزد.

در همان چند صفحه آغازین معلوم می شود که بین راوی و برادر مونا تعلقات روحی ایجاد می شود





کاوه رحمانی

این هفته نیز خبرگزاری ایننا چون هفته‌های پیشین، در کنار پوشش‌های خبری، گفت‌وگوهایی را که می‌توان آنها را فراتر از خبر خواند، منتشر کرده است. در ادامه، سه گفت‌وگو را به عنوان منتخب آورده‌ایم. در نخستین گفت‌وگو، علی اکبر قاضی زاده، مدرس روزنامه نگاری، درباره ضرورت تئوری پردازی و انتشار آثاری با محور جنگ نرم صحبت کرده است. در گفت‌وگویی دیگر، محمود زنده‌نام، مدیر مرکز هنرهای نمایشی رادیو، از جایگاه رادیو به عنوان یک رسانه مهم برای معرفی کتاب و ادبیات یاد کرده است. به گفته این مدیر، نمایش‌های رادیویی می‌تواند ابزاری مناسب برای معرفی کتاب باشد. گفت‌وگوی سوم با علی ططری، رییس مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی است. او که یکی از سخنرانان همایش میراث مشترک مکتوب ایران و افغانستان بود، برپایی این همایش را به عنوان نخستین گام در این مسیر، خوب توصیف کرد. این گفت‌وگوها و گفت‌وگوهایی دیگر را می‌توانید در خبرگزاری ایننا به نشانی ibna.ir دنبال کنید.

گفت‌وگوهای منتخب از ایننا

نقش کتاب هر روز پررنگ‌تر می‌شود

را به کشورهای هم‌زمان همسایه تسری دهیم.» علی ططری درباره دستاوردهای این همایش بین‌المللی اظهار داشت: «سه کشور فارسی‌زبان در منطقه‌اند که مشترکات آداب و رسومی و قرابت‌های نژادی متعددی با یکدیگر دارند، اما متأسفانه با وجود ظرفیتی که سابقه چند هزار ساله دارد، کار جدی در این حوزه صورت نگرفته است.» وی ادامه داد: «این همایش، نخستین پیشنهاد در حوزه بررسی آثار و مکتوبات مشترک بین‌المللی بود که با استقبال مواجه شد و پذیرای طیف‌های گوناگونی از مردم، شخصیت‌ها و صاحب‌نظران افغانستان از اقصی نقاط دنیا حتی از اروپا و تاجیکستان بود.»

پژوهشگر تاریخ معاصر افزود: «از نایب رییس اول مجلس افغانستان تا شخصیت‌های علمی که در ایران و افغانستان ساکنند، به این برنامه آمدند که برای گام نخست، حرکت خوبی برآورد می‌شود. در گام‌های بعدی انتظار داریم این برنامه، راهبردی، هدفمند باشد تا مطابق با برنامه‌های تنظیم شده، دستاوردهای آن به ظهور برسند، همچنان که دکتر لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی و حجت‌الاسلام دکتر رسول جعفریان، رییس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این باره‌اشاراتی برای برنامه‌های آینده داشتند.» دبیر شورای ارزیابی اسناد کتابخانه مجلس با اشاره به اقدامات انجام‌شده به ویژه در حوزه تدوین کتاب و ویژه‌نامه‌ها، عنوان داشت: کتابخانه مجلس برای این همایش، کتابی را به‌طور مشترک با موسسه مطالعات معاصر چاپ کرد که مجموعه مسایلی را درباره پیشینه و میراث مشترک تاریخ ایران و افغانستان دربردارد که همراه لوح فشرده‌ای از گزیده مطبوعات افغانستان در کنار کتاب‌ها و ویژه‌نامه این برنامه عرضه شدند.

ططری یادآور شد: «علاوه بر مکتوبات، تاریخ مشترکی هم با همسایگانمان داریم؛ همچنان که از دوره هخامنشیان تا قرن ۱۹ میلادی، افغانستان و ایران یک کشور بودند و امپراتوری ایران نامیده می‌شدند. به‌طور قطع «کتاب» می‌تواند بازگوکننده بخشی از این تاریخ مشترک باشد، لذا کتاب و سایر منشورات، محور برگزاری این همایش‌ها به حساب می‌آیند. انعکاس این همایش نیز علاوه بر کتاب‌های منتشر شده کنونی، در تدوین و نشر مجموعه‌های دیگری در این حوزه مشاهده خواهد شد.»

عضو شورای سیاستگذاری همایش میراث مشترک مکتوب ایران و افغانستان همچنین از انتشار چند ویژه‌نامه درباره این میراث مشترک خبر دارد و اظهار داشت: «از این پس می‌خواهیم با شناسایی آثار جدید محققان و نویسندگان افغانی و ایجاد زمینه‌های انتشار آنها، فعالیت‌های کتابخانه مجلس را در حوزه آثار افغانستان گسترش دهیم. این اقدامات اعم از کارهای اسنادی، تاریخی، متون و نسخ خطی‌اند، اما اولویت با آثاری‌اند که تاکنون چاپ نشده‌اند و برای هر دو کشور از جذابیت فراوانی برخوردارند.»



علی اکبر قاضی زاده، محمود زنده‌نام، علی ططری

معرفی می‌شوند. در برنامه «ادبیات نوین جهان» هم مخاطبان با کتاب‌های جدید و نویسندگان روز آشنا خواهند شد. برنامه «درام نویسان جهان» به معرفی زندگی، سبک و آثار درام نویسان جهان اختصاص دارد و در ۵۰ قسمت ۱۰ دقیقه‌ای آماده می‌شود. زنده‌نام افزود: «تولید و ساخت برنامه‌های با محوریت شاهنامه به دو طریق آشنایی مخاطبان با جنبه‌های داستانی و درام شاهنامه در برنامه «چکاد» و تولید نمایش رادیویی شاهنامه برای کودکان انجام می‌شود.»

به گفته وی، حکایت‌های مختلفی در کتاب‌های ادبیات فارسی وجود دارد که بسیار جذابند. این متون به شکل نمایش کوتاه و نمایشی و روایتی در مجموعه «حکایت‌ها» در دست تولید است. زنده‌نام یادآور شد: «تا چند وقت دیگر رادیو نمایش افتتاح می‌شود و بخش عمده محصولات مرکز از این شبکه پخش خواهد شد. در حال حاضر ۷۰۰ ساعت متن آماده شده که با راه‌اندازی این شبکه پخش خواهد شد.»

ططری: ایجاد بخش مرتبط با کتاب‌های افغانستان در کتابخانه مجلس

رییس مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از سخنرانان همایش میراث مشترک مکتوب ایران و افغانستان، برپایی این همایش را به عنوان نخستین گام در این مسیر، خوب توصیف کرد و گفت: «امیدواریم در گام‌های بعدی با ایجاد بخش افغانستان در کتابخانه مجلس، این حرکت

قاضی زاده: سال‌هاست هدف جنگ نرم آمریکایی‌ها قرار دارد و به‌طور دائم از طریق رادیو، تلویزیون، کتاب و موسیقی برای شکست دادن و سست کردن روحیه مردم کوبا فعالیت می‌شود اما مقابله با این فضا نیز تنها از راه کتاب میسر است

این متون به نمایش رادیویی است. مرکز هنرهای نمایشی رادیو ابتدا به شکل یک واحد نمایشی آغاز به کار کرد و سال‌ها به شکل محدود به تولید نمایش رادیویی و پخش آن از رادیو ایران پرداخت. در حال حاضر این تولیدات از روزی نیم ساعت به ۱۴۰۰ ساعت تولید نمایش رادیویی برای شبکه‌های مختلف گسترش پیدا کرده است.

تولید نمایش رادیویی به دو شکل تنظیم و اقتباس برای رادیو و سفارش اثر به شکل مستقیم انجام می‌شود. در حال حاضر مرکز هنرهای نمایش رادیو به شبکه‌های رادیویی ایران، جوان، فرهنگ، البرز، تهران، سلامت، قرآن و معارف خدمات می‌دهد. هر شبکه تعریف مشخصی دارد که براساس تعریف آن شبکه، برنامه انتخاب و تولید می‌شود. وی پس از به عهده گرفتن مدیریت این مرکز اهدافی را در دستور کار خود قرار می‌دهد که مهم‌ترین آنها آشنا کردن هر چه بیشتر مخاطبان با رسانه رادیو، افزایش میزان تولیدات نمایش رادیویی در شبکه‌های مختلف و تولید نمایش‌های کوتاه است.

زنده‌نام توضیح در این باره داد: «میزان تولید نمایش رادیویی نسبت به ساختارهای غیرنمایشی بسیار نامتعادل و نامتوازن است. به این صورت که حدوداً تمام شبکه‌های رادیویی ۳۰۰ تا ۳۵۰ ساعت در شبانه‌روز برنامه تولید می‌کنند که تقریباً روزی سه یا سه ساعت و نیم می‌شود و زمان بسیار کمی است. این موضوع موجب کم شدن شنوندگان رادیو می‌شود. از این رو سعی شد در این مرکز میزان تولید نمایش را افزایش دهیم تا شبکه‌های مختلف رادیو هر چه بیشتر نمایشی شوند.»

وی ادامه داد: «ترویج نمایش‌های کوتاه در شبکه‌های مختلف و تامین آن در طول شبانه‌روز و نه فقط در ساعاتی خاص برای آشنایی بیشتر مخاطبان با هنر، دانش، فرهنگ، ادبیات، بیبش ایرانی و اسلامی صورت می‌گیرد. در حال حاضر نمایش‌ها بین ۲۰ تا ۶۰ دقیقه تولید می‌شوند ولی تولید نمایش رادیویی ۱ تا ۵ دقیقه در دستور کار مرکز قرار دارد تا در خلال دیگر برنامه‌ها نمایش رادیویی پخش شود.»

وی ادامه داد: «در برنامه «آشنایی با ادبیات روسیه» نویسندگان سرشناس و رمان‌نویسان مطرح روسی

علی اکبر قاضی زاده: کتاب، بهترین سلاح در برابر جنگ نرم است

علی اکبر قاضی زاده، مدرس و مترجم حوزه رسانه و روزنامه نگار کشورمان ضمن اظهار تأسف از کمبود مکتوبات و فعالیت‌های مولفان در حوزه جنگ نرم و اطلاع‌رسانی در این باره گفت: «در این حوزه کمتر اثر مکتوب معتبری در دست است و مولفان و سازمان‌هایی که بر کار فرهنگی کشور نظارت دارند، باید با سعه صدر به فکر اجرای پروژه‌های گسترده مکتوب در حوزه جنگ نرم باشند.»

علی اکبر قاضی زاده با اشاره به اینکه حتی رسانه‌ای چون کتاب می‌تواند در فضای امروزی مورد استفاده قرار گیرد، اظهار داشت: «جنگ نرم یکی از مقوله‌هایی است که از جنگ جهانی دوم به بعد به آن اهمیت داده شد و یکی از پیشروان این مکتب در آلمان، وزیر تبلیغات به نام «گوبلز» بود. بعداً در انگلستان همین کار را بر عهده BBC گذاشتند، یعنی شایعه‌پراکنی و بزرگ و کوچک کردن خبرها برای تحت تأثیر قرار دادن کشور مورد هدف جنگ نرم.»

مترجم کتاب «تحریریه و نقش مدیریت در آن» گفت: «جنگ سرد یکی از انواع جنگ نرم و عبارت است از: شایعه‌سازی، خبرسازی، بزرگ کردن افتخارات خود و کوچک شمردن افتخارات کشور مورد هدف در جنگ نرم. یکی از عرصه‌های تاریخی در جنگ سرد کشور کوبا است. این کشور چون از نظر جغرافیایی در نزدیکی کشور آمریکا قرار دارد، سال‌هاست هدف جنگ نرم آمریکایی‌ها قرار دارد و به‌طور دائم از طریق رادیو، تلویزیون، کتاب و موسیقی برای شکست دادن و سست کردن روحیه مردم کوبا فعالیت می‌شود اما مقابله با این فضا نیز تنها از راه کتاب میسر است.»

وی تصریح کرد: «جنگ نرم برخلاف جنگ سرد نیازی به لشکرکشی ندارد، اما همیشه در دنیا هزینه بر و طولانی بوده و تنها از طریق تغییر افکار عمومی نسبت به یک موضوع اجرا می‌شود، مانند برخی شبکه‌های ماهواره‌ای و برخی مکتوبات.» وی درباره مکتوبات این حوزه گفت: «وضع کتاب‌های ما در حوزه جنگ نرم به هیچ وجه متناسب با فرهنگ ملی کشورمان نیست.»

مترجم و مدرس حوزه رسانه با بیان این که «انجام کار فرهنگی در کشورمان به سعه صدر نیاز دارد و نباید از ابراز افکار مختلف در کتاب‌های این حوزه نگران باشیم» اظهار داشت: «مسوولان و نویسندگان حوزه فرهنگ باید به فکر مقابله با پروژه‌های گسترده جنگ نرم باشند و آثار مکتوب بسیاری را در اختیار مخاطبان این حوزه قرار دهند.»

محمود زنده‌نام: مدیر مرکز هنرهای نمایشی رادیو: مرکز هنرهای نمایشی رادیو و آشنا کردن شنوندگان با ادبیات محمود زنده‌نام، مدیر مرکز هنرهای نمایشی رادیو معتقد است، یکی از راه‌هایی که مردم بتوانند با ادبیات ایران و ادبیات جهان آشنا شوند تبدیل



نقدی بر دنیای داستانی لوکلزیو، برنده فرانسوی نوبل ادبیات

زندگی سرشار از دیوانگی هاست



به لوکلزیو که می‌اندیشم یاد کارمندان بازارایاب انتشارات «رندم هاوس» و... می‌افتم که چگونه هیجان خود را با نفس‌های عمیق و پرسش‌های مکرر «شما چی؟»، «کی؟» و «کجا؟» درباره لوکلزیو به صورت بین‌المللی منتشر کردند، درست در همان زمانی که او تنها یک سال پیشش توانسته بود برنده جایزه نوبل ادبیات شود. آیا مقاله‌های تند و تیز آنها تنها برای آن بود که بتوانند عقاید منتقدان پیش از خود را به اثبات برسانند؟

بیش از ۳۰ سال پیش، بسیاری از نشریات زیرک بریتانیا جایزه سال ۱۹۶۳ میلادی پری رنو (جایزه ادبی فرانسوی که در سال ۱۹۲۶ برای نخستین بار اهدا شد) را زیر سوال بردند که چرا این جایزه به زمانی اعطا شده که از نظر ادبی ضعیف و از لحاظ محتوایی گیج‌کننده است. این رمان را فرانکو ماریتین در حالی نوشته بود که در دهه بیست سالگی زندگی‌اش بود. مشابه این قصه برای لوکلزیو و جایزه نوبلش هم اتفاق افتاد.

در دهه بعد از آن، رمان «بازجویی» توسط ژان ماری لوکلزیو منتشر شد. این اثر که ابتدایی‌ترین کتاب این نویسنده فرانسوی است جزو هفت اثر وی به حساب می‌آید که نه تنها با تعداد چاپ زیادش توجه‌ها را به خود جلب کرده بلکه دشواری ترجمه آن به زبان‌های دیگر، نامش را بر سر زبان‌ها انداخت. اما در هر حال می‌توان گفت که این نویسنده در آن سال‌ها سیر صعودی خود را طی می‌کرده است. هنگامی که لوکلزیو توانست رمان «صحرا»ی خود را در سال ۱۹۸۰ میلادی به دست خوانندگان آثارش برساند، جامعه ادبی با شگفتی این رمان را مورد توجه قرار داد. این اثر خیر از شکست نویسنده فرانسوی می‌داد تا جایی که ناشران انگلیسی زبان، دیگر حتی مایل به ترجمه و انتشار آثار لوکلزیو نبودند. اما در همان دوران، کمیته اعطای جایزه نوبل اعلام کرد نهایت تلاش خود را در راستای رومانیایی دوباره آثار خاک خورده لوکلزیو می‌کند.

این بنیاد طی بیانیه‌ای علاقه خود را نسبت به نوشته‌ها و اشعار کوتاه این نویسنده اعلام کرد. این تصمیم تا جایی که ذهنیت ناشران موثر بود که حتی یکی از ناشران، تصویری قدیمی از لوکلزیو را برای دفتر نشر خود خریداری کرد!

شاید این موضوع خیلی هم دور از ذهن نباشد که نوشته‌های فسیل شده دهه شصت و هفتاد به یکباره در نور خورشید روشن شوند و همه توجه‌ها را به خود جلب کنند. داستان این آثار با همان حوادث عجیب و غریب و ماشینی اتفاق می‌افتند، اتفاقات همیشگی با همان انحرافات نوشتاری که حقیقت یک اثر را بیان می‌دارند. صفحاتی که تنها به توصیف آزمایش یک لامپ اختصاص داده شده‌اند! توصیف پاکت‌های سیگار و چاقوها، مکالمات مجاوره‌ای که در دنیای ادبیات مکالمه‌ای نیست: «شهر آهن و بتن! من دیگر بیشتر از این تو را نمی‌خواهم. من تو را طرد می‌کنم!» اما خوانندگان انگلیسی زبان در بین چیدمانی که ارتش مترجمان این آثار برای آنها می‌سازند، خود را گم کرده بودند. در طول دهه هفتاد در حالی که ریسمانی باریک معنای آثار لوکلزیو را به هم متصل می‌کرد، وی ناگهان به کل تغییر جهت داد. نوشته‌هایش از حالت بی‌موضوعی و سوگوارانه خارج شد و او داستان‌های قدیمی و سبک کهن نوشتاری را جایگزین آن کرد. در رمان‌های «صحرا»، «زنانی که با افسون‌های زنانه مردان را تیغ می‌زنند» (۱۹۸۵)، «اونیتشا» (۱۹۹۱) و «ستاره سرگردان» (۱۹۹۲) لوکلزیو توانست سبک حقیقی خود را پرورش دهد. لازم به ذکر است فقط سه رمان آخر به زبان انگلیسی ترجمه شده‌اند.

پس از این توضیحات برایمان چه مانده؟ رمان «بازجویی» بسیاری از خوانندگان را گیج می‌کند. این رمان بازگوی داستان مردی منزوی (آدام) است که در شهری ساحلی در فرانسه زندگی می‌کند. داستان کاملاً ایزودیک پیش می‌رود و خواننده با قطعه قطعه داستان آشنا می‌شود و گاه مجبور است خود تقاطعی از داستان را آن گونه که دوست دارد، به هم پیوند دهد. در این داستان تمرکز اصلی بر احساسات است. آدام مجموعه‌ای از شخصیت‌هایی است که لوکلزیو در ۶ کتاب بعدی خود از آن سخن می‌راند. وی سراسر ترس و نگرانی است. «بازجویی» - که در بسیاری مقالات با عنوان «محاکمه» ترجمه شده - در پرده‌ای از ابهام اتفاق می‌افتد: «در هر قدمی که او برمی‌دارد خطری پنهان شده. انگار سوسکی به سمت دهن باز او پرواز می‌کند و راه نفشش را در گلوگاه خفه می‌کند. انگار چرخ‌های کامیون از روی بدنش عبور کنند و سرش را از بدنش جدا سازند، یا این که خورشید خاموش شود و در آخر با ضربه‌ای ناگهانی خودکشی کند.»

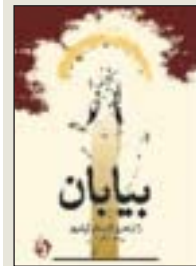
«تب» اثر دیگری از ژان ماری لوکلزیو است. این اثر مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است که شعار «زندگی سرشار از دیوانگی هاست» را بر دوش می‌کشد. لوکلزیو خود در مقدمه این اثر این گونه می‌نویسد: «تنها دیوانگی‌های کوچک هستند که روزمرگی ما را پر کرده‌اند، اما وقتی به آنها نزدیک شویم و با دقت به آنها بنگریم به راستی وحشتناکند.» روح، شخصیت یکی از داستان‌های این مجموعه دچار تب می‌شود؛ تبی نمادین که او را در گونگون می‌کند. او به ساختار زندگی شهری حمله ورمی‌شود، اعصاب و روانش را مورد انتقاد قرار می‌دهد و این در حالی است که تب وجودش را گرفته و روی صندلی پارک، عابران دلباخته را مورد تاخت و تاز قرار می‌دهد و عشقش را زیر سوال می‌برد.

داستان‌های این مجموعه را می‌توان جزو بهترین آثار این نویسنده دانست چراکه جرعه‌هایی از سبکی که بعدتر در آثارش پیشرو آن بود، در آن به راحتی مشهود است. کتاب «پرواز»، «جنگ» و «غول پیکرها»

جادوگری جزیره نشین

ژان ماری گوستاو لوکلزیو، برنده جایزه ادبی نوبل سال ۲۰۰۸ میلادی در ۱۳ آوریل ۱۹۴۰ به دنیا آمد. منتقدان او را از برجسته‌ترین نویسندگان زبان فرانسه می‌دانند. او تحصیلات خود را از ابتدا تا دانشگاه، در جزیره موریس گذراند. در سال ۱۹۶۳ زمانی که تنها ۲۳ سال داشت، نخستین رمان خود را منتشر کرد. این رمان که «بازجویی» نام گرفت یکی از بهترین آثار او شناخته شده است. پدرش انگلیسی و مادرش فرانسوی بود. خودش می‌گوید: «در ابتدای نوشتن، سعی داشتم به زبان انگلیسی بنویسم اما هنگامی که نخستین اثرم را به زبان فرانسه نوشتم، تازه فهمیدم که نمی‌توانم با فرهنگ خودم غریبه باشم.» وی با سفرهای متعددی که به سراسر دنیا انجام داد، دیدی متفاوت پیدا کرد ولی نتوانست از کشور فرانسه فاصله بگیرد. خود در این باره می‌گوید: «من تنها می‌توانم فرانسه را کشور خود بدانم. فرانسه جایی است که من در آن زندگی می‌کنم. من یک جزیره نشینم، کسی که در ساحل دریا رفت و آمد دارد. کسی که کشتی‌های باری را نگاه می‌کند و در بندرها پاهای خود را به زمین می‌کشد.» شاید همین دیدگاه لوکلزیو است که سبب می‌شود کسانی که آثارش را می‌خوانند، خود را در گوشه‌ای از فرانسه تصور کنند.

این نویسنده در بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ میلادی دچار تغییراتی در روند نوشتاری شد به گونه‌ای که زبان را رها کرد. بسیاری از منتقدان این دوره زندگی لوکلزیو را به عارفان شرقی شبیه دانسته‌اند. شخصیت‌های داستان‌هایش در این دوره انسان‌هایی‌اند که عمدتاً گوشه‌گیر و منزوی‌اند. در رمان «صحرا» یکی از شخصیت‌های اصلی داستان، زبان آدمیان را بلند نیست. او آقدر از حقیقت ماده‌ای دنیا دور می‌شود که گاهی خصلت‌های مابعدالطبیعی به خود می‌گیرد. این رمان توانست جایزه بزرگ پل موران را از آن نویسنده‌اش کند و در ایران هم با نام «صحرا» ترجمه شده است. این نویسنده فرانسوی عقاید ماوراء طبیعی‌اش را بسیار نزدیک با عقاید سرخپوستان یافت. آنها نیز از قید و بند زبان خارج بودند. وی خود در این باره می‌گوید: «از نظر من، نویسنده تنها یک رسالت دارد و آن این است که مانند جادوگر، انسان‌ها را افسون کند و او را برای دستیابی به حقیقت رها سازد.»



به سه گانه لوکلزیو معروفند که هر یک از آنها در جایگاه خود نمایانگر وجه شاخصی از سبک این نویسنده‌اند. کتاب «پرواز» از مردی حکایت می‌کند که با عنوان «هوگان جوان» شناخته شده است. لوکلزیو به دنبال هوگان جوان راه می‌افتد و از گورستان‌های شهرهای مدرن گرفته تا سفرهای صحرایی و جنگ‌های داخلی کامبوج قصه می‌گوید. «غول پیکرها» داستان دیگری است که شاید تصور آن در زندگی زمینی مشکل باشد. پس از خواندن سه گانه لوکلزیو تنها و تنها یک سوال در ذهن خواننده شکل می‌گیرد؛ آیا متوجه شکل‌گیری این الگوی نوشتاری هستی؟

به نظر من خواندن هر یک از این کتاب‌ها کار آسانی نیست مگر آن که با زبان فرانسوی آشنایی کامل داشته باشید تا بتوانید نغمه گفتار لوکلزیو را درک کنید. خواندن این متون به زبان فرانسه خالی از لطف نیست زیرا که فرانسوی، زبانی است که به نوشته‌های این نویسنده مفهوم می‌بخشد و عباراتی چون «مقبره زنده، وزنی که بر روی هریک از ما می‌آید تا ما را در خود بشکند، مثل من که برای خود وزنی دارم» را آهنگین می‌کند. با خواندن این جملات تنها توانستم کاغذی را جلو دستم بیاورم و این گونه بنویسم: «چگونه می‌توان از داستان فرار کرد؟ چگونه می‌توان زبان را فراری داد؟ چگونه می‌توان فرار کرد هنگامی که تنها یک کلمه روبه‌رویم است؟ - چاقو!»

با این حال در استعداد کم نمی‌آورد با این که به طرز عجیبی از آن استفاده می‌کند. خشونت به کار رفته در شخصیت‌های ساخته شده توسط او در نوشته‌های ابتدایی‌اش وجود دارند و او از این خشونت‌ها در داستان «غول پیکرها» آقدر ماهرانه استفاده می‌کند که در ساخت فیلم «ترمیناتور» از این داستان کمک گرفتند. در داستان‌های او همان‌طور که شخصیت‌ها از هم می‌پاشند و خانه‌ها به زندان‌هایی مملو از حوادث شوم بدل می‌شوند، پس از خواندن صد صفحه، کسی پیدا می‌شود که جریان آقدر برایش مهم می‌شود که دست به انجام کاری بزند.

در میان گونه‌های از ناامیدی که ژان ماری گوستاو لوکلزیو تمام خوانندگانش را در آن غرق کرده بود، «ستاره‌های سرگردان» در سال ۱۹۹۲ به کمک وی می‌آیند. این کتاب که با داستان دخترکی یهودی آغاز می‌شود توانست نام لوکلزیو را دوباره بر سر زبان‌ها بیندازد. دخترک یهودی با فرار از فرانسه به مقصد ایتالیا، مایل‌ها از چشمه جوشان تنفرش نسبت به زندگی فاصله می‌گیرد. اینجا داستان است که به جای آن که دخترک بخواد با زبان آشنا شود، با زبان موسیقی خو می‌گیرد و به نواختن پیانو مشغول می‌شود. لوکلزیو برای توصیف استاد پیانو از زبان دخترک این گونه می‌نویسد: «مثل معلم مدرسه نبود که بخواد پیانو درس بدهد. او داشت قصه می‌گفت.» جملاتی که در نظرم ساده و بسیار گویا هستند.

شخصیت‌های باقیمانده در باقی داستان‌های لوکلزیو ناشی از شکار لحظه‌ای از احساسات نویسنده‌اند. آثار این نویسنده، فراموش نشدنی و چنانچه چه به زبان فرانسوی خوانده شوند، بسیار آرام و زیبا هستند و به نظر من زبان انگلیسی در برابر آثار لوکلزیو کم می‌آورد. این نویسنده که حالا برنده جایزه نوبل نیز هست، توانسته قدرت نوشتاری‌اش را به جهانیان ثابت کند. خود در این باره می‌گوید: «تریستان، قهرمان یونانی به گونه‌ای با بدن پاره پاره‌اش نفس می‌کشید که گویی روبه‌روی پنجره‌ای باز سوت می‌زد. نوشتن من هم این گونه است.»

تیم مارتین منتقد روزنامه دیلی تلگراف



عصر سیمین، زیر ذره بین



ادامه یک جریان ادبی از سه جریان مد نظر مترجم (سمبولیسم، آکمه ایسم و فوتوریسم) داشته اند، دریغ شده است. تنها اطلاعی که درباره این شاعران به دست داده شده، همان سالشمار زندگی آنهاست که بنا به کارکرد سالشمار، بسیار مختصر است. بنابراین «از شاعران عصر سیمین شعر روسی» را باید تنها به عنوان مجموعه ای از ترجمه های شعر دید که مترجم آن، شعرها را بدون این که دلیل خاصی برای انتخابشان ذکر کند، به فارسی برگردانده است.

تنها به عنوان یک نمونه، یکی از ترجمه های ره گوی را از شعر «الله شعر» آنا آخمتووا، در اینجا می آوریم. در همین متن کوتاه، جای پرسش هایی از این قبیل هست که چرا در سطر سوم، ترکیب صفت و موصوف، مغلوب شده «نازنین مهمان» به جای «مهمان نازنین»؟ آیا دلیلی جز تحمیل ریتم بیرونی به ترجمه در بین بوده و در این صورت، آیا این انتخاب، درست است؟ یا این که در سطر پنجم، «نقاش» را کنار می زند، بهتر از «نقاش» را می زند به کنار؟ نیست؟ حتی در ریتم؟ آیا پس از دو سجعی که میان کلمات «انگار» و «افتخار» در بند اول هست، نیازی هست که همین سجع را با آوردن «کنار» در پایان سطر نخست بند دوم ادامه دهیم و با این انتخاب، بار موسیقی تحمیلی به شعر را بیش از حد پررنگ کنیم؟ از همه اینها گذشته، فعل «لنقاگردن» در زبان فارسی با حرف اضافه «به» کاربرد دارد؛ نه آن طور که در سطر ماقبل آخر آمده، با حرف اضافه «بر». «شب هنگام چشم به راهش/ زندگی ام آونگ تار مویی است انگار/ در برابر این نازنین مهمان فلوت به دست/ چیست جوانی، چیست آزادی و افتخار/ می آید و نقابش را می زند به کنار،/ براندازم می کند/ می گویمش: «تو بودی صفحات دوزخ را بر دانه القا کردی که: بنگار؟» پاسخ می دهد: «آری من بودم» «از شاعران عصر سیمین شعر روسی»، به ترجمه رخشنده ره گوی، در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و به بهای ۳۵۰۰ تومان، در ۱۷۴ صفحه از سوی نشر چشمه منتشر شده است.

است. او در آغاز هر یک از سه فصل کتاب، توضیح مختصری درباره آن سبک ادبی ارائه کرده که برای مخاطبان عام، می تواند مفید باشد. سالشمار زندگی همه این شاعران نیز در کتاب درج شده است. مشکل اصلی این است که کتاب مقدمه ای ندارد؛ در نتیجه ما هیچ چیز درباره این ترجمه ها نمی دانیم. توضیح بسیار کوتاهی که درباره «عصر سیمین» و چستی آن در کتاب آمده، تنها بر پشت جلد کتاب نقش بسته و برخلاف معمول، برگزیده ای از مقدمه مترجم نیست؛ چون این کتاب همان طور که گفته شد اصولاً با خود شعرها شروع و تمام می شود و مقدمه ای ندارد. مترجم هیچ توضیحی درباره این که چه جریان های دیگری در ادبیات روسیه طی چند دهه آغازین قرن بیستم ایجاد شده، نیاورده است. در این کتاب خبری از اوضاع سیاسی و اجتماعی که در شعر روسیه را دگرگون کرد و شاعران روس در آن اوضاع زندگی می کردند نیست. حتی در کتاب مشخص نشده که آیا شعرها از روسی به فارسی برگردانده شده اند و یا از زبان دوم واسطه مانند انگلیسی؟ کتاب واژه نامه ای ندارد و بنابراین مشخص نیست مترجم در کار ترجمه شعرها، چه معادل هایی را برای کدام کلمات انتخاب کرده؛ رویه ای که کار نقد ترجمه ها را بسیار دشوار می کند، مگر این که منتقد اصل شعرها را به زبان روسی بخواند و ترجمه را با آنها مقایسه کند. حتی از توضیح مختصری درباره نقشی که شاعران منتخب مترجم در شکل گیری یا

اشتباه بزرگ تزار نیکلای دوم در ۱۹۰۴ بودند؛ زمانی که تزار مغرور قصد داشت وسعت غریب کشور خود را حتی بیشتر کند و به منجوری و کره برساند و بنابراین علیه ژاپن اعلام جنگ کرد که البته در کمتر از یک سال، شکست خورد. شکستی که آغاز بر شکست های دیگر، چون شکست های پی در پی در جنگ اول جهانی بود و چهره روسیه را به سرعت و برای همیشه تغییر می داد. در همین اوضاع، زمانی که در اروپا شاعرانی چون الیوت و آزا پاوند ظهور کرده اند و سمبولیست های فرانسه (چون مالارمه، بودلر و رمبو) بیش از دو دهه است که جهت گیری ادبی سمبولیسم را به جهان ادبیات معرفی کرده اند و دادائیسیت ها و سوررئالیست ها راه را برای هنرنمایی هایشان بازمی بینند، در روسیه ای پر از جنگ و خونریزی، چند جهت گیری ادبی عمده ایجاد می شود که رخشنده ره گوی، در کتابش، «از شاعران عصر سیمین شعر روسی»، سه جریان را از میان آنها معرفی کرده است؛ سمبولیسم، آکمه ایسم، فوتوریسم.

درباره «از شاعران عصر سیمین»...
ره گوی از میان شاعران سمبولیست، شعرهایی از ولادیمیر سالاووف، الکساندر بلوک، آندری بلی، ولادیمیر نایاکوف، از شاعران آکمه ایست، شعرهایی از نیکلای گومیلف، آنا آخمتووا و اوسپ ماندلشتام و از شاعران فوتوریست، شعرهایی از ولادیمیر مایاکوف و ویلیبر خلبینیکف را به فارسی برگردانده

جنگ جهانی اول، انقلاب روسیه و جنگ های داخلی، روسیه اوایل قرن ۱۹ را با کشمکش های بسیاری روبه رو کرد و طی سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۱، چهره این کشور را به سرعت از یک کشور تزاری به یک کشور کمونیستی تغییر داد و تا ۱۹۹۱، یعنی طی هفتاد سال، این چهره را باقی گذاشت. قطعاً چنین رخدادهای بنیانی ای همان طور که چهره سیاسی و اجتماعی یک کشور را دگرگون می کند، چهره فرهنگی آن را هم از اساس تغییر می دهد. دوره کلاسیک ادبیات روسیه، با پوششکن که نزدیک یک قرن پیش از این تغییرات به شکلی غمناک در یک دوئل آسیب دیده و در ۱۸۳۷ درگذشته بود، داستایفسکی که در ۱۸۸۱ در پی خونریزی ریه اش درگذشت، تولستوی که در ۱۹۱۰ در یک ایستگاه راه آهن از پا درآمد و گوگول که در ۱۸۵۲ پس از سرماخوردگی معنی دارش از نوشتن «نفوس مرده» جهان را ترک کرد، دوره ای طلایی بود. ولی جهان پس از پایان قرن ۱۹ تغییراتی اساسی می کرد و برای دو جنگ جهانی و پیشرفت های تکنولوژیک بسیار سریع آماده می شد. چهره های تازه ای چون پلخانف، الکساندر کرنسکی، لئون تروتسکی و ولادیمیر لنین که در عرصه سیاست ظهور می کردند، همقطاران هم در عرصه فرهنگ داشتند؛ کسانی چون سرگئی آیزنشتاین، میخائیل بولگاکف، ولادیمیر مایاکوفسکی، آنا آخمتووا، ولادیمیر سالاووف، اوسپ ماندلشتام، ولادیمیر نایاکوف و نیکلای گومیلف. همه اینها شاهد

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات ارشد با پنجاه و یک عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ محمدباقر رجبی با شش عنوان پرکارترین مولف؛ و رمضان جلالی بندری با چهار عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۲۰۰۰ ریال	سرطان کبک؛ قاسم فغان زاده گنجی؛ ناشر: لویشن؛ چاپ ۴؛ ۳۶ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۳۵۰۰۰ ریال	مجموعه کامل خلاصه دروس پرستاری؛ کارشناسی به کارشناسی ارشد به انضمام هزار تست؛ سونیا آرزومانیان؛ ناشر: تحفه؛ چاپ ۹؛ ۹۲۰ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۶۲ مرتبه	آموزش و رخوانی قرآن کریم؛ سطح دو؛ علی حبیبی؛ ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل؛ ۸۰ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	القرآن الکریم؛ مهدی الهی قمشه ای؛ ناشر: خیرالله؛ چاپ ۲؛ ۶۱۶ صفحه
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	ناشر: فارس پیران؛ چاپ ۱؛ ۱۳۶ صفحه؛ ۳۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۲۶۴ صفحه	داروهای زنجیرک ایران با اقدامات پرستاری و مراقبت؛ پوران سامی؛ ناشر: تحفه؛ چاپ ۱؛ ۲۰۰۰ نسخه؛ ۱۳۹۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۸ صفحه	راهنمای آمادگی های ضروری برای مراجعین آزمایشگاه های پزشکی؛ ناشر: میرماه؛ چاپ ۱؛ ۱۰۰۰ نسخه؛ ۲۴۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۱۱۰۰۰ ریال	معادلات دیفرانسیل (رشته ریاضی)؛ سعید فاریابی؛ ناشر: دانشگاه پیام نور؛ چاپ ۱۹؛ ۱۴۲ صفحه؛ ۴۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۶۰۰۰۰ ریال	کتاب گویای عربی؛ مهدی شرفی؛ ناشر: تخته سیاه؛ چاپ ۷؛ ۳۳۶ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۰ مرتبه	دیکته ی شب اول دبستان؛ بر اساس کتاب های بخوانیم و بنویسیم؛ اشرف کریمی؛ ناشر: قدیانی؛ ۸۸ صفحه؛ ۲۲۰۰ نسخه؛ ۱۲۵۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۴۰۰۰ نسخه	کتاب تابستان اول دبستان؛ ناشر: کانون فرهنگی آموزش؛ چاپ ۴؛ ۷۲ صفحه؛ ۵۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۱۱۱ نسخه	فیزیک پیش دانشگاهی (۲)؛ ریاضی - تجربی؛ محمدرضا ونکاله؛ ناشر: رمزینه؛ چاپ ۴؛ ۲۴۰ صفحه؛ ۵۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب های بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان		تعداد کتاب های افست
		مؤلف *	مترجم	
۲۹۱	۴۳	۱۰۱	۴۸۵	۲۷
		زن	مرد	
		۲۹	۱۳۳	

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و ...) به جز مترجم.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۹/۴/۶ تا چهارشنبه ۸۹/۴/۹، ۷۹۹ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب ها در موضوع علوم عملی و سپس کودک و نوجوان بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات دین، علوم اجتماعی، ادبیات و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف *	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۳۱	۲۶	۵	۲۱	۱۰	۲۵	۶	۲۷۵۸	۳۰۸
۲	فلسفه و روانشناسی	۳۲	۲۶	۶	۲۲	۱۰	۲۹	۳	۲۳۵۶	۲۳۶
۳	دین	۱۱۶	۹۸	۱۸	۶۱	۵۵	۷۱	۴۵	۲۸۷۹	۳۳۴
۴	علوم اجتماعی	۹۵	۸۰	۱۵	۷۶	۱۹	۸۲	۱۳	۲۱۳۷	۲۵۷
۵	زبان	۴۹	۴۴	۵	۳۵	۱۴	۴۶	۳	۲۷۶۹	۱۸۴
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۴۴	۳۳	۱۱	۲۸	۱۶	۴۲	۲	۱۶۶۸	۳۳۱
۷	علوم عملی	۱۵۶	۱۲۱	۳۵	۱۰۱	۵۵	۱۳۸	۱۸	۱۹۱۶	۲۸۸
۸	هنر	۲۳	۱۱	۱۲	۱۵	۸	۱۹	۴	۲۲۱۳	۱۸۴
۹	ادبیات	۶۰	۵۷	۳	۴۳	۱۷	۴۸	۱۲	۲۰۴۲	۲۳۹
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۴۲	۳۴	۸	۲۶	۱۶	۳۵	۷	۱۸۴۰	۲۹۵
۱۱	آموزشی و کمک درسی **	۹	۹	۰	۰	۹	۹	۰	۲۴۴۶	۱۴۶
۱۲	کودک و نوجوان	۱۴۲	۱۰۴	۳۸	۷۲	۷۰	۱۲۷	۱۵	۳۷۷۰	۴۴
	جمع بندی	۷۹۹	۶۴۳	۱۵۶	۵۰۰	۲۹۹	۶۷۱	۱۲۸	۲۶۱۸	۲۵۹

* «تالیف» به تمامی آثاری اطلاق می شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گرانترین کتاب	۱۵۰۰۰۰ ریال	گنجینه ارزشمند ادبیات فارسی مثنوی مولوی؛ ناشر: طاهر؛ چاپ ۲؛ ۲۲۸ صفحه؛ ۳۵۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۵ مرتبه	فیزیک نوین؛ اریش اوپلاکر؛ بهروز بیضایی محمدآبادی؛ ناشر: قدیانی، کتابهای بنفشه؛ ۵۶ صفحه؛ ۱۶۵۰ نسخه؛ ۲۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۵۰۰۰ نسخه	حسی نوی ده شلمرو؛ علی اکبر اسکندری؛ ناشر: علی اکبر اسکندری؛ چاپ ۱؛ ۱۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	مادر مهربانم؛ ناشر: اصحاب محمد (ص)؛ چاپ ۱؛ ۱۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۳۳۴ صفحه	شاعر راز و شیراز؛ حافظ (زندگینامه)؛ محمدکاظم مزینانی؛ ناشر: پیدایش؛ چاپ ۵؛ ۲۰۰۰ نسخه؛ ۵۰۰۰۰ ریال



علیرضا محمودی

«هموندان تاریک و روشن» در جلد نخست با نام «تیغه کاوکی» به نویسندگی فریبا معزی منتشر شده است که داستانش برگرفته از متون کهن ایرانی، تاریخ ایران و شاهنامه فردوسی است و در فضا و جامعه تخیلی مربوط به بیش از پنج هزار سال پیش می‌گذرد. معزی این داستان را برای گروه سنی نوجوان نوشته و کوشیده است در گزینش نام شخصیت‌ها و مکان‌ها، رفتار، آداب و رسوم و اعتقادات جامعه، ویژگی‌های معماری، ابزارهای جنگ و اشیاء مورد استفاده مردم، زمان داستان را نیز از نظر دور ندارد و حتی زبان نگارش داستان را طوری انتخاب کرده که در عین سادگی و روان بودن، کاملاً فارسی باشد تا حس قدمت زمان وقوع داستان را تقویت کرده و از سویی نسل نوجوان را به دانستن تاریخ و فرهنگ ایران باستان کنجکاو کند. داستان «هموندان تاریک و روشن» بر محور ماجراهایی می‌گذرد که یک خواهر و برادر نوجوان در مواجهه با نیروهای اهریمنی به وجود می‌آورند. فریبا معزی، فارغ‌التحصیل رشته مجسمه‌سازی هنرهای زیبا و گرافیک است. او کار در حوزه ادبیات را با نوشتن داستان‌های کوتاه شروع کرده و با حضور در دوره‌های آموزش زبان پهلوی در بنیاد نیشابور، ادبیات و فرهنگ کهن ایران را دنبال کرده است.

گفت و گو با نویسنده کتاب «هموندان تاریک و روشن»

رمان ایرانی؛ شخصیت‌های ایرانی

داستان می‌تواند دامنه خیال‌پردازی کودکان و نوجوانان را گسترده‌تر کند. می‌تواند آنها را در تجاربی شریک کند که امکان تجربه‌اش حتی غیرممکن است.

اگر داستانی به اندازه کافی جذاب و سرگرم‌کننده باشد، مهم‌ترین وظیفه خود را انجام داده است. حال اگر محتوای داستان در زمینه فرهنگی، علمی و احیانا تاریخی پربار باشد، می‌توان امیدوار بود که آموزش خودبه‌خودی ضمن خواندن داستان به سمت و سوی درستی برود و جذابیت داستان، کنجکاوای خواننده را برای بیشتر دانستن برانگیخته کند.

خواندن متنی که همه لغات آن فارسی سره باشد، برای نوجوانان سخت و ناآشنا نیست؟

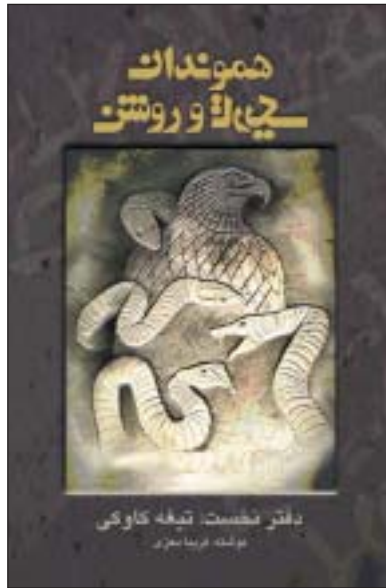
یکی از مشکلات همین بود. البته برای همه واژه‌های بیگانه نمی‌توان معادل فارسی یافت، ولی ناآشنا بودن این واژه‌ها خواندن را دشوار و فضا را بیگانه می‌کند.

فصل اول داستان را بیش از پنج بار و هر بار با نگارشی دیگر نوشتم، تا این که متوجه شدم چیزی که ما را در فارسی نوشتن دچار دوسری از این دست می‌کند، این است که می‌خواهیم به شیوه متداول امروز بنویسیم و سپس برای واژه‌های بیگانه، برابری فارسی پیدا کنیم. یعنی کوشش می‌کنیم آنها را ترجمه کنیم. در صورتی که اگر به سخن گفتن روستاییان دقت کنید می‌بینید که از جمله‌هایی ساده و سراسرت استفاده می‌کنند و کمتر برای بیان منظورشان به واژه‌های پیچیده بیگانه احتیاج دارند.

البته نمی‌گویم در این راه کاملاً موفق بوده‌ام. چون باز هم ناچار شدم برای پرهیز از ناآشنا بودن متن از واژه‌های محدود عربی استفاده کنم که خوشبختانه شمار آنها اندک است. هرگاه هم که ناچار شدم از واژه فارسی ناآشنایی استفاده کنم یا نام‌های کهنی که هریک را با دقت برگزیده بودم و معنی آنها برایم مهم بود، در زیرنویس توضیح کوتاهی برای دسترسی به معنی امروزشان اضافه کردم.

این داستان در جلدهای بعدی ادامه خواهد یافت. آیا این جلد خود به تنهایی می‌تواند به عنوان یک داستان مستقل مورد توجه قرار گیرد؟

کوشش شده بیشتر گرچه موضوع‌های به‌چالش کشیده شده در سیر داستانی جلد نخست به نوعی پایان یابد، ولی مسائل کلی‌تر که روند اصلی داستان است در جلد بعد ادامه خواهد یافت.



شده بکشاند، نیم بیشتر راه را برای جذب خواننده پیموده است. برای این منظور لازم نیست همه چیز آنچنان تازه و غیرمنتظره باشد که خواننده را برای حس کردن فضا به دردمر بیندازد.

کوششم بر این بوده فضایی خلق کنم که نوجوان امروزی بتواند شخصیت‌های کهن داستان را آشنا بیابد، با آنها همراه شود و در کنارشان ماجراهای داستان را تجربه کند و برای این کار سعی کرده‌ام در داستان پردازی از ساختار و زبانی بهره بگیرم که پیچیدگی‌های پنهان داستان را پیچیده‌تر نکند.

به نظر شما خواندن این داستان‌ها برای نوجوانان جنبه آموزشی هم دارد؟

نوجوانی که کتابی را برای خواندن داستان برمی‌گزیند به این امید آن را مطالعه می‌کند که لذت ببرد و زمانی از خواندن آن لذت خواهد برد که بتواند نوعی زیست غیرمستقیم را همراه شخصیت‌های داستان تجربه کند. در چنین تجربه‌ای خودبه‌خود چیزهایی می‌آموزد بلکه شاید هیچ‌کلاس و مدرسه‌ای نتواند مستقیماً به او یاد بدهد.

ولی این که کسی هنگام خواندن یک داستان احساس کند در برابر کلاس و درس و... نشسته است، نه تنها پزیرایش کسل‌کننده است که اورایی اعتماد هم می‌کند.

می‌آورند.

زمانی که به اعماق تاریخ می‌رویم متوجه جایگاه خاص آیین و اسطوره می‌شویم. شما این مفاهیم را چگونه در کتاب خود درونی کرده‌اید؟

آنچه از مفاهیم اسطوره‌ای در داستان «هموندان تاریک و روشن» به طور مستقیم مورد استفاده قرار گرفته، جنبه زمینه‌سازی آن بوده است، ولی اهمیت اسطوره‌ها و باورهای کهن در این داستان در اشاره مستقیم به آنها نیست. آنها در درون مردم داستان، رفتار آنها، ارزش‌های همگانی‌شان و حتی نام‌های جاری هستند. چنان‌چه ممکن است معنای نام‌ها، خواننده را کنجکاو کند و معادل تاریخی یا اسطوره‌ای آنها را بشناسد، یا موقعیتی تاریخی و شخصیتی اسطوره‌ای چنان در پس زمینه پی‌رنگ داستان پنهان بماند که فقط خواننده باریک بین بتواند وجودش را تشخیص دهد.

از چه منابعی برای ساختن این دنیای خیالی استفاده کرده‌اید؟

بیش‌از هر چیز شاهنامه فردوسی و نگاه باریک‌بینانه دکتر فریدون جنیدی به نوشته‌های کهن به ویژه شاهنامه، مرا در ساختن این فضا یاری داده است. آموختن زبان پهلوی نیز کلید رازگشای بسیاری از مشکلات نوشتن این داستان بود. چون هر واژه از زبان پهلوی تاریخی در دل خود دارد و مقایسه آن با شکل تازه‌اش در زبان فارسی امروزین نشانگر روند و چگونگی اندیشیدن مردمان سرزمین ما در گذر زمان است.

یافته‌های پنج هزار ساله جیرفت نیز کمک کرد تا دریافت درست‌تری از شیوه زندگی، خط نوشته‌ها و باورهای مردم آن زمان داشته باشم. البته باید توجه داشت که مخاطبان این داستان نوجوانان قرن بیست و یکم هستند و ایجاد علاقه برای این نسل که هیجان و جذابیت بازی‌ها، فیلم‌ها و کتاب‌هایی چون هری پاتر، دارن شان، وارکرفت، ارباب حلقه‌ها و... را تجربه کرده، بسیار سخت است. بررسی ساختار داستان‌های مورد علاقه نوجوانان نیز در این زمینه کمک قابل توجهی به من کرد.

با وجود داستان‌ها و فیلم‌هایی که گفتید، فکر می‌کنید مخاطب ایرانی چقدر به خواندن چنین رمان‌هایی گرایش دارد؟

اگر داستانی به لحاظ ساختار و محتوای تازگی داشته باشد و بتواند دامنه خیال‌خواننده را به فضای خلق

کمی درباره بستر داستانی خلق شده در رمان توضیح دهید؟

داستان در موقعیت جغرافیای ایران و بیش از پنج هزار سال پیش اتفاق می‌افتد. صدها سال است که چهار «اژی» اهریمن‌خو، فرمانروایی نیرومند خود را بر دشت‌های این سرزمین گسترده‌اند و برای هر چه پایدارتر ماندن نیروهای تاریک از زیرکی مردمان آزمندی که تن و جان خود را به اهریمن واگذار کرده و به او خدمت می‌کنند، سود می‌جویند.

این مردم که در داستان «ایاتوک» خوانده می‌شوند به ازای خدمت کردن به اهریمن از نیروهای جادویی بهره‌مند شده و گردانندگان اصلی آن حاکمیت شوم هستند. آنها با این که سرسپرده به «اژی‌ها» خدمت می‌کنند، از اهمیت خود در آن حاکمیت به خوبی آگاهند و برای بهره‌مندی هر چه بیشتر، پنهان از اهریمن دست‌اندرکار دسیسه‌های پنهانی خود هستند.

«ایاتوک‌ها» برای پیشبرد اهداف «اژی‌ها» ساختار جامعه را چنان طرح‌ریزی کرده‌اند که مردم با یکدیگر ارتباطی نداشته باشند و از گذشته و نیاکان خود تا حد ممکن بی‌خبر بمانند. قوانینی هم از سوی اهریمن بر این ساختار جاری می‌شود که کنترل‌کننده زیاده‌خواهی «ایاتوک‌ها» و افزودن بر ترس مردم است. ابزار اجرا شدن این قوانین نیز موجوداتی هستند که ظاهری ترسناک و گرگ‌واره دارند و همچون «اژی‌ها» و اهریمن بی‌مرگند. اینها «مورت‌ها» هستند که فقط شب‌ها می‌توانند بیرون بیایند و همچون چشم و گوش «اژی‌ها» مراقب همه چیز هستند.

سلسله مراتب حاکمیت اهریمنی در داستان چنان است که حاکمان هر چه از اهریمن به مردم نزدیک‌تر می‌شوند، خصوصیات انسانی بیشتری می‌گیرند و روابط و کنش‌ها را منطقی‌تر و باورکردنی‌تر می‌سازند.

بنا به دلایلی که در داستان روشن می‌شود، خود جامعه نیز ساختاری یکدست ندارد و گروهی از مردم که در کوهستان زندگی می‌کنند از ستم و آزار «ایاتوک‌ها» در امانند و به همین دلیل، ساختار کهن جوامع روستایی خود را حفظ کرده و در تلاشند تا راهی برای رهایی دیگر مردمان سرزمین خود بیابند. روند کلی داستان، درگیری نیروهای تاریک و روشن در این بستر داستانی و گرداگرد ماجراهایی است که خواهر و برادری بر پایه یک اشتباه به وجود

ناشران محترم!

از این پس می‌توانید برای تبلیغ کتاب‌های خود

در بخش تازه‌های نشر

با شماره ۱۵۰۶۶۹۶۶ تماس بگیرید

تبلیغ کتاب



طنز برای تخریب چهره‌ها نیست

■ اکبر اکسیر



طنز آمده تا زندگی برای انسان امروز قابل تحمل شود و انسان شهری به آرامش دست یابد اما متأسفانه وظیفه اصلی خود را فراموش کرده است.

طنز در اجتماع در قالب تئاترهای روحی خود را نشان می‌دهد، در رادیو و تلویزیون یک لحن دارد و در محافل ویژه لحنی دیگر. این در حالی است که طنز لحن اهلی نشده انسان معاصر است، لحنی که نباید به انحصار هیچ آداب و ترتیبی دربیاید. مسوولان و تصمیم‌گیرندگان فرهنگی نیز باید به این مهم توجه داشته باشند و اجازه دهند طنز همچنان به زندگی عادی خویش ادامه دهد و اصالت و جودی اش را ایفا کند. باید از آن حمایت کرد و به آن بال و پرواز داد تا در ایجاد زندگی فرح‌بخش، آزاد و با روحیه بالا موثر افتد. جامعه را شاد کند و مثبت‌اندیشی را رواج دهد. طنز، عصای راه و عینک چشم انسان امروز است. دست طنز را بگیریم و استعدادهایش را شکوفا کنیم. در جشنواره‌های شعر بخشی را به طنز و معرفی شاعران طنزپرداز و آثار آنها اختصاص دهیم تا همگان آگاه شوند که ما انسان‌های طنزاندیش مسوولانی طنز‌پذیر نیز هستیم.

طنز ابزاری برای تخریب چهره‌ها نیست. آنچه در پس این کلمات خوابیده نودشاروست و طنز حقیقی را نمی‌توان از طنزپرداز منصف جدا کرد. آنچه می‌تواند در معنای حقیقی، روح شادابی را به جامعه تزریق کند، طنز به مفهوم مطلق آن و «خندیشه‌ای» هشداردهنده است. در پس هر قهقهه‌ای، احتراقی روشن وجود دارد تا انسان‌ها را به اصالت پاک و معصومشان بازگرداند.

تاکنون سه مجموعه شعر فرانسوی که مهم‌ترین ویژگی آنها کوتاه و طنزآمیز بود نشان است با عنوان‌های «بفرمایید بنشینید صندلی عزیز»، «پسته لال سکوت دندان‌شکن است» و «زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند» منتشر کرده‌ام. همچنین به زودی چهارمین مجموعه شعرم نیز در همین قالب با عنوان «ملخ‌های حاصل‌خیز» توسط نشر مروارید راهی بازار نشر می‌شود.

«حرحه کبوتر و برگ زیتون و پارچه سفید بود / شاعران ما خرج صلح کرده‌اند / مانده‌ام چه کار کنم / برمی‌خیزم به جای شعر / تمام پرچم‌های جهان را بدر و ایتکس / می‌خوابانم.»

رشد کیفی شعر طنز

■ سعید بیابانکی



به نظرم در سال‌های اخیر شعر طنز از رشد کیفی برخوردار شده، به بیان دیگر از فضای فکاهی سرزایی و پرداختن به مقوله‌ها و مضامین دم‌دستی فاصله گرفته و به جایگاه فخری تری دست یافته است. شاید یک بخش آن مرتبط با ورود شاعرانی به این حوزه است که آثار جدی دارند و با ورود به عرصه شعر طنز به جدیت و فحامت آن کمک کردند.

بخش دیگر به ابزارهای مدرن سال‌های اخیر بازمی‌گردد. گسترش اینترنت، وبلاگ‌نویسی، پیامک و حتی بلوتوث ابزار بهتری در اختیار شاعران طنزپرداز قرار داد. این ابزارهای مدرن محدودیت‌های روش‌های پیشین را ندارند و بسیاری از آثار از طریق این روش‌ها

گسترش یافته‌اند. حتی این امر به چکش خوردن آثار نازل کمک می‌کند؛ چراکه آثار با مخاطب بیشتر را معرفی می‌کنند. اگر مخاطبان از شعر طنزی استقبال کنند، به طور حتم آن را در ابعاد وسیعی از طریق همین ابزارهای مدرن منتشر می‌کنند. شعر طنز در حال حاضر ابزاری برای انتقاد کردن است البته مشروط بر آن که این طنز انتقادی کاملاً هنرمندانه و فخریم بیان شود.

طنز کار فرعی من در حوزه شعر است و یکسری از سروده‌های طنزم که در برخی از محافل خوانده‌ام، از طریق بلوتوث یا از طریق وبلاگم منتشر شده‌اند. اما معتقدم اقدام برای انتشار این شعرها در قالب کتاب هنوز کمی زود است؛ باید زمان بگذرد تا مخاطبان حقیقی نمایان شوند.

«با آمدنت کمی به روزم کردی / تابیدی و ماه شب فروزم کردی / هم سوخت دلم ز رفتنت هم پدرم / با رفتن خود دوگانه سوزم کردی»

شعر طنز جدی شد

■ شهرام شکیبیا



اگر نگاهی به تاریخ ادبیات فارسی داشته باشیم، از اقسام شوخ طبعی آنچه بیش از همه دیده‌می‌شود هجو و هزل است. اما آنچه ما آن را شعر طنز

می‌نامیم، سابقه‌اش چندان قدیمی نیست. البته در روزگاری شعرهای طنز انتقادی را در میان آثار شاعرانی چون حافظ، سعدی و برخی از شعرهای عبیدزاکانی می‌بینیم و می‌توانیم در میان این سروده‌ها ریشه‌های شعر طنز امروز را بیابیم. شعر طنز البته با روندی آهسته پس از مشروطه در ایران جدی گرفته می‌شود و به گمان من در ۱۰ سال اخیر به مدد دفتر طنز حوزه هنری، نخستین شب شعر طنز ایران پایه‌گذاری و باسرعتی زیاد به یکی از پر مخاطب‌ترین نشست‌های ادبی کشور با حضور گسترده شاعران و مخاطبان بدل شد. این امر سبب شد تا شاعران شعر طنز را جدی‌تر پیگیری کنند و حتی چهره‌های شناخته‌شده در شعر جدی نیز به این حوزه روی بیاورند.

به‌طور طبیعی، جوهره طنز انتقاد است و اگر فضا بیش از حد سیاسی شود گاهی از این انتقادها برداشت نادرستی صورت می‌گیرد. این بخش سخت‌ترین قسمت ماجراست. به عبارت دیگر، رندی و ظرافت بیشتر شاعر را می‌طلبد و صبر مسوولان که دریابند اگر شاعر طنزپردازی انتقاد می‌کند، از سر دلسوزی است.

جنبه انتقادی آثار طنز من تیزتر و تندتر است بر همین اساس تاکنون دلیلی برای انتشار آثارم ندیده بودم اما به زودی مجموعه شعرها و نثرهای طنزم را برای چاپ به انتشارات نیستان می‌سپارم.

«تو را از خویری آفریدند / نکویی در نکویی آفریدند / سبیلی را به سروی وصل کردند / ابوالفضل زرویی آفریدند»

شب‌های شعر طنز

■ راشد انصاری



اغلب سوژه‌های شعر طنز منتشر شده در نشریات و کتاب‌های این حوزه در دهه ۶۰ و ۷۰ درباره موضوعاتی چون گرانسی، مادرزن، نانوایی،

چاله‌های سطح خیابان و شرکت واحد اتوبوسرانی بود! بزرگان شعر طنز زنده‌یادان ابوالقاسم حالت، ابوتراب جلی، محمدعلی افراشته، سید اشرف‌الدین حسینی، محمدعلی گویا و مرتضی فرجیان که در نشریاتی چون «چلنگر»، «نسیم شمال» و «توفیق» و گروهی دیگر که پس از انقلاب در نشریات «خورجین»، «طنز پارسی»، «ملون» و «گل آقا» قلم می‌زدند نیز بیشتر از سوژه‌های تکراری ذکر شده استفاده می‌کردند.

اما برپایی شب شعر طنز «در حلقه زندان» در حوزه هنری و به همت ابوالفضل زرویی نصرآباد و در ادامه آن «شکرخند» با مدیریت رضا رفیع، نقطه عطفی در تاریخ طنز مکتوب ما بود و سبب شد تا به نوعی شاعران طنزسرا با فراغ‌بال بیشتری به خلق آثاری ماندگار بپردازند. در این شب‌های شعر، طنزپردازان دیگر محدودیت‌های دست و پاگیر همیشگی را نداشتند و تا حدودی رهاتر بودند. بنابراین به خط قرمزهای سیاسی، اجتماعی نزدیک شدند و ضمن ارائه آثار قدرتمندی در این زمینه، ما شاهد تولد نسل جدیدی از طنزسرا بودیم که جرعه طنزشان در «حلقه زندان» زده شد.

این دو محفل شوک عظیمی به شعر طنز امروز وارد کردند و سبب شدند تا شعر طنز یک یا چند گام از نثر (داستان و رمان طنز) جلوتر رود و همچنان در جاده پیشرفت مشغول تاخت و تاز است.

درباره آخرین فعالیت‌های خودم در این زمینه باید بگویم یک مجموعه شعر و نثر کوتاه طنز با عنوان «فیل و فنجان» همراه غلامحسین ترکمان در ۱۴۰ صفحه توسط نشر ایلاف در دست چاپ است و تا سه ماه دیگر منتشر می‌شود. پیش‌تر نیز کتاب‌های «طنزیه = طنزآینه»، «دغدغه‌های بی‌خیالی»، «پشت پرده»، «این مرد مشکوک» و «لطفاً میخ نشوید!» در این حوزه از من منتشر شده‌اند.

«این بچه مردنی تپل خواهد شد / گاو شخورد شبیه گل خواهد شد / در ظاهر اگر چه خنگ و بی‌خاصیت است / من مطمئنم مدیر کل خواهد شد»

قهقهه مخاطب و نزول شعر طنز

■ ابوالفضل زرویی نصرآباد



به‌طور طبیعی نظم به عنوان یکی از قالب‌های ادبی، نیمی از آثار ادبی ما را تشکیل می‌دهد و نامداران ادبیات فارسی را با اشعار برجای مانده از آنها می‌شناسیم. پس بهترین راهنما برای شناخت آثار طنز قدیم همان اشعار طنزآمیز باقیمانده از نیکان است. در ادبیات معاصر نیز شعر طنز به عنوان یک قالب شاخص در حوزه آثار منظوم مطرح است و حتی افرادی که از ذوق طنزی سرشار برخوردار نیستند باز هم می‌توانند با استفاده از جذابیت‌های شعر طنز آثار قابل‌قبولی را ارائه کنند. بیان عادی‌ترین حرف‌ها در قالب نظم جذابیت و اثرگذاری آن سخن را دوچندان می‌کند و در بیان طنزآمیز این جذابیت چندین برابر می‌شود، حتی اگر از عنصر انتقاد که لازمه طنزپردازی است، خالی باشد.

خوشبختانه در سال‌های اخیر و با برپایی شب‌های شعر طنز، سطح وسیعی از طنزپردازان سر ذوق آمدند تا آثار بیشتری را خلق کنند؛ چرا که محلی برای ارائه آن یافته‌اند و احساس کرده‌اند در محفلی شعرشان ارایه می‌شود که امکان قضاوت درباره آن نیز وجود دارد. بر همین اساس می‌توان گفت شعر طنز رشد کمی و کیفی داشته است.

اما این قضاوت در حوزه طنز دو جنبه مثبت و منفی دارد. مثبت اگر سمت و سوی کار به سوی نخبه‌پروری رود و جوانان و تازه‌کاران این حوزه به تجربه‌های استادان و پیشکسوتان شعر طنز و حتی شعر جدی توجه داشته باشند و برای رفع ضعف‌های خود همت کنند.

جنبه منفی آن به این نکته بازمی‌گردد که اگر شاعران طنزپرداز ذوق خود را با مخاطب تنظیم کنند، سطح شعر طنز نزول می‌کند. گاه کمترین اشارات غیرمودبانه مخاطب را به قهقهه وامی‌دارد. نباید تشویق‌های مخاطبان در این مواقع ذوق و سلیقه شاعر را تحت تأثیر خود قرار دهند؛ چرا که منجر به نفوذ گسترده ادبیات غیرمودبانه در آثار طنز می‌شود. برگزارکنندگان جلسات در این زمینه تصمیم‌گیرندگان جدی هستند تا اجازه ندهند سطح محافل شعری طنز نزول کند و البته هوشمندی طنزپردازان را نیز می‌طلبد.

شعر طنز امروز جایگاه خوبی از نظر ظرفیت‌های موجود و امکانات لازم دارد. همچنین امکان استعدادیابی و شکوفایی استعداد‌های جدید در این حوزه نیز فراهم آمده است. تنها به یک بازآموزی توسط همین افراد مستعد نیاز است تا این دوره به عنوان یکی از درخشان‌ترین دوره‌های طنز در تاریخ ادبیات ایران ثبت شود.

نقل قولی را از مرحوم خسرو فرشی‌دورد شنیده بودم که گفته است: «تنها راه برون‌رفت شعر از بحران فعلی، روی آوردن آن به طنز است.»

«نظم می‌دادم کوپن‌های رفیقی را دقیق / چون که باشد نظم اندر کارها و سواس من / ناگهان آمد کوپن‌ها را از من قاپد و گفت / اینقدر بازی نکن ای دوست، با احساس من!»

حمایت از شاعران

■ رضارفع



امروزه در زمینه شعر طنز شاهد شکل‌گیری محافل ادبی در غیاب نشریات طنز هستیم که خود فرصت و مجال مناسبی برای رشد شعر طنز است.

شب‌های شعر «در حلقه زندان» و «شکرخند» نخستین گام‌ها در این زمینه‌اند و جای امید است که باز هم با انشعاب از این محافل شاهد برپایی محافل دیگری برای شعر طنز باشیم؛ چراکه این محافل یک پاتوق ادبی مناسب برای به هم رسیدن دو نسل پیشکسوت و جوان این عرصه، تسهیل انتقال تجربه میان این دو نسل و شنیدن تازه‌ترین آثار آنهاست.

به هر حال، مانند هر پدیده فرهنگی دیگر این گونه محافل با مشکلاتی نیز روبه‌رو هستند. بخشی از مشکلات اجرایی و اقتصادی‌اند و بخش دیگر مرتبط با مسائل محتوای ادبی و معنوی شعرها. هر دو این مسائل می‌توانند به جریان شعر طنز آسیب برسانند. از یک‌سوا شاعران طنزپرداز حمایت‌مادی نمی‌شود و از سوی دیگر شاعران جوان این حوزه گاه دچار جواززدگی و درگیری با احساسات و تشویق‌های مقطعی می‌شوند که این امر سبب تغییر محتوایی اشعار به درجات نازل شده و از وجه ادبی و ماندگاری شعر طنز می‌کاهد.

به‌عنوان مسوول شب‌های شعر «شکرخند» که با شعار «تبسم همراه با تفکر» و ادعای طنزی نجیبانه و ادیبانه برپا و با استقبال مخاطبان مواجه شده، باید بگویم ما دچار کمبود جا برای حضور علاقه‌مندان هستیم و این خود طنزی حقیقی و زنده است که برنامه‌ای با زحمت شکل بگیرد و با تمامی مشکلات و پیگیری‌ها به سلامت از مرز پنج‌سالگی بگذرد اما فردی نباشد تا برای وسیع‌تر کردن مکان برگزاری اش به آن کمک کند. این روزها مجموعه «طنز تغزل» را که دربرگیرنده سروده‌های طنزگونه دهه ۷۰ من در قالب غزل و درباره حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و ادبی‌اند آماده چاپ کرده‌ام.

«شب فراق که داند که ساعتش چند است / مگر کسی که نگاهش به ساعتش بند است / نگاه، بند به ساعت شود در آن هنگام / که «دل ز کف شده» ای بند هجر دل‌بند است»

